

شماره: ۱۱

تاریخ: ربیع‌الاول ۱۳۱۷ [ه.ق. / ژوئیه ۱۸۹۹ م. / مرداد ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: محتشم‌السلطنه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: گزارش ملاقات «محتشم‌السلطنه با وزیر مختار فرانسه در مورد بدرفتاری «دومرگان» با ایرانیان و قرارداد حفریات بین ایران و فرانسه

نمره: -

روز جمعه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ [ه.ق.] حسب‌الامر عالی به ملاقات [به ملاقات] وزیر مختار فرانسه رفتم [ه.ق.] اولاً در خصوص راپرت شاهزاده حکیم در باب عملیات سوس [شوش] و رفتار مسیو دومرگان [ه.ق.] به موجب دستخط جهانمطاع [جهان مطاع] مبارک شاهنشاهی ارواحنافداه [ه.ق.] مذاکره نمودم گفتم شما می‌دانید [می‌دانید] که موافق قرارداد عملیات شوش [ه.ق.] نصف آنچه استخراج شود حق مسلم دولت علیه است و مسیو دومرگان را در آن نصف حقی نیست [ه.ق.] معهداً مأمورین دولت که خواسته عکسی از آنها بردارد [ه.ق.] ممانعت کرده و از آنطرف [آن طرف] از خود او هم که عکس خواسته نداده و منافی صرفه خود دانسته و حال آنکه جنابعالی میدانید [می‌دانید] که این خلاف قرارداد مقرر است [ه.ق.] زیرا که مسیو دومرگان حقی در سهم دولت علیه ندارد و اگر خود او هم بخواهد [ه.ق.] عکس از آنها بردارد [ه.ق.] با اجازه دولت علیه باید باشد [ه.ق.] نه اینکه مأمور دولت را هم از گرفتن عکس ممانعت کند [ه.ق.]

بعلاوه رفتار کلی مشارالیه در انکشافات و در سایر امور نسبت بمأمور [به مأمور] دولت علیه و غیره بطور شایسته نیست [ه.ق.] در صورتیکه [صورتی که] جنابعالی خوب میدانید [می‌دانید] که مأموریت مسیو دومرگان فقط مأموریت علمی است و این مأموریت هر قدر از روی قاعده و بطور مسالمت و موافقت بگذرد [ه.ق.] البته بصرفه [به صرفه] طرفین اقرب است [ه.ق.] وزیر مختار را تصدیق کردند و گفتند که در خصوص عکس حق با دولت علیه است [ه.ق.] من و عده

میدهم [می‌دهم] که این مطلب را مرتب نمایم [.] اما در خصوص سایر رفتار مسیو دومرگان [.] خود او هم بعضی شکایتها دارد که مسیولامیر را فرستاده و اظهار کرده بود [.] من سپرده‌ام که راپرت خود را تدارک کرده بسفارت [به سفارت] بیاورد و همچنین دور نیست که با چاپاری که تا چند روز دیگر خواهد رسید [.] باز مطالبی باشد [.] همینکه آنها رسیدند [.] اطلاع خواهم داد که قراری در این کار صادر شود [.] بنده گفتم که اولیای دولت ایران این امتیاز را که بفرانسها [به فرانسه] داده [.] منظورشان فایده علمی و صرفه انکشاف برای طرفین است و این کار با اشکالتراشی منافات دارد و جنابعالی [جناب عالی] که به حسن اخلاق و سلامت اعمال موصوفید [موصوف هستید] بهتر ملتفتید [ملتفت هستید] که باید بطوری [به طوری] مأمورینی که از فرانسه برای این انکشاف می‌آیند [می‌آیند] وظیفه علمی را رعایت نمایند و با موافقت حرکت کنند که فایده آن منظوره علمی فوت نشود و ظنّ قوی است که مسیو دومرگان در تشکیّات خود چندان محقّ نباشد [.] در این کار بالاطراف رسیدگی شده اظهارات صحیحه طرفین مراعات و اگر شکایتی باشد مرتفع شود [.] گفتند همینطور است تا ده پانزده روز دیگر آن نوشتجات حاضر خواهد شد و آنوقت [آن وقت] داخل مذاکرات با شما می‌شویم [می‌شویم] و بطور خوش قرار می‌گذاریم [می‌گذاریم] که در رفع تشکیّات بعد از این از طرفین بشود و اگر مسیو دومرگان بواسطه [به واسطه] مراتب علمی قدری خیالاتش تند است [.] اما در بعضی مطالب هم بی‌حق [بی‌حق] نیست [.] مثل اینکه وقتی بنای خانه برای خودشان موافق شرایط اختیار میکردند [می‌کردند] حکومت عربستان بنای ممانعت را گذارده بود و می‌گفت برحسب امر حضرت صدارت عظمی است و حال آنکه خودم بخدمت [به خدمت] صدارت عظمی عرض کردم [.] فرمودند همچو امر به حکومت عربستان داده نشده است [.] بنده گفتم احتمال می‌رود [می‌رود] طرز بنایی که مسیو دومرگان کرده بوده است [.] قدری محلّ ملاحظه واقع شده باشد و الاّ حکومت عربستان از آنچه مفاد فرمان دولت است [.] یقیناً تخلف نمی‌ورزد [نمی‌ورزد] گفتند این مطلب گذشت و بامر [به امر] حضرت صدارت عظمی اصلاح شد [.] بعد گفتم این مادام لامپیر هم که بانجا [به آنجا] رفته است [.] رفتارش صحیح نیست [.] تعدیل رفتار او را هم باید قدغن

نمائید [.] اسم مادام لامپر را که شنیدند نمیدانم [نمی دانم] بچه ملاحظه خندیدند و گفتند [.] احتمال است که او هم از آنجا برود و در هر صورت بعد از رسیدن راپرت و چاپار [.] رسیدگی و مذاکرات که کردیم اصلاح هم میشود [می شود.] اما یک فقره لازمی هم بود که میخواستیم [می خواستیم] بشما [به شما] بگوییم و آن این است که این سگوند و غیره که در وقت حرکت تا خیلی نزدیکی [به نزدیکی] عملیات سوس [شوش] میایند [می آیند] و منزل میکنند [می کنند.] اسباب نگرانی مأمورین انکشاف هستند [.] چرا که آنها مردمان ایلات هستند و حالشان معلوم است [.] احتمال دارد که با نوکرهای مسیو دومرگان و عملجات [عملهجات] دو طرف شوند و اسباب مشکلات فراهم شود و یا آنکه بواسطه نزدیکی تعدی نمایند و باعث زحمت بشود [.] اولیای دولت خوب است مقرر فرمایند که منزلگاه آنها همیشه در حرکت و سکون [.] قریب یک فرسخ دورتر از مقام مأمورین انکشاف باشد که محذوری واقع نشود [.]

گفتم این مطلب را به عرض [به عرض] میرسانم [می رسانم] البته بطوریکه [به طوری که] مقتضی است قراری در این باب مقرر خواهند فرمود [.] ثانیاً در خصوص جواب رسمی که در باب طلب نصرالحکما بوزارت [به وزارت] امور خارجه نوشته و نسبت بمستشارالدوله [به مستشارالدوله] خیلی سخت و بد نوشته بودند [.] صحبت کرده مراسله را درآورده [.] گفتم که چون ادب ذاتی و رفتار متحسسه جنابعالی [جناب عالی] خیلی محلّ تعجب شده است که چرا باین [به این] سختی نوشته شده و عبارات نامناسب نسبت بکارگذار [به کارگزار] محترمی داده شده [است.] وزیر مختار گفتند راست است که از مستشارالدوله گله دارم و حضور حضرت صدارت عظمی هم شکایتی از ایشان کرده بودم در این مراسله هم گفته بودم که اشاره از این فقره بنمایند اما نگفته بودم که عبارات نامناسب بنویسند [.] بنده گفتم اگر جنابعالی [جناب عالی] را شکایتی باشد [.] باظهار [به اظهار] شفاهی یا پیغام شفاهی میتوانید [می توانید] بیان فرمائید و البته از طرف صدارت عظمی و وزارت خارجه هم نظر بمساعدت [به مساعدت] مخصوصی که با جنابعالی [جناب عالی] دارند [.] سفارشات مقتضیه خواهد شد [.] اما در مراسله رسمیه این مضامین را خود جنابعالی [جناب عالی] هم البته تصویب نخواهید کرد و چون جناب

مشیرالملک با اطلاعی که از نزاکت جنابعالی [جناب عالی] دارند [،] این فقره را یقین داشتند [،] با کمال احترام مراسله را ارسال داشتند که مطالب آنرا [آن را] بطوریکه [به طوری که] شایسته است بفرمائید بنویسند و ارسال فرمائید [۰] قبول کردند و گفتند که من چون فارسی نمیدانم [نمی دانم] مسئولیت الفاظ فارسی چندان با من نیست [،] آن جاهائی که [جاهایی که] محل ملاحظه است نشان کنید [،] بنده هم آنها را بخط [به خط] افقی نشان کرده مراسله را دادم و گفتم منظور جناب مشیرالملک یگانگی با جنابعالی [جناب عالی] و انجام امور بطور [به طور] موافقت است و البته جنابعالی [جناب عالی] هم این نکته را مراعات میفرمائید [می فرمائید] اظهار امتنان کرده گفتند [،] با این نیت کارها مسلماً بهتر پیش میرود [می رود].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۲

تاریخ: [۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۸۹۹ م. / ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: مظفرالدین شاه [دستخط مظفرالدین شاه]

گیرنده: صدراعظم [امین‌السلطان^۱]

موضوع: دستور بررسی وضع «مرگان» و تحویل سهم ایران از کشفیات نامبرده به «عین‌الدوله^۲»

نمره: -

جناب اشرف صدراعظم [ه] خودت عین راپرت را برای عین‌الدوله بفرستید و اگر صلاح میدانید [می‌دانید] رمزاً باو تلگرافی بکنید که او خودش از حال دومورگان [مرگان] باطناً مطلع بشود [به شود] و بی‌خبر نباشد و رسماً هم باید باو اطلاع دهد که قسمت دولت ایران در این انکشافات هر چه هست [ه] بعین [به عین] تسلیم خود عین‌الدوله بکند [به کند] بتصدیق [به تصدیق] شاهزاده حکیم [ه].^۳

۱. «میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان اتابک اعظم» متولد سال ۱۲۷۴ ه.ق. در میان صدراعظم‌های دوره قاجاریه تنها کسی است که در خدمت سه تن از پادشاهان قاجاریه یعنی ناصرالدین شاه - مظفرالدین شاه و محمدعلیشاه بود، وی در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هنگام رفتن به مجلس به وسیله عباس آقا صراف تبریزی به قتل رسید.

۲. عبدالمجید میرزا (عین‌الدوله) فرزند سلطان احمد میرزا عضدالدوله چهل و ششمین پسر فتحعلیشاه و داماد مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۷ شد. والی لرستان بود. نامبرده در ۱۳۲۲ صدراعظم مظفرالدین شاه شده و در زمان سلطنت احمدشاه نیز ۲ بار وزیر کشور و ۲ مرتبه نخست‌وزیر شد.

۳. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۳

تاریخ: [۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۹۰۰ م. / ۱۲۷۹ ه.ش.]

فرستنده: [حیدر میرزا]

گیرنده: [وزارت امور خارجه]

موضوع: گزارش در مورد بر رفتاری «مرگان» پس از دریافت تلگراف «لامیر» از تهران

نمره: —

مسیو لامیر بعد از رسیدن خود بطهران [به تهران] تلگراف رمزی به دومرگان کرد [۰]. چند روز بعد [۰] دومرگان بنای بد زبانی گذاشت که مأمور دولت ایران [۰] سه هزار تومان از سردار اکرم گرفته است که برخلاف مأمورین فرانسه راپورت بدهد یک مجلس هم بسئوال [به سئوال] و جواب تند حضوری گذشت [۰] و از آنجا که هیچ ایرادی در کارهای من نتوانسته‌اند [نه نتوانسته‌اند] بگیرند باین [به این] ترتیب شروع کرده‌اند [۰].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۴

تاریخ: [۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۸۹۹ م. / ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: حیدر طبیب [دکتر حیدر میرزا]

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: چاپ کتاب کشفیات توسط «مرگان» و کاهش ارزش اشیاء مکتشفه و درخواست اجازه

دخالت و نظارت در کارهای نامبرده

نمره: -

از آنجا که مسیو دومرگان برخلاف قرارنامه دولتی [،] حاصل کاوش را بطبع [به طبع] رسانیده است [،] تمام اشیاء محصوله از قیمت افتاده [،] و در حکم نمونه کم قیمتی شده‌اند که اگر دولت بخواهد [به خواهد] نمونه‌های محصوله تا امروز را قسمت کند [،] هیچ فایده نخواهد برد مگر آنکه در حاصل طبع شریک فائده شده و یا آنکه حقوقی مخصوص از دولت فرانسه مطالبه کند [.]

[نوشته حاشیه] (این اشیاء باید تقسیم شود و سهم دولتین علناً شود)

در محصولات آتیه هم البته باید این ترتیب تغییر کند [،] و الاً مخارج مأمور ضرر بین دولت است [.] جهت رفع معایب آتیه [،] اگر صلاح باشد باید با سفارت فرانسه در خصوص مأمور دولت مجلسی بشود [به شود] که جهات تکلیف طرفین محدود و هیچکدام از حدود خود تجاوز نمایند [نه نمایند] و اگر هم از سفارت فرانسه خواسته شود که مطابق قرارنامه از طرف خود یکنفر [یک نفر] در محل کاوش داشته باشد که ناظر و ثالث باشد [،] باعتقاد [به اعتقاد] چاکر بی ضرر است [،] خصوص با وجود بقای مسیو دومرگان بمأموریت [به مأموریت] خود و یا آنکه بمأمور دولت اجازت دهد که اگر حضرات از حدود خود تجاوز نمایند و بخواهند مانند دو سال گذشته رفتار کنند [،] حق ممانعت داشته باشد و در شکایت آنها از این جهات مسئول نباشد.

[نوشته حاشیه] طرفین باید از روی قرارنامه معمول دارند [،] و بر طبق قرارنامه حکمی

که لازم است در انجام این مطالب دستورالعمل نوشته شود [.]

هر وقت از طرف مأمورین علمی [ه] تجاوزی از شرایط قرارنامه میشود [و] باید مأمور دولت تلگرافاً اطلاع بدهد [به دهد] تا هر طور دستورالعمل برسد مجری دارند [و].

و یا آنکه مأمور دولت [ه] تنها ناظر عمل و واقعات لازمه را به تلگراف مجانی بعرض [به عرض] اولیای دولت برساند. و منتظر جواب دستورالعمل تلگرافی باشد [و] مگر آنکه اگرچه امساله از قرار مذکور [ه] حکومت عربستان و لرستانرا [لرستان را] تسلط و اقتدار پیش از سالهای قبل است [و] و عشایر لرستانی در خاک عربستان چندان خودسری نخواهند کرد ولی چون واقعات سال گذشته محتمل الوقوع است [و] لهذا باید مأمور دولت را حکمی سخت در دست باشد که در موقع ضرورت [ه] از سرباز و یا سوار اگر بقدر [به قدر] احتیاج محض تخویف رؤسای عشایر از حکومت دزفول بخواهد که به دانیال (ع) آمد و شد کنند [و] مضایقه نرود.

و این خواستن معدودی از نوکر مأمور دزفول [و] در موقع ضرورت نه از برای تحریک فتنه است [و] بل محض آنست [آن است] که عشایر لرستانی و غیره بدانند که دولت را در عمل شوش توجّهی مخصوص است [و] و از خیالات فاسده دور بشوند. لازم است که با سفارت دولت عثمانی مذاکره بشود که از حکومت بغداد به رؤسای عشایریکه [عشایری که] در خاک ایران آمد و شد میکنند [می کنند] غدغن اکید شود که از اشرار و اجامر^۱ طوایف خود جلوگیری کنند [و] و شرایط اتحاد و دولتی با دولت ایرانرا [ایران را] مستحکم بدارند [و].

(امروز دیگر از عشایر ایران در خاک عثمانی آنقدر خلافکاری نمیتوانند [نمی توانند] نمود که عشایر عثمانی در خاک ایران مینمایند [می نمایند] و جهات آنرا [آن را] کتابچه علیحده^۲ لازم است [و] مختصر آنکه سالهاست که حکومت عربستان در حدود خود [و] بذل توجّهی ننموده (نه نموده) و فراریهای عشایر عثمانی به تدریج به تقدیمات جزئی داخل خاک ایران شده [و] شغل و صنعت مخصوصشان راهزنی [راهزنی] شده است با دلایل بیشمار [بی شمار] دیگر) [و].

هنوز از خرم‌آباد بعربستان [به عربستان] عبور و مرور در نهایت اشکال بلکه قریب بمحال [به محال] است و چون زمستان داخل شده [و] راه کرمانشاهان و پشت کوه یا اصفهان و

۱. اجامر: (جمعی است بی مفرد) گروه غوغاطلب، اوباش، مردم ولگرد (فرهنگ معین - جلد اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۴۵).
 ۲. علیحده: جداگانه

بختیاری هر دو را ممکن است که برف گرفته و یا بگیرد [به گیرد] پس اصلح آنست [آن است] که مأمور دولت بچاپاری [به چاپاری] از راه بوشهر به محمّره و از آنجا بشوشتر [به شوشتر] و شوش برود [.] این ماه پانزدهم است که چاکر را از حقوق مقرّره [ه] دیناری عاید نشده و از هستی خود ساقط شده ام [ه] از پارسال الی اکنون مکرّر استدعای معافی از اینخدمت [این خدمت] را نموده ام [ه] اگر معافم فرمایند زهی تشکر [ه] و اگر مجبور بحرکت [به حرکت] باشم بکمتر [به کمتر] از هزار و پانصد تومان وجه نقد نمیتوانم [نمی توانم] از طهران حرکت نمود [ه] که قدری از قروض را ادا کرده و قدری هم خرج عرض راه باشد [ه] در عربستان هیچ محلی نیست که مقرری چاکر را که جزء مخارج فوق العاده است بتواند برساند [به رساند].

اگر وجود مأمور برای حضور بمحلّ [به محلّ] خدمت و وقوف از واقعات بمحلّ [به محلّ] است باید مخارج او در همچو بیابانی نقداً نقد برسد [ه] تا وجود او مثمر بتواند بود والا اگر محض اشتغال بوصول حقوق باشد [ه] هم مأموریت بی نتیجه و هم مال دولت بهدر است [.]

[نوشته حاشیه] هزار تومان نقد داده خواهد شد حرکت نمایند باقی هم حواله میشود که در عربستان بدهند [.]

چنانچه عرض شد اگر چاکر باید باینخدمت [به این خدمت] مراجعت کند هزار و پانصد تومان نقد مرحمت شود و تتمّه را تا چهار ماه از عید نوروز گذشته حواله گمرک بوشهر نمایند که بمحض [به محض] ورود کارسازی داشته [ه] عازم مقصد شوم و از عرایض فوق هم هر کدام را [کدام را] مقرون بصحّت [به صحّت] دانند اجابت فرمایند [ه] و هر ترتیب دیگری را [دیگری را] هم لازم دانند [ه] فرمایش شود تا مطابق آن رفتار نماید [.]

پنجمه [پنج ماه] قبل یکصد [یک صد] تومان انعام از صرف [طرف] جیب مبارک بحواله [به حواله] مستطاب اجل آقای حاجی امین السلطنه بچاکر [به چاکر] مرحمت شد [ه] اکنون باین [به این] استدعا دارم که قبض چاکر را از ایشان گرفته مسترد فرمائید [.]^۱

چاکر حیدر طبیب

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۵

تاریخ: ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۲۸ اوت ۱۸۹۹ م. / ۵ شهریور ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: عبدالله (حاکم زره)

گیرنده: تهران - صدراعظم

موضوع: تلگراف عبدا... مبنی بر مجعول بودن نامه «مسیو دومرگان» بر علیه وی

نمره: -

بتوسط [به توسط] جناب مستطاب اجل امجد اکرم [،] آقای مشیرالملک وزیر لشکر
دامت شوکت [،] حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقای صدراعظم روحی
فداه [،]

متنهی بدبختی است که هر کس از فدوی شکایت میکند [می‌کند] بدون تحقیق قبول
میشود [می‌شود] در تظلمات کسان فدوی ابداً مرحمتی نمیشود [نمی‌شود] مثلاً مسیو دومرگان
فرانسé [فرانسوی] محض اینکه این غلام [،] از اجرای بعضی مقاصد فاسده او که صلاح دولت نه
بوده مانع بوده ام [،] کدورتی حاصل کرده و رقعہ مجعولی بفدوی [به فدوی] نسبت داده [،] بدون
تحقیق صدق [و] کذب اسباب تغیر خاطر مبارک میشود [می‌شود] و حال اینکه در مدت اقامت
مسیو دومرگان در عربستان [،] فقط دو رقعہ مکاتبه شده که سواد آنها موجود است [،] و هیچ
ربطی باین [به این] مطالب نداشته [نه داشته] و بنمک [به نمک] مبارک قسم است [،] رقعہ را
صریحاً جعل نموده و از فدوی نیست [،] و چنانچه فدوی پنجاه سال با خارجه طرف مکاتبه
باشم یکرقعہ [یک رقعہ] که بقدر [به قدر] سر موئی محل ایراد باشد بدست [به دست] نمیدهم
[نمی‌دهم] آخر ملاحظه فرمائید [،] چه گونه [چگونه] می‌شود چنین رقعہ که باعث بدنامی دولت
و ملت است [،] بدون جهت فدوی بمأمور [به مأمور] محترم فرانسé بنویسم هیچ دیوانه این کار
را نمی‌کند [،] عجب است که تهمت باین [به این] بزرگی بدون تحقیق قبول می‌شود [،] و از خود
فدوی سؤال نمی‌فرمایند که تفصیل را عرض کنم [،] که جواب سفارت فرانسé را از روی دلایل

صحیحه بفرمایند که اقلأً اسباب خجالت خانه‌زادان دولت نشود این توهین از مسیو دومرگان بقدوی [به فدوی] نشده بلکه بدولت [به دولت] علیه شده [،] انشاءاله حین شرفیابی در یک مجلس [،] مجعول بودن این رقعہ را ثابت می‌کنم [،] و مجازات این توهین را رسماً و حقاً مستدعی می‌شود [.]

در سایر مطلب هم [،] سه سال است تمام املاک فدوی را غارت می‌کنند [،] مدافعه و معارضه بمثل [به مثل] که برای فدوی لایق نبوده و نیست [،] باین [به این] شدت تظلم هم اسباب تصدیع و انزجار خاطر مبارک می‌شود [،] پس چه خاک بسر [به سر] کنم [،] الان خبر رسید جناب جهانشاه خان [،] پانصد نفر سوار و هزار پیاده فرستاده ملک‌خان باباخان نام گروسی را غارت کرده‌اند [،] و پنج نفر از طرف جهانشاه خان و هشت نفر خان باباخان کشته شد [.] بهمان [به همان] جمعیت حکم کرده است بیایند املاک فدوی را غارت کنند [.] فدوی فردا روانه شده شرفیاب میشوم [می‌شوم] ولی این املاک را مثل دهات خان باباخان خواهند کرد [،] و این فتنه در میان طایفه حاجی سوداو بزرگ میشود [می‌شود] و صدق این مطلب را از کجا به آستان مبارک معلوم خواهد شد [،] استدعا دارم چهار پارچه ملک مخروبه این طایفه را از شر و غارت این اشخاص محفوظ فرمائید [،] و اگر هم فدوی مقصرم [،] خودتان سیاست فرمائید [،] اگر بدست [به دست] این قبیل اشخاص چرا مال [،] جان [،] ناموس این طایفه بباد [به باد] برود [.] غلام بی‌مقدار عبدا...^۱

محل مهر

تلگرافخانه مبارکه

طهران

شماره سند: ۱۶

تاریخ: ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۳۰ اوت ۱۸۹۹ م. / ۷ شهریور ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت فرانسه در تهران

موضوع: سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت فرانسه مقیم طهران در مورد رعایت نشدن فصول قرارداد حفریات توسط «دومرگان»

نمره: ۱۷۴۱/۶

سواد مراسله وزارت خارجه بسفارت [به سفارت] فرانسه مقیم طهران

مورخه ۲۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۷

خاطر گرامی جناب جلالتماب از مفاد فصول قرارداد مابین دولتین ایران و فرانسه [ه] در خصوص امتیاز انحصار انکشاف آثار قدیمه مستحضر است که این قرارداد [ه] در هشت فصل منعقد و فصول آن لازم الاجری است [ه] و چون منظور از اعطای این امتیاز از جانب ایندولت [این دولت] علیه [ه] مزید استحکام مناسبات دوستانه بین الدولتین و حصول نتایج و فواید علمیه است [ه] باید از طرف دولت جمهوری هم رعایت این نیت مقدّس [ه] شرایط قرارنامه مجری بوده [ه] و مأموریکه [مأموری که] برای اینخدمت [این خدمت] علمی انتخاب مینمایند [می نمایند] با کمال مسالمت طلبی مکلف باشند که هیچیک از فصول را مهمل نگذارند [ه] و حقّی از حقوق دولت علیه را متروک ننمایند [نه نمایند] آنچه دیده و شنیده میشود [می شود] مأمور علمی دولت جمهوری فرانسه در سوس [شوش] [ه] در اجرای فصول مزبوره خودداری دارد [ه] لهذا محض اینکه در آن نیت مقدّس خللی وارد نشود [ه] مزاحمت خاطر گرامی را لازم شمرده آنجناب جلالتماب را متذکّر میکنم [می کنم].

اولاً [-] موافق فصل چهارم [ه] مأموری که از جانب دولت ایران بسوس [به شوش] فرستاده شود بعلاوه آنکه مواظب آسایش و احترام مأمورین علمی فرانسه است [ه] باید مراقب

باشد که تا شرایط مقررّه در امتیاز از طرفین مرعی و مستحکم بماند و حال آنکه مأمور علمی فرانسه [۴] گمان میکند که مأمور محترم ایران فقط در آنجا برای مراقبت احترام او است و دیگر حق دخالتی بامور [به امور] انکشافات نباید داشته باشد [۴] و این سهوی است که کرده است مأمور دولت ایران مکلف و مأمور است که هم تسهیل مهمات و احترامات لازمه نسبت بدانشمندان [به دانشمندان] فرانسه را مراقب باشد [۴] و هم از انکشافات مستحضر بوده مراقب حفظ حقوق دولت علیه بوده و از سهمی که از انکشافات باید عاید دولت ایران بشود [به شود] صورت صحیح بردارد [۴] که در موقع تقسیم برای هیچ طرف محل حرف و زحمت باقی نماند [۴] و همچنین در همین فصل مقرر است که یکنفر [یک نفر] از اجزای سفارت را باید سفارت مأمور نماید [۴] و تا بحال [به حال] این قرار را سفارت بعمل [به عمل] نیاورده و علت ترک آن هم معلوم نیست [۱].

ثانیاً [-] بر طبق فصل پنجم [۴] بدون اجاره دولتین ایران و فرانسه [۴] هیچطور حالتی از چگونگی اعمال را نباید طبع و انتشار نمایند [۴] و حال آنکه مأمور علمی فرانسه بدون اطلاع دولت ایران [۴] آثار عتیقه مکتشفه را عکس برداشته [۴] و طبع نموده و در کار طبع کتاب است و از این گذشته مأمور ایران را هم که خواسته عکس بردارد ممانعت کرده و از عکسها هم نداده است [۴] مگر با کمال زحمت که دو عکس داده است و این فقره [و این فقره] بکلی [به کلی] مخالف قرارداد و منافی صرفه دولت است [۴] و بطوریکه [به طوری که] سفارت دولت جمهوری مسئولیت قبول کرده‌اند [۴] در این فقره [۴] دولت ایران هم دولت و هم سفارت فرانسه را مسئول میدانند [می‌دانند] و حفظ حقوق و اجرای این فصل را می‌طلبد [می‌طلبد].

ثالثاً [-] برای اجرای فصل ششم و هفتم [۴] مأمور دولت علیه باید مطلع بر کماهی انکشافات باشد [۴] تا هم اجرای ایندو فصل شده و هم دولت فرانسه را شایبه تزییع حقوق دولت علیه محفوظ بماند [۴] ولی مأمور دولت فرانسه نکته را ملتفت نشده [۴] و انکشافات را از مأمور ایران پنهان میدارد [می‌دارد] و بدون اطلاع مأمور ایران بر آنچه می‌فرستند [می‌فرستند] حمل مینمایند [می‌نمایند] و این فقره هم مخالف قرارداد و هم منافی صرفه دولت [۴] و هم

موجب حصول شایبه در اقدامات مأمور دولت بزرگی مثل دولت فرانسه است [۴] و هم در موقع تقسیم [۴] محل حرف خواهد بود [۱].

رابعاً [-] موافق فصل دوم تمام عادات و رسوم و آداب مملکت را کاملاً محترم و مرعی باید بدانند [۴] و حال آنکه با مأمور علمی فرانسه در اینباب [این باب] موافق راپورت‌های واصله رعایت ننمایند [نمی‌نمایند] سهل است [۴] در فحاشی و بدزبانی و بد سلوکی اصرار دارد [۱]. گذشته از اینکه رفتار خود او محل ملاحظه است [۴] زنی موسومه بمادام [به مادام] لامپیر همراه دارد که زبان فحاشی او باز است [۴] و اظهار ریاست و تسلطی او در آنجاها محل خیلی نظر است [۴] لهنذا در اینموقع [این موقع] مزاحمت میدهم [می‌دهم] که دولت علیه [۴] حتماً اجرای فصول قرارداد مزبور را کلیه میطلبد [می‌طلبد] و مخصوصاً در باب دخالت مأمور ایران [۴] در اطلاع از انکشافات و برداشتن صورت از کلیه آنها و عدم طبع انکشافات بدون اجازه دولتی ایران و فرانسه مصر است [۴] و همچنین اصلاح رفتار مسیو دومرگان را می‌خواهد [می‌خواهد] و در اینباب [این باب] لازم است خاطر گرامی جناب جلالتماب عالی را متذکر نماید که اگر مشارالیه و مادام لامپیر که عجلتاً با اوست [۴] در محل مأموریت خودشان و آن اطراف از بد زبانی و سوءرفتار اصرار نمایند [۴] و مکروهی بآنها و کسانشان برسد [۴] ابدأ دولت علیه مسئول نبوده [۴] و خود آنها مسئول خواهند بود [۴] با کمال احترام خواهشمندم که جناب جلالتماب عالی بمقتضای [به مقتضای] مسالمت ذاتی [۴] و وظیفه خیرخواهی دولتی [۴] اقدامات لازمه بعمل [به عمل] بیاورید که شرایط قرارداد کماهو حقه معمول گردیده [۴] و نیت مقدس متبوعه دوستدار نتیجه بخشیده [۴] منظور دولتی از این انکشافات که خدمت بعلم [به علم] است حاصل گردد [۱]. در اینموقع احترامات فایقه خود را تجدید مینماید [می‌نماید]. زیاد زحمت‌افزا نمیشود [نمی‌شود].^۱

مشیرالدوله

شماره سند: ۱۷

تاریخ: ۲۴ ربیع‌الآخر ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱ سپتامبر ۱۸۹۹ م. / ۹ شهریور ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارتخارجه

موضوع: یادداشت سفارت فرانسه در مورد چند فصل از قرارداد ۱۸۹۷ و وضعیّت امنیتی «مسیو

دومرگان» در شوش

نمره: ۵۳

یادداشت

در جمله دوّم از فرمانیکه [فرمانی که] بصحّه [به صحّه] همایون اعلیٰ موشّح شده [ه]، در تاریخ نوامبر ۹۷ [۱۸۹۷] مرقوم رفته [ه] (کارگذاران [کارگزاران] دولتی و مأمورین نظامی حمایت و مساعدت لازمه در ارسالات و محمولات راجعه بمأمورین [به مأمورین] علمی فرانسه از آلات و ادوات متعلّقه باعمال [به اعمال] آنها و اشیاء شخصی ایشان بعمل [به عمل] آورند) و در موقع دیگر مرقوم رفته که (عموم حکام حال و استقبال و کارگذاران [کارگزاران] دولتی و مأمورین نظامی باید نسبت به آسایش و حقوق دانشمندان فرانسه تمام مساعدت و حمایت و همراهی و احترامات لایقه را بعمل [به عمل] آورده [ه]، ترضیه خاطر ایشانرا [ایشان را] ملحوظ و مرعی داشته در عهده شناسند) اگر چه فحوای اینکلمات [این کلمات]، بطور [به طور] واضح و روشن مرقوم و معلوم است [ه]، ولیکن سفارت فرانسه متأسف است که از قرار معلوم از روز ورود مسیو دومرگان بشوش [به شوش] در انجام این تعهدات [ه]، از طرف مأمورین محلی تخلف و تقاعد شده است که تفصیل از این اجمال از اینقرار [این قرار] است [.]

در ۹ دسامبر ۱۸۹۷ که مسیو دومرگان وارد شوشتر گردید [ه]، خواسته بود بطرف [به طرف] شوش برود [ه]، حکومت در فرستادن مواد و مستحفظ بمعیت [به معیت] ایشان مضایقه کرده بود و یکروز [یک روز] بعد از ورود آنها بشوش [به شوش]، هفت نفر قراول بانجا [به آنجا] روانه داشته [ه]، در صورتیکه [در صورتی که] اسلحه آنها تنها هفت لوله تفنگ کهنه بدون قورخانه

بوده است [۴] و همان شب اعراب باردوی [به اردوی] مسیو دومرگان چپاول کرده چهار رأس استرویک اسب برده بودند [۴] و سربازها هم در همان شب فرار بر قرار اختیار کرده بودند [۴] ولی قبل از آنکه بروند [۴] وکیل آنها خواسته بود در مقبره دانیال بدختر [به دختر] درویش که ساکن آنجاست [۴] دست اندازی کند و این حرکت [این حرکت] او تحریک عداوتی در اعراب نسبت بمسیو [به مسیو] دومرگان نموده بود [۴] و سربازهای مزبور با وجود همچو حرکت خلافی [۴] از طرف حکومت تنبیه نشدند [۴] و مسیو دومرگان مجبور شده بود یکماه [یک ماه] معطل شود تا ده نفر سرباز بعوض [به عوض] آنها فرستاده شود [۴] بالاخره در آخر ماه فوریه حاکم عربستان یکصد [یک صد] نفر سرباز فرستاده بود که آنها باسلحه [به اسلحه] صحیح مسلح بودند [۴] و حضور این سربازها سبب شد که هجوم اعراب را که همه روزه دور اردوی هیئت مأمورین فرانسه مکرر میشد [می شد] برهم زده بود و حال آنکه ممکن بود [۴] این دسته سرباز بدو فرستاده شود [۴] و سی و پنج مرتبه هجوم مسلح اعراب را که از ۱۶ دسامبر ۹۷ الی ۱۵ فوریه واقع شده بود [۴] واقع نشود [۴] که ممکن بود این حملات اعراب موجب قتل یکنفر [یک نفر] از دانشمندان فرانسه [۴] یا غارت ادوات و آلات آنها بشود [۴] اگر چنانچه مسیو دومرگان از روز ورود [۴] محض احتیاط شروع بساختمان [به ساختمان] یک عمارت محکمی نکرده بود [۴] و شخصاً اقدامات لازمه در حفظ خود و دفاع اعراب بعمل [به عمل] نیاورده بود [۴] در ۱۵ ژوئن ۹۸ [۴] وقتی که هیئت مأمورین علمی فرانسه [۴] بمناسبت گرمای عربستان [۴] تدارک سفر میگردند [می کردند] از شوش بطرف بختیاری بروند [۴] حکمران عربستان بطور سخت انکار کرده بود در غیبت مسیو دومرگان سرباز و مستحفظ برای منزل و اسباب آنها بدهد [۴] و مشارالیه مجبور شده بود پانزده روز توقف کرده [۴] با طهران [تهران] مخابره تلگرافی نماید تا قراولان لازمه آماده شود [۴] زیرا که وجود آنها بنهایت [به نهایت] لازم بود [۴] در نوامبر ۹۸ [۱۸۹۸] عربستان در کمال اغتشاش و بی‌نظمی بود [۴] از شدت تعدی و اجحافات حکومتی [۴] و مسیو دومرگان چون امنیت نداشت خواهش کرده بود که یکدسته [یک دسته] سوار و مستحفظ از دزفول بشوش [به شوش] فرستاده شود [۴] حاکم آنجا قبول نکرده و متعذر شده بود که مجبور است از حکومت عربستان تحصیل اجازه نماید و اینعمل [این عمل] بموجب [به موجب] ورقه ضمیمه نمره ۱ معلوم میشود

[می‌شود] که اصل آن ورقه در دفتر سفارت محترمه موجود است [۱]. در پانزدهم فوریه ۹۹ [= ۱۸۹۹ م. / ۴ شوال ۱۳۱۶ ق / ۲۷ بهمن ۱۲۷۷ ه. ش.]. سه هزار سکوند آمده [۲]. دور تلّ شوش اطراق کرده بودند و بقدری هیئت مأمورین فرانسه را تهدید نموده بودند که آنها مجبور شدند بتوسط [به توسط] تلگراف بسفارت [به سفارت] فرانسه اطلاع داده استمداد نماید [۳] و اکنون حالت حالیه آنجا بواسطه [به واسطه] احکام نافذه صدارت جلیله عظمی [۴] که خطاب بحکومت [به حکومت] عربستان شرف صدور یافته [۵] قدری بهتر است [۶] و معهدا برای اینکه نزاعی واقع نشود و معلوم نبود که نصرت نصیب مأمورین علمی فرانسه باشد [۷] مسیو دومرگان مجبور شده بود روزی نهصد نفر عمله از آنها بگیرد [۸] و اجرت بدهد که بدینوسیله آنها آرام باشند [۹].

یکنفر [یک نفر] از رؤسای اینطایفه [این طایفه] کاغذی تهدیدآمیز بمسیو [به مسیو] دومرگان نوشته که سواد آنرا لفاً ارسال میدارد [۱۰] ضمیمه نمره ۲ که از مضمون آن واضح میشود اینحالت [این حالت] خطرناک [۱۱] در مدت سه ماهه فوریه [۱۲] مارس [و] آوریل طول کشیده [۱۳] علاوه بر این در همان اوقات [۱۴] وکیل دولت علیه نواب والا حیدر میرزا [۱۵] ملاحظه نموده بود که مجبور است مسیو دومرگان را مسبوق نماید ازینکه [از این که] چند نفر از رؤسای طایفه سکوند قرار گذاشته‌اند مشارالیه را گرفته [۱۶] یا مسیو لامپیر را برده [۱۷] تحت‌الحفظ نگاهدارند تا دو هزار تومان دریافت داشته رها نماید [۱۸] و میتوان تصور نمود که در وقوع همچو واقعه [۱۹] دولت علیه دچار چه مسئولیتی میشد [می‌شد] و اسباب خوشبختی دولتخواهی [۲۰] خان جانجان رئیس اینطایفه [این طایفه] نسبت بدولت [به دولت] علیه بود که بواسطه [به واسطه] دوستی شخصی [۲۱] بنواب [به نواب] حیدر میرزا اطلاع داده [۲۲] خیالات فاسد آنها را باطل گرداند [۲۳].

در ماه فوریه ۹۹ [۱۸۹۹] وقتی که دانشمندان فرانسه [۲۴] از هجوم و حملات اعراب [۲۵] و رفتار تهدیدآمیز آنها در اینقلعه [این قلعه] محصور شده بودند [۲۶] یکطرف [یک طرف] قلعه و دروازه آنجا که مقابل است تا اراضی منکشفه بواسطه [به واسطه] شدت بارندگی خراب میشود [۲۷] و مسیو دومرگان خود را مجبور می‌بیند که فوراً آن خرابی را تعمیر کند و عجب این است که حکومت عربستان [۲۸] یک همچو وقتی را اختیار کرده و بنواب [به نواب] حیدر میرزا تلگراف

نموده که حسب الامر قدر قدر اعلی روحانفاده [۴] مسیودومرگان باید بنایی خود را تعطیل کند ولو یکذرع [یک زرع] باشد و نواب حیدر میرزا که این تلگراف را ترجمه نموده‌اند [۴] البته فراموش نکرده‌اند و در آنوقت [آن وقت] مسیودومرگان حق داشته که جواب داده بود که چون این مطلب مربوط است بحقوقیکه [به حقوقی که] دولت علیه بموجب [به موجب] فرمان [۴] بهیئت [به هیئت] مأمورین علمی داده است و بلاواسطه سفارت فرانسه بآنها [به آنها] رسیده [۴] میتوان [می‌توان] این خبر را غیررسمی و باطل فرض نمود [۴] ولی محض احترام نواب حیدر میرزا که مأمور محترم دولت میباشد [می‌باشد] بعد از مرمت شکستگی دیوار [به بنائی تازه نخواهد نمود] [۴] در اینموقع [این موقع] جای افسوس است که سفارت فرانسه [۴] مجبور است بوزارت [به وزارت] امور خارجه اظهار دارد [۴] که در این مسئله بدوجهت موافق تکالیف معمولیه رفتار نشده [۴] اول اینکه مستقیماً بمسیو [به مسیو] دومرگان [۴] ابلاغ حکم همایون شده است [۴] دوم [۴] موافق فصل چهارم امتیازنامه دولتی سفارت فرانسه از اعمال دانشمندان این هیئت تمام مسئولیت را بر عهده خویش گرفته [۴] و لهذا لازم بود بدو صدور اینحکم [این حکم] را باو ابلاغ نمایند [۴] و باینمناسبت [به این مناسبت] ناچار است در صحت حکمی که بتوسط [به توسط] حکومت عربستان رسیده است [۴] شبهه نماید (وزیر مختار فرانسه شک دارد از خبری که در همین ماده از وزارت جلیله خارجه دولت علیه استعلام نموده بود و وزیر امور خارجه اظهار بیخبری [بی خبری] فرموده بودند) و اگر آن حکم صحیح بوده [۴] در آنوقت استناد بفرمان [به فرمان] همایون که بدانشمندان [به دانشمندان] مزبوره مرحمت شده خواهد جست [۴] و هم مسلم میداند [می‌داند] که مغرضین در آستان اقدس اعلی [۴] القای شبهه و غرض نموده ازینکه [از این که] گفته‌اند مسیو دومرگان قلعه و باره و استحکامات بنا نموده است [۴] از طرف دیگر سفارت فرانسه حق دارد از دولت علیه توضیحات بخواهد [۴] در مسئله احکام چیزی که حکومت عربستان بویس قونسول [به وایس کنسول] انگلیس در محمره داده است [۴] در خصوص صندوقهای متعلقه بمأمورین [به مأمورین] علمی فرانسه درینحکم [در این حکم] که سواد رسمی آنرا خود مسیو ماک دونالد بزبان انگلیسی داده است و لغاً ارسال میشود [۴] ضمیمه نمره ۳ [۴] کارگذار [کارگزار] محمره در تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۱۶ [۴] مینویسد [می‌نویسد] هر چه

مسیو دومرگان از داخله بخارجه ارسال میدارد [،] باید نسبت بارسلات [به ارسالات] او همان رفتاری را که نسبت بمال التجاره [به مال التجاره] معمول میشود [می‌شود] معمول داشت [،] و هم اگر اشیاء عتیقه یافت شود [،] ضبط نموده راپورت نمود [،] ملاحظه شود که ازین حکم چه میشود [می‌شود] استنباط نمود [،] بلکه باید آنرا [آن را] برخلاف مضمون فرمان همایون دانست [،] زیرا که در فرمان همایون مقرر است ارسالات این مأمورین از حقوق گمرکی [،] و تعرض در گمرک معاف خواهد بود [،] و علاوه بر این معنی از اول این سال کارگذاران [کارگزاران] گمرکی برخلاف سابق رفتار خود را تغییر داده در گمرک محمره و بندر ناصری [،] خواسته بودند صندوقهای متعلقه باین هیئت و هم اشیاء شخصی ایشانرا باز نموده معاینه نمایند [،] در این کار چیزی که مستفاد میشود [می‌شود] یک سؤظتی است نسبت بهیئت [به هیئت] مأمورین رسمی دولت فرانسه [،] که از او بهیچوجه [به هیچوجه] نمیشود [نمی‌شود] تحمل نمود [،] در صورتیکه [در صورتی که] اشیاء متعلقه بسایر فرنگیها را بدون تعرض و بازدید عبور میدهند [می‌دهند] و هم این حرکات سبب میشود [می‌شود] که بمسیو [به مسیو] دومرگان ضرر فوق‌العاده وارد آید [،] زیرا اشیاء قیمتی که بکار تحصیلات علمی می‌خورد [می‌خورد] و بواسطه [به واسطه] احتیاط از سختی مسافرت در ایران آنها را بطور [به طور] سخت و محکم بسته‌اند [،] هنگام باز شدن و معاینه در گمرک [،] از صورت استحکام و بستن صحیح خارج شده [،] خراب شود [،] زیرا که مباشرین قیمت آنها را ندانسته [،] بتصوّر [به تصوّر] مال‌التجاره میگذارند [می‌گذارند] و خراب مینمایند [می‌نمایند] و چون دولت علیه [،] در برابر این هیئت یکنفر [یک نفر] مأمور محترمی دارد [،] وجود او در آنجا دولت را از هر بازدیدی نسبت بحمولات [به محمولات] مسیو دومرگان [،] مستغنی مینماید [می‌نماید] و هم یک نکته دیگر است که باید وقت اولیای دولت علیه را بدان جلب نمود [،] و آن مسئله انکشاف در طلا شوری است که همیشه در ایران [،] بموجب [به موجب] اجازة دولت معمول بوده است و اغلب بطور اجاره یا مقاطعه [،] مالیاتی بخزینة [به خزینة] دولت عاید میدادند [می‌دادند] چنانچه در همدان [،] کنکاور [،] دیناور [،] خرم‌آباد [و] شوشتر یعنی در تمام اراضی قدیمه که دور از مأمورین علمی است طلاشوری مینمایند [می‌نمایند] مسیو دومرگان در ماه اکتبر ۱۸۹۸ که در طهران [تهران] بوده است [،] همین مسئله را

اعتراض کرده و جناب اشرف امین‌الدوله فرموده بودند که از امروز طلاشوری در تمام اراضی قدیم قدغن و ممنوع خواهد بود [۱]. در صورتیکه [در صورتی که] هنوز بهمان [به همان] حالت اولیه باقی است [۱] و هم ملتفت بود که این رفتار نامناسب است نسبت بامتیازنامه [به امتیازنامه] دولتی که انحصار میدهد [می‌دهد] انکشاف آثار قدیم را در ایران [۱] و نیز موافق فصل ۶ وکلای دولت فرانسه میتوانند [می‌توانند] نصف اشیاء نفیسه را از طلا و نقره که کشف میشود [می‌شود] خریداری نمایند [۱] بقیمت [به قیمت] عادلانه [۱] و آن نصفه دیگر را هم در صورتیکه [در صورتی که] دولت علیه خواسته باشد بفروشد دولت فرانسه حق شفعه خواهد داشت [۱] پس دولت علیه که اجازه انکشاف و طلاشوری در مواقع مزبوره مرحمت میفرماید [می‌فرماید] البته التفاتی باین [به این] نکته نمی‌فرماید [نمی‌فرماید] که این انکشاف بی‌حق [۱] سبب خواهد شد بسیاری از سکه‌ها و آثاری را که ممکن است فواید تاریخی بدهد [۱] از دست رفته خراب شود و ضرر بزرگی بعالم [به عالم] علم سکه‌شناسی وارد آید [۱].

نظر اینکه [نظراتی که] در فوق مشهود خاطر عالی داشت [۱] بهتر آن است که دیگر تجدید نشود [۱] زیرا که وقوع آنها امورات مأمورین علمی فرانسه را دچار اشکالات مینماید [می‌نماید] و مبالغی گزاف که دولت فرانسه در راه این نیت پاک صرف میکند [می‌کند] ضایع میگذارد [۱] و مقصود مقدس آندولت [آن دولت] که خدمت بعلم [به علم] و دانش است [۱] از میان میبرد [می‌برد] از اینجهت [این جهت] سفارت فخمیه فرانسه تصور مینماید که برای جلوگیری این اتفاقات غیرمترقبه [۱] دولت علیه با این سفارت همراه و همعقیده [هم عقیده] گردید [۱] مذاکرات لازمه در استقرار قرارنامه مخصوصی بنمایند که آن قرارنامه [۱] قرار مسلم آخری باشد [۱] و بهیچوجه [به هیچوجه] تحریف و تأویل در آن نکنجد [نگنجد] و اجازه ندهد که مأمورین جزو از مساعدت زحمات لازمه نسبت بدانشمندان [به دانشمندان] مزبوره خودداری نمایند [۱].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۸

تاریخ: ۲۴ ربیع‌الآخر ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱ سپتامبر ۱۸۹۹ م. / ۹ شهریور ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزیر خارجه

موضوع: یادداشت سفارت فرانسه به وزارت امور خارجه در مورد جلوگیری از تکرار بروز حوادث ناگوار برای «مسیو دومرگان» در شوش

نمره: ۵۳

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق معظم مهربانا

موافق اطلاعاتیکه [اطلاعاتی که] بجناب [به جناب] جلالتماب اجل محترم السلطنة شفاهاً داده‌ام [،] حشمت و شهامت دستگاه مسیو دومرگان [،] مأمور مطلق وزارت علوم فرانسه از دوستدار خواهش نمود که دقت اولیای دولت علیه را [،] بطرف [به طرف] وقایع چندی که اتفاق افتاده است جلب نمایم [،] دوستدار مراتب مزبوره را یک بیک [به یک] ملاحظه [،] و دقت نموده آنها را مخالف فصول قرارنامه دولتی که در سال ۹۵ [۱۸۹۵] اعطا شده ملاحظه نمودم [،] و هم مباین با شرایط فرمان همایون [،] که در سال ۹۸ [۱۹۹۸] مرحمت شده است [،] اتفاقات مزبوره در شوش [،] تولید اشکالات و ضررهای چندی برای هیئت مأمورین علمی فرانسه نموده است [،] و البته دولت علیه هم مثل دوستار [،] هیچ قصدی ندارد جز رفع اشکالات مزبوره [،] و ازینجهت [از این جهت] با کمال افتخار یادداشتی از شکایات مسیو دومرگان بانوزارت [به آن وزارت] جلیله امور خارجه ارسال میدارم [می‌دارم] و مقصودم این است که بتوانم در حضور آنجناب [آن جناب] افخم اکرم [،] چاره در رفع این حالت حالیه اندیشیده [،] علاجی بدست [به دست] آوریم که هرگاه این وضع ناگوار بطول [به طول] انجامد [،] ممکن است خدای نخواستہ کشف سرچشمه کل‌آلودی [گل‌آلودی] از مذاکرات ناگوار بین این دو دولت دوست نماید [،] و اینموقعرا [این موقع را] با کمال توقیر و احترام غنیمت دانسته مراهم [مراحم] مودت و مراتب خلوصی خود را تجدید مینماید [می‌نماید].^۱

اف - سوهاری

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۹

تاریخ: آخر شهر ربیع الثانی ۱۳۱۷ [ه.ق. / اوایل سپتامبر ۱۸۹۹ م. / اواسط شهریور ۱۲۷۸

ه.ش.]

فرستنده: «مظفرالدین شاه»

گیرنده: صدراعظم

موضوع: دستور بررسی وضع «دومرگان»

نمره: ۲۳۳

مراسله و یادداشت بی مهر وزیر مختار فرانسه در باب مسیو دومرگان [۱] از عرض

خاکپای مهر اقتضای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی اروحا فداه خواهد گذشت [۲].

(متن حاشیه دستخط مظفرالدین شاه)

جناب اشرف صدراعظم

این کاغذها را ملاحظه کردم [۱] باید با خود حیدر میرزا گفتگو بکنید ولی مطالب از او هم

تحقیق بکنید [۲] هر چند او هم کتابچه راپورت مانند عرض کرده بود [۳] که بعضی ازین مطالب

در آنجا نوشته بود [۴] لکن در هر صورت باید حیدر میرزا را حاضر بکنید [۵] این مطالب را باو [به

او] نشان بدهید باطلاع [به اطلاع] او جوابی باین [به این] مطالب بنویسید [به نویسید].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۰

تاریخ: آخر جمادی الثانی ۱۳۱۷ [ه.ق. / نوامبر ۱۸۹۹ م. / آبانماه ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه ایران

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: تعیین وقت ملاقات برای سفیر فرانسه جهت مذاکره در مورد «مرگان»

نمره: ۳۳۷۱/۲۴

سواد یادداشت وزارت خارجه بسفارت [به سفارت] دولت جمهوری فرانسه

سلخ^۱ جمادی الثانیه ۱۳۱۷

یادداشت مورّخه ۲۳ شهر جمادی الثانیه انسفارت [آن سفارت] محترمه واصل انامل احترام گردید [ه] برای مجلسیکه [مجلسی که] در خصوص عمل مسیو دومرگان خواهش فرموده بودند [ه] روز پنجشنبه ۴ شهر رجب المرجب [ه] چهار ساعت بغروب [به غروب] مانده [ه] در وزارت امور خارجه مقدم آن جناب جلالتماب را منتظم که مذاکرات در این فقره شده [ه] قرار کافی آماده شود [ه] در اینموقع [این موقع] احترامات فایقه را نسبت به آن [به آن] جناب جلالتماب تجدید مینماید [می نماید] [مشیرالدوله]^۳

۱. سلخ = آخر

۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

۳. نصر... مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت بود.

شماره سند: ۲۱

تاریخ: ۱۶ جمادی الاول [۱۳۱۷ ه.ق. / ۲۳ سپتامبر ۱۸۹۹ م. / ۱ مهر ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: حیدر میرزا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: درخواست «لامیر» مبنی بر اعزام «اسمعیل خان» به همراه نامبرده

نمره: ۶۶

قربان حضور مبارکت گردم [،] دیروز مسیو لامیر^۱ آمد نزد چاکر و گفت [،] روز شرفیابی حضور حضرت صدارت پناهی [،] استدعا کردم اجازه بدهند اسمعیل خان سرهنگ را همراه خود بسمت [به سمت] همدان ببرم [،] و اجازه مرحمت فرمودند [،] حالا اسمعیل خان دو سه فقره مطلب دارد [،] که فهرست کرده خواهش دارم فهرست او را از نظر حضرت اشرف بگذرانید [،] حکمش را بفرومائید که حاضر باشد [،] تا یک هفته [یک هفته] دیگر باتفاق [به اتفاق] من بهمدان [به همدان] بیاید [،] این است که بدین مختصر جسارت کردم [،] خود اسمعیل خان شرفیاب شده فهرست خود را از نظر مبارک خواهد گذراند [،].^۲

زیاده جسارت نیست

۱. ژرژ لامیر، منشی هیئت باستانشناسی فرانسوی در ایران بود که از سال ۱۸۹۷ استخدام شده بود.

۲. پایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۲

تاریخ: ۱۶ جمادی الاول ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۲۳ سپتامبر ۱۸۹۹ م. / ۱ مهر ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: یادداشت سفارت فرانسه مبنی بر درخواست اعزام «میرزا اسمعیل خان» به عربستان به عنوان منشی و مترجم «دومرگان»

نمره: ۵

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق معظم محترم مهربانا

البته خاطر محترم عالی مسبوق است که برحسب خواهش رفعت و حشمت دستگاه [،] مسیو دومرگان از کارگذاران [کارگزاران] صدارت جلیله عظمی رجا نمودم مقرر فرمایند میرزا اسمعیل خان سرهنگ مسیحی که در فوج اطریشی صاحبمنصبی [صاحب منصب] است [،] اجازه مرحمت فرمایند بمعیت [به معیت] مسیو لامپر برود عربستان [،] بسمت منشی‌گری و مترجم شخصی مسیو دومرگان [،] و هم مقرر شود موجب نظامی او را بخرج [به خرج] عربستان منظور دارد که همانجا گرفته استوار باشد [،] جواباً این استدعا را قبول فرموده وعده فرمودند حکم مرخصی او را مرحمتی فرمایند [،] چون قریب پانزده روز است مسیو لامپر [،] منتظر این مسئله است که مشارالیه را در معیت خود ببرد [،] دیروز بحضور [به حضور] مبارک حضرت اشرف صدراعظم دامت شوکته پیغامی فرستادم [،] فرموده بودند چون می‌باید در رکاب مبارک بسرخ حصار [به سرخ حصار] بروم از وزارت خارجه بخواهید [،] احکام راجعه بمأموریت [به مأموریت] او را نوشته زودتر برسانند [،] لهذا زحمت خاطر دوستی مظاهر عالی برآمده [،] خواهش مینمایم [می‌نمایم] مقرر فرمایند هر چه زودتر احکام لازمه نوشته [،] مشارالیه را مأمور فرمایند بعربستان [به عربستان] رفته و پیش از وقت از تفقدات عالی در اینباب [این باب] اظهار تشکر مینمایم [می‌نمایم]، انام اقبال مستدام باد [،] ۱۶ جمادی الاول ۱۳۱۷

شماره سند: ۲۳

تاریخ: ۱۹ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۲۶ سپتامبر ۱۸۹۹ م. / ۴ مهر ۱۲۷۸ ه.ش.].

فرستنده: وزارت خارجه

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: رونوشت یادداشت وزارتخارجه به سفارت فرانسه مبنی بر بتأخیر افتادن حرکت

«اسمعیل خان»

نمره: $\frac{۲۳۹۶}{۱۲}$

سواد یادداشت وزارتخارجه بسفارت [به سفارت] فرانسه

مورّخه ۱۹ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۷

در باب حرکت اسمعیل خان در معیت مسیو لامپر که مرقوم فرموده‌اید [،] رفتن او تأخیر افتاده [،] با احترام تمام زحمت‌افزا میشود [می‌شود] که جهت تأخیر این شد [،] که چند روز قبل مشارالیه آمد [،] و خواهش کرد که برات موجب او [،] بمحلّی [به محلّی] که خواسته بود حواله شود [،] و چون حضرت مستطاب اشرف صدراعظم [،] دام ظلّه العالی تشریف برده و ممکن نبود برات مزبور تمام شود [،] باین [به این] جهت تأخیر افتاد [،] و اکنون که آنطور [آن طور] مرقوم داشته‌اند [،] برات مزبور در تعاقب او فرستاده خواهد شد [،] و بمشارالیه [به مشارالیه] نوشته شد که سریعاً روانه شود [،] قدغن فرمائید پاکت ملفوف را باو برسانید که حرکت نماید [،].

زیاد زحمت است (مشیرالدوله)^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۴

تاریخ: ۲۳ شهر جمادی الاول ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۳۰ سپتامبر ۱۸۹۹ م. / مهر ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: یادداشت سفارت فرانسه مبنی بر اطلاع نداشتن «مرگان» از چاپ کردن کتاب اکتشافات - صحت نداشتن اظهارات «حیدر میرزا» در مورد وی - توجه نکردن حیدر میرزا به وظایف خود و درخواست تغییر نامبرده از شوش

نمره: ۷۲

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق معظم مهربانا

با کمال افتخار [ه] در جواب رسيله کریمه انوزارت [آن وزارت] جلیله امور خارجه [ه] مورخه ۲۲ ربیع الثانی زحمت افزای خاطر دوستی مظاهر عالی مشود [می شود] که حاصل مضمون آنرا [آن را] بکارگذاران [کارگزاران] دولت جمهوریة اطلاع دهد [ه] و اگر چه هنوز جوابی از پاریس نرسیده است [ه] و لیکن میتوانم [می توانم] خاطر عالی را منتظر نگذاشته در مقام ایراد جواب برایم [برایم] که اولاً چنانچه در ضمن مراسله محترمه انوزارت [آن وزارت] جلیله امور خارجه [ه] مرقوم رفته بود که منظور اولیای دولت علیه ازین [ازین] امتیاز مقدس [ه] و فقط خدمت بعالم [به عالم] علم بوده است [ه] بلاشک پاکى و بیطرفی [بی طرفی] نیت دولت جمهوری فرانسه را هم ملاحظه فرموده اند [ه] که تنها بجهت حصول یک نتیجه عملی دانشمندان او متحمل [به تحمل] زحمات فوق العاده تن در داده [ه] و دولت بقبول [به قبول] مخارج گزافی اجازه فرموده [ه] و در حقیقت اگر بدقت [به دقت] ملاحظه شود [ه] دولت جمهوریة [ه] علاوه بر فصل ۱۷ امتیازنامه [ه] جز امنیّت و آسایش دانشمندان خود چیزی از دولت علیه خواهش نکرده است آن هم برای این است که بتوانند [به توانند] مقصود مقدس را که شروع در آن نموده اند [ه] بانجام [به انجام] رسانند و خدمتی بعالم [به عالم] دانش نمایند که فایده آن بدو [به دو] دولت دوست عاید شود [ه].

وزارت علوم فرانسه مسیو دومرگان را انتخاب نمود که رئیس هیئت مأمورین علمی باشد،^[۱] این شخص که در عالم علمی تمام بخوبی معروف و مشهور است^[۲]، خود به نفسه^[۳] به نفسه^[۴] یک ضمانتی بود برای دولت علیه ایران^[۵]، نه فقط بملاحظه هنر و دانش او بلکه بجهت^[۶] [به جهت] کفایت و درستی و شهامت و شخصیت او^[۷].

مسیو دومرگان در زمان حیوة [حیات] خود^[۸]، مصدر و مرجع خدمات مهمه چندی بوده^[۹]، مخصوصاً این مأموریت آخری او که پیش از این [این] دو سال تمام در ایران گذرانیده است^[۱۰]، بدون اینکه بهیچوجه^[۱۱] [به هیچوجه] معرض گفتگویی واقع شود^[۱۲]، و حرفی از آن برخیزد^[۱۳]. و مأموریت او در مصر که چقدر مایه حصول افتخار و نام آوری او گردید^[۱۴]، بطوریکه [به طوری که] حکومت خدیویه^۱ [۱۵] با کمال اصرار خواهشمند شده بود مشارالیه را بسمت^[۱۶] [به سمت] ریاست و اداره کردن موزه آثار عتیقه نگاهدارد^[۱۷]، و با اینحال [این حالت] چگونه ممکن است تصور شود که از هنرمندی و دانش یک همچو شخص محترمی^[۱۸]، [اغماض کرده]، اعتبارات او را کالمعدوم فرض نمایند^[۱۹]، و بکلی اینسفارت [این سفارت] محترمه را در محذور میگذارند [می‌گذارند] که بتواند بهیچ^[۲۰] [به هیچ] طور باور کند و ظنّ برد ازینکه مشارالیه^[۲۱]، در حقوق دولت علیه راجع بانکشافات خودداری کند^[۲۲].

از مدلول فرمان امتیاز بهیچوجه^[۲۳] [به هیچوجه] معلوم نمیشود و مستفاد نمیگردد [نمی‌گردد] که مأمور دولت علیه ایران^[۲۴]، به برداشتن صورتی از انکشافات مأمور باشد^[۲۵]، که اینعمل [این عمل] خود بنفسه^[۲۶] [دلیل یک سوءظنی است نسبت بدانشمندان [به دانشمندان] فرانسه [۲۷]]. بلکه برخلاف میتوان گفت که این مأمور محترم از تکالیف معینه خود اغفال کرده و اهمال ورزیده^[۲۸]، زیرا آن امنیتی را که از فرائض ذمه او بوده است بهیثیت [به هیئت] مأمورین نداده^[۲۹]، و اهمیتی که راجع است باینخدمت [این خدمت] معمول نداشته و دانشمندان فرانسه را بواسطه عدم مراقبت خود مجبور داشته که سی و پنج مرتبه حملات مسلح اعراب فتنه جوی را [به شخصه] [به شخصه] رفع و دفع نماید^[۳۰]، و درحقیقت این واقعات عذرناپذیر^[۳۱]، و اتفاقات

۱. خدیویه = حکومت پادشاهی مصر

ناگواری است که برخلاف مضامین فرمان مقدس اعلی بوقوع [به وقوع] رسیده است [۱] و شخص والای حیدر میرزا که مسیو دومرگان از دوستدار خواهش مینماید [می‌نماید] تغییر ایشان را از دولت علیه بخواهد [۱] ایشان باید تعهد مسئولیت اسمی را که راجع است باینطور [به اینطور] واقعات ناگواری [۱] و مخالف قرارنامه برعهده گیرند [۱].

کارگزاران [کارگزاران] دولت جمهوری [۱] برای پیشرفت این مقصود مقدس یک شخص دانشمند فاضلی را انتخاب نمودند که مرتبه عالی علم و شخصیت کامله او کفایت میکرد [می‌کرد]، اعتماد دولت جمهوری از مأمور داشتن یکنفر مأموری دیگر از طرف سفارت [۱] زیرا مخارجی تعلق میگیرد [می‌گیرد] بمسافرت [به مسافرت] و اقامت بیفایده یکنفر [یکنفر] مأمور سفارت در شوش [۱] آن وجه را بمصرف [به مصرف] شریف‌تر و لازم‌تر که خود عمل انکشاف باشد [۱] صرف مینماید [می‌نماید].

دوم [-] مسیو دومرگان کتابی راجع بانکشافات خود بطبع [به طبع] نرسانیده [۱] جنابعالی میدانید [می‌دانید] که اطاق وکلا [۱] انکشافات شوش را بخرج [به خرج] ملت قبول کرده اجازه دادند [۱] و این مصارف در تحت مسئولیت وزارت علوم خواهد بود [۱] و مسلم است که مسیو دومرگان باید بوزارت [به وزارت] علوم که مرکز اصلی و ریاست حقیقی اوست راپورت عادی بنویسد [۱] راجع باعمال [به اعمال] و مشغولیت خودش در شوش و راجع بامیدهاییکه [به امیدهایی که] میتواند [می‌تواند] در حسن عاقبت مأموریت خود داشته باشد [۱] این است راپورت راجعه بسواد [به سواد] اصلیه که چاپ شده است [۱] تا بتوانند باطاق [به اطاق] وکلا بنمایند عملیاتیکه [عملیاتی که] از بابت پول آنها بعمل آمده است [۱] و در حقیقت یک قسم ساده‌ایست [ساده‌ای است] فقط از صورت اعمال اصلی آنها [۱] و اگر مسیو دومرگان الان یک کتابی تألیف بنماید راجع به نتایج اعمال و انکشافات خود [۱] دوستدار مسبوق نیست [۱] و هنوز جای آن نیست او را متهم نمود که برخلاف شرط پنجم قرار نامه رفتاری نموده است [۱].

سوم - پیش از این خاطر عالی را مستحضر داشتم از آنچه راجع است بفقرات [به فقرات]

سوم در رقیمه^۱ [آن وزارت] [آن وزارت] [جليله امور خارجه] [،] ولی تصور میکنم لازم است بخاطر عالی روشن نمایم که از تصور نواب حیدر میرزا [،] مسیو دومرکان هدف سهام اغراض و نسبتهای ناروای وحشت آمیز [،] خطر انگیز [،] واقع شد و مجبور شد که هر دقیقه دست از کار کشیده [،] باسلحه [با اسلحه] حریبه مسلح شود تا زندگانی خود و همراهان خود را وقایه^۲ نماید [،] [در صورتیکه زمان مشغولیت کم و وقت او بسیار مغتنم و باقیمه [قیمت] و پولی که دولت برای حصول فایده خرج میکند [،] بیفایده [بی فایده] از میان می‌رود [می‌رود] و بهیچوجه [به هیچوجه] نمیتواند [نمی‌تواند] از مأموریت دولت علیه [،] خود را راضی نماید و ممکن است که نواب والا [،] دارای خیالات عالییه بوده‌اند [،] ولی در اجرا داشتن تکالیف مأموریت خود چندان کفایتی بروز نداد و از آنطرف [آن طرف] هر دقیقه میتواند [می‌تواند] بیک [به یک] وسیله نامناسبی در کارهای هیئت مأمورین علمی فرانسه داخل شود [،] در صورتیکه [در صورتی که] این هیئت هر روز از قصد ایشان قریب بقتل [به قتل] بوده [،] این حالات کار را از دور خود خارج مینموده [می‌نموده] [،] و حوصله را بر مسیو دومرکان تنک [تنگ] میداشته [می‌داشته] که خود استنباط میکرد [می‌کرد] که واقع شده است در میان یکدسته افکار موزیه فاسده [،] مستغرق شده در ظنون ناروای واهییه [،] و اگر یک برودتی فیما بین مأمور محترم دولت علیه و وکیل مطلق وزارت علوم فرانسه حاصل شده است [،] دولت علیه مسئولیت از او [از او] باید بر عهده نواب حیدر میرزا راجع نماید [،] زیرا مشارالیه نفوذی که باید در برابر مباشرین حکومت علیه داشته باشند [،] نداشتند یا بروز ندادند [،].

۴ [-] در فوق اظهار داشتیم که مسیو دومرکان دو سال تمام ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰ در اطراف و اکناف دور از آبادی ایران مأمور بود و بخوشی [به خوشی] بانجام [به انجام] رسانیده [،] در تمام مدت این دو سال ابداً شکایتی از هیچطرف [هیچ طرف] نسبت بمشارالیه [به مشارالیه] اظهار نشد و اتفاق ناگواری واقع نشد و بهمین مناسبت مسیو دومرکان استدلال مینماید [می‌نماید] هیچوقت از او نسبت بقوانین [به قوانین] محترمه اسلامییه سوء رفتاری نرفته [،] چنانچه در مصر

۱. رقیمه = نوشته

۲. وقایه = محافظت

هم همین طور رفتار کرده [۱] و دوستدار بهیچوجه [به هیچوجه] نمیتوانم [نمی توانم] باور کنم که مسیو دومرکان نکته [نکته‌ای] از نکات لازمه و موجبات احترامات لائقه را نسبت باینمعی [به این معنی] فوت کرده باشد [۲] و در اینباب [این باب] چیزی تصور نمیشود کرد جز اینکه نواب حیدر میرزا [۳] باغراق [به اغراق] و گراف پرداخته باشد [۴].

و آنچه در خصوص مادام لامپر اظهار رفته بود [۵] در این باب بهیچوجه [به هیچوجه] نمیتوانم ایراد جوابی نمایم زیرا که اینمطلب [این مطلب] بکلی [به کلی] از مانحن فیه خارج است [۶] و هیچ ربطی بمسئله [به مسئله] هیئت مأمورین علمی فرانسه ندارد [۷].

علاوه بر این تصور میکنم بنهایت [به نهایت] لازم است از خاطر مهام رای آنجناب [آن جناب] مستطاب اجل اکرم [۸] یادآوری نمایم که خیلی نزدیک است مجدداً در شوشتر باعمال [به اعمال] انکشافات شروع نماید [۹] و خوب است که دولت علیه مقرر فرماید بدون تضييع وقت وکیل دیگری بجای نواب حیدر میرزا مقرر و مأمور شود [۱۰] و با مشورت سفارت محترمه [۱۱] دستور العمل لازم بطور [به طور] واضح باو داده شود [۱۲] تا اطمینان لازم بدانشمندان [به دانشمندان] فرانسه داده شود که احترامات امنیتی که تاکنون از آنها فاقد بوده [۱۳] و این فقدان مخالف است با شرایط، قرار نامه بانها [به آنها] داده خواهد شد [۱۴] تا دولت جمهوری چیزی بر خلاف فرمان دولتی ملاحظه نکرده مجبور بمطالبه [به مطالبه] خسارتی از دولت علیه نشود [۱۵]. و مغتنم میشمارم [می شمارم] که در این وقت مراتب احترامات لازمه را نسبت بانجناب [به آن جناب] مستطاب اجل تجدید و تکرار نمایم [۱۶].^۱

د. سوهاری [وزیر مختار فرانسه در ایران]

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۵

تاریخ: ۲۶ جمادی الاول ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱۳ اکتبر ۱۸۹۹ م. / ۱۱ مهر ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: مشیرالدوله

گیرنده: اسمعیل خان

موضوع: حکم حرکت «اسمعیل خان» در معیت «مسیو لامپیر» به عربستان

نمره: ۲۳۹۷

سواد حکم وزارت خارجه با اسمعیل خان [به اسمعیل خان]

۱۶ جمادی الاول ۱۳۱۷

در باب حرکت شما در معیت مسیو لامپیر [،] شما معطل اتمام برات خود نشوید [،] بندگان حضرت صدارت عظمی که تشریف آوردند [،] برات شما را تمام کرده از پست بجهت شما فرستاده خواهد شد [،] و بشما [به شما] خواهد رسید [،] بوصول [به وصول] کاغذ البته حرکت کرده روانه شوید و معطل نشوید [،].^۱

مشیرالدوله

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۶

تاریخ: ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۳ اکتبر ۱۸۹۹ م. / ۱۱ مهر ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: صدراعظم

گیرنده: «مظفرالدین شاه»

موضوع: دستخط «مظفرالدین شاه» در مورد یادداشت‌های سفارت فرانسه

نمره: ۲۲۲

۲۶ جمادی الاولی ۱۳۱۷

سه طغرا مراسله وزیر مختار فرانسه از عرض پیشگاه مرحمت دستگاه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه میگذرد [.]

(پی نوشت بخط مظفرالدین شاه)

جناب اشرف صدراعظم

در باب حاجی احمد چه عیب دارد بتظلمات [به تظلمات] او رسیدگی و احقاق حقی شود [.] در باب مأموریت خود صحبت‌ها کند [.] و دکتر شندر را خواسته‌اند اگر صلاح است مأموریت بدهید [.] و الا هر نوع صلاح میدانید [می‌دانید] وزیر امور خارجه جواب بنویسد [.] کاغذ سیوم [سوم] وزیر مختار فرانسه هم ملاحظه شد که در مسئله شوش و حیدر میرزا مینویسد [می‌نویسد] درست معلوم نشد که شکایت او از کیست [.] و منظور چه [.] خوبست [خوب است] مشیرالدوله حاصل انرا [آن را] خلاصه کرده با خود بحضور [به حضور] آورده بعرض [به عرض] برساند [.]^۱

امضای مظفرالدین شاه

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۷

تاریخ: ۲۳ شهر جمادی الثانی ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱۲۹ اکتبر ۱۸۹۹ م. / ۶ آبان ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: یادداشت سفارت فرانسه به وزارت خارجه ایران در مورد «مسیو دومرگان»

نمره: ۱۰۰

یادداشت

در دفعه اخیر که بشرف [به شرف] ملاقات آنجناب [آن جناب] مستطاب اجل افخم عالی رسید [،] وعده فرمود که در خصوص عمل مسیو دومرگان [،] مجلسی با حضور جناب جلالتماب اجل محتشم السلطنه انعقاد یابد [،] از آنجائیکه [آنجایی که] موقع عملیات مشارالیه نزدیک میشود [می شود] [،] و وقت میگذرد [می گذرد] [،] خواهش مند [خواهشمند] است امر و مقرر فرمائید [،] مجلس مزبور در هفته آینده منعقد گردد [،] که زودتر قراری در اینکار [این کار] داده شود و زحمت عملی برای اولیای دولت علیّه و مأمورین دولت فخریه فرانسه حاصل نشود [،] در اینموقع [این موقع] احترامات فایقه و ارادات خالصه خود را [،] نسبت بآنجناب [به آن جناب] مستطاب اجل عالی تجدید مینماید.^۱

وزیر مختاری مخصوص

جمهوریّه فخریه دولت فرانسه

فرنان سوهار

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۸

تاریخ: ۴ رجب ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۹ نوامبر ۱۸۹۹ م. / ۱۷ آبان ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: سواد مراسله وزارتخارجه به سفارت فرانسه در پاسخ به یادداشت مورخه ۲۲

جمادی الاوّل آن سفارت

نمره: ۳۴۱۸/۲۵

سواد مراسله از وزارتخارجه بسفارت [به سفارت] فرانسه

۴ رجب المرجب ۱۳۱۷

نمره ۳۴۱۸

نمره ۲۵

مراسله محترمه مورخه ۲۲ شهر جمادی الاولی آن جناب جلالتماب واصل [ه] و انامل احترام گردید [ه] و اینک با کمال احترام [ه] بزحمت [به زحمت] جواب میپردازد [می پردازد] که اولاً تعیین مسیو دومرگان را که از جانب دولت جمهوری یک ضمانتی قرار داده‌اند و انطور ستایش از مشارالیه نموده بودند محل ایراد قرارداد نمیشود [نمی شود] البته مراتب علمی و شخصیت مشارالیه بجای خود باقی است [ه] اما نظر اولیای دولت علیه بر این است که از طرف مأمور محترمی مثل مشارالیه [ه] مخالفتی با قرارنامه در رعایت قواعد جاریه مملکتی اتفاق نیفتد [ه] والا هیچکس هنرمندی و دانش مشارالیه را محل اعتراض قرار نمیدهد [نمی دهد] و فقط مخالفت در یکفقره [یک فقره] که مثلاً طبع و نشر عکسهایش بدون اطلاع و اجازه دولت علیه [ه] کافی است بر اینکه آن جناب جلالتماب بتواند باور نماید که مخالفت دیگر هم محتمل الوقوع است [ه] ثانیاً اینکه مرقوم فرموده بودند از مدلول فرمان امتیاز بهیچوجه [به هیچوجه] معلوم نمیشود [نمی شود] و مستفاد نمیگردد [نمی گردد] که مأمور محترم دولت علیه [ه] برداشتن

صورتی از انکشافات مأمورین [۱] که این عمل خود بنفسه [به نفسه] دلیل یک سوءظنی است نسبت بدانشمند [به دانشمند] فرانسه [۲] عجب است که فصل ۴ قرارنامه را از نظر محترم دور داشته‌اند که مأمور دولت علیه باید مواظب و مراقب باشد که شرایط مقرر در امتیازنامه [۳] از طرفین مرعی و مستحکم باشد [۴] و چگونه شده است این حق مراقبت مأمور ایران را حمل بسوءظن نسبت بمأمور [به مأمور] علمی فرانسه نموده‌اند و مأمور دولت علیه را طرف مسئولیت قرار داده‌اند که آن امنیتی را که از فرایض ذمه او بوده است بهیئت [به هیئت] مأمورین نداده است [۵] و حال اینکه هیچوقت مأمور دولت علیه [۶] شخصاً این مسئولیت را نداشته [۷] و اگر بفصل [به فصل] ۴ هم مراجعه شود [۸] معلوم خواهد شد که تکلیف آن مأمور چیست [۹] و آیا این فقره را که مرقوم فرموده‌اند [۱۰] مسیو دومرکان تغییر نواب والا حیدر میرزا را خواهش مینماید [می‌نماید] [۱۱] خوب بود که اگر مشارالیه هم این خواهش را کرده باشد آن جناب جلالتماب بمقتضای [به مقتضای] قاعده‌شناسی که دارند قبول بفرمائید چرا که اگر بنا باین [به این] باشد که تغییر مأموری خواسته شود [۱۲] دولت علیه هم تکلیفی خواهد داشت که دور نیست برخلاف انتظار مسیو دومرکان باشد [۱۳] و این مطلب را هم که مرقوم داشته‌اند که دولت جمهوری [۱۴] انتخاب شخص دانشمندی که کرده از مأمور داشتن یک نفر از طرف سفارت کافی دانسته مستحضر شدم [۱۵] انصاف مسلمه آن جناب جلالتماب یقین تصدیق خواهد کرد [۱۶] که رعایت شرایط قرارنامه را حاصه [خاصه] در صورتیکه [در صورتی که] مسئولیتی هم علی‌الخصوص در آن باب برای سفارت قرار داده باشند [۱۷] نباید باعتماد [به اعتماد] دیگری مهمل گذرانید [۱۸] ثالثاً در باب کتاب راجع بانکشافات [به انکشافات] خود که بطبع [به طبع] رسانیده [۱۹] شرحی را که مرقوم فرموده بودید مطلع گردیدم [۲۰] دولت علیه هیچ [۲۱] جز اجرای پیمان مفاد فصل قرارنامه را ندارد (که حکومت فرانسه وعده می‌دهد [می‌دهد] که نگذارد مأمورین او هیچ طور حالتی از چگونگی اعمال خود را طبع و انتشار نمایند [۲۲] بدون اینکه این طبع و انتشار از طرف دولتین ایران و فرانسه ماذون و مجاز باشد)^۱ اگر دقت در این فصل نمایند [۲۳] معلوم میشود [می‌شود] که

۱. فصل پنجم قرارداد امتیاز کشفیات بین ایران و فرانسه ۱۳۱۲ هجری قمری

حق هیچطور طبیعی بدون اجازه این دولت علیه باقی نمی ماند [،] چه رسد براپورتها [به راپورتها] و یا طبع عکسها که همه مخالف قرارنامه است [.] رابعاً اینکه تصور فرموده اید که مسیو دومرگان [،] از قصور نواب والا حیدر میرزا هدف سهام اغراض و نسبتهای ناروای وحشت آمیز خطر انگیز واقع شده [،] اشتباهی است که بآن جناب جلالتماب نموده اند [،] فقط اگر خود آن جناب جلالتماب که از شایبه هر غرض مبری هستند [،] اندک تعمق فرمائید [،] انصاف خواهند فرمود که خود مسیو دومرگان و اعمال او دولت را بنیال [به خیال] انداخته و ابداً از حیدر میرزا تصور ناگواری نسبت بمشارالیه [به مشارالیه] نشده [،] و یک سندی هم از مشارالیه که تازه رسیده در موقع ملاقات ملاحظه آن جناب جلالتماب خواهد رسانید که بدانید ربطی بنواب [به نواب] معزی الیه ندارد [،] و خود او از اندازه تعدی مینماید باری ان شاء... تعالی [،] در موقع ملاقات که برای انجام این کار مقرر شده [،] امیدوارم که قرار کافی صادر شود که طرفین از مذاکرات آتیه در این خصوص آسوده شویم [.]^۱

مشیرالدوله

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۹

تاریخ: [۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۸۹۹ م. / ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: «دکتر حیدر میرزا»

گیرنده: صدراعظم

موضوع: گزارش ملاقات «دکتر حیدر میرزا» با «مرگان» در مورد عکس برداری از اشیاء عتیقه

نمره: -

حسب الامر یک نفر [یک نفر] عکاس از اصفهان اجیر کرده که آثار عتیقه شوش را عکس بردارد [۴] بعد از ملاقات دو مرگان اظهار نمودم که شما عکس تمام این اشیاء را برداشته‌اید [۴] و اعلیحضرت پادشاه ایران هم بمن [به من] حکم فرموده‌اند که یک آلبوم از این آثار عتیقه ترتیب داده حضور مبارکشان بفرستم و محض آنکه اسباب زحمت شما نشوم یکنفر عکاس همراه خود آورده‌ام [۱].

جواب - چون قریب بتمام [به تمام] این آثار محکوک بخط [به خط] میخی است [۴] عکس آنها داده نخواهد شد [۴] زیرا که محتمل است آن آلبوم را اروپائیا از پادشاه ایران گرفته عکس برداشته در روزنامه‌ها بنگارند و کتاب من که سال آتیه از طبع بیرون میاید [می‌آید] قدر و قیمتش کاسته خواهد شد [۱].

چنانچه عکس سلطان فاتح را من خود بفرنگستان [به فرنگستان] فرستادم و در فلان روزنامه ینگگی دنیا با هزاران مجعولات یک طبع کرده‌اند [۱].

گفتم - عرض میکنم [می‌کنم] که این نکته را مراعت [مراعات] کرده آلبوم را بکسی [به کسی] امانت ندهند [۱].

گفت - اطمینان نیست [۱].

گفتم - نصف این آثار عتیقه مال دولت ایران است و اگر شما قسمت دولت ایران را بطبع [به طبع] در بیاورید [۴] قیمت آنها هم صد برابر تنزل خواهد کرد [۴] و باید ابتداء دولت ایرانرا [ایران را]

راضی باین [به این] امر بنمائید و بعد بطبع [به طبع] برسانید [.]
 جواب - چون من شخصاً از دولت فرانسه حقوق نگرفته‌ام [.] حق طبع دارم و نتیجه زحمت من
 است [.]

گفتم - قسمت خودتانرا [خودتان را]، در قسمت دولت ایران رضایت شرط است [.] با هزار
 زحمت راضی شده است که از عکسهای خود که بدون خط هستند بدهد [.] و در این آلبوم از
 کشفیات دو ساله دومرگان دو عکس بیشتر برضایت [به رضایت] خود نداده است [.] ریختگی
 مسی [.] تخته سنگ مصور [.] زن و مرد [.] عکس سلطان فاتح هم برحسب اتفاق جزء آن
 عکسها داده شده و خود ندانسته است [.] زیرا که مخصوصاً آنرا خواستم و نداد [.] سایر کشفیات
 «دیولافوا» و دور آنها [آنها] و غیره است که بهیچوجه [به هیچ وجه] دخلی بآن [به آن] ندارند،
 علی ای حال [علی ایحال] خیال دومرگان اینست [این است] که مطلق حقوق دولت ایرانرا [ایران
 را] بیک قسمی به مبلغی بخرند [.] و مأمور دولت ایرانرا [ایران را] هم خودشان قبول دادن
 مخارج کنند [.]

اگر دولت ایران قسمت خود را از طبع برون نیامده بفروشد [.] و یا بدولت [به دولت]
 فرانسه اظهار کند که در نصف آنچه بدست [به دست] آمده حق طبع ندارند [.] قدر و قیمتی بر آثار
 عتیقه سهمی خود خواهد داشت [.] والا بعد از طبع و انتشار [.] آن آجرها را هم دانه یکقران [یک
 قران] نخواهند خرید [.]

عقل ناقص و اطلاع چاکرهم رأی نمیدهد [نمی‌دهد] که دولت ایران قبول آن نماید که
 مأمور او را دولت فرانسه مخارج دهد [.] معاودت چاکر هم در پائیز باین [به این] خدمت صحیح
 نیست [.] مأمور دیگر معین فرمایند که انجام اینخدمت [این خدمت] از عهده چاکر محال است
 [.] چه ضرورت دارد که دولت ایران سالی سه هزار تومان مخارج مأمور خود را که فقط محض
 حفظ احترام مأمورین فرانسه است بدهد [.]

در چنین صورت اعتقاد چاکرایین است که مقرر فرمایند از طرف حکومت عربستان
 مشخص [و] معین شود که اهل ولایت بوده باشد و بر وضع آن مملکت و عشایر آنجا بخوبی

مسبوق و با ماهی پنجاه تومان میتواند [می تواند] بخوبی حفظ احترامات آنها را نموده باشد [.]
 و یا آنکه ماهی پنجاه تومان را به صارم السلطنه [،] والی پشت کوه بدهند که یکی از
 پسرهای قاید مرادخانرا [مرادخان را] با هفت هشت سوار [،] مأمور باین [به این] خدمت نماید
 که در ایام توقف حضرات در شوش [،] حاضر خدمت بوده باشند که هم حفظ احترامی شده
 است و هم رؤسای سایر ایلات و عشایر [،] بملاحظه صارم السلطنه والی بخیال [به خیال]
 بدرفتاری و هرزه گی یافتند [نیافتند] [.]

اینکه از پسرهای قاید مرادخانرا [مرادخان را] عرض کرده ام [،] جهت آنست که [آن است]
 که [ایل آنها در دو سه منزلی شوش سکنا [سکنی] داشته و در مقام ضرورت [،] تاسی نفر سوار
 میتواند [می تواند] در آنجا حاضر خدمت و حراست باشد [.]

مادام لامپر که شرح زندگانی اش در مدت اقامت در تبریز مشهور تمام مأمورین خارجه
 بوده و هست [،] این اوقات برحسب اراده و التفات دومرگان [،] ریاست اداره مینماید [می نماید]
 و زبان فحاشی اش بدرجه [به درجه ای] باز و دراز است که خورشید کلاه هم گویا باین درجه ها [به
 این درجه ها] متبخر و بدزبان نبوده است [،] علاوه بر آن نرخ اجناس را هم او میگذارد
 [می گذارد] مثلاً بنوکرها [به نوکرها] قدغن کرده است که گوسفندیرا [گوسفندی را] که میآورند
 [می آورند] بخرید [،] اول سر بریده بعد هشت قران باو [به او] بدهید [،] اگر زیاد خواست با پس
 گردنی بخانه اش [به خانه اش] روانه نمائید [.] چنانکه پارسال در سو که دو منزلی کاشان است [،]
 در سر دو شاهی^۱ [،] کاروانسرادار را کوبیدند [.] مادام لامپر بمن [به من] میگوید [می گوید] که
 چرا یک میرزای قونسولخانه [کنسولخانه] انگلیس هر حکمی میخواهد [می خواهد] در ایران
 صادر میکند و شما در استحکام خیالات ما ابداً اقدامات لازمه نمی نمائید [،] معلوم میشود
 [می شود] که آدم نرم و ملایمی هستید [،] مفهوم آنکه از برای ما آدم جری و شدید العمل لازم
 است [.]

۱. واحد پول عهد قاجاریه و اوایل دوره پهلوی معادل دو پول یا ۵۰ دینار بود و صد دینار معادل دو شاهی و
 بیست شاهی معادل یک قران بود.

جواب - او نوکر انگلیس است و من نوکر ایران [ه]، توقعات شما را همه کس میفهمد [میفهمد] که از حدود مأموریت علمی خارج است [ه]، او بتوسط سفارت کار میکند [می‌کند] و شما شخصاً سفارت مینمائید [می‌نمائید]. دوبرگان میگوید [می‌گوید] مأمور ایران فقط برای حفظ احترام ما است [ه]، فلان فصل از معاهده اینمطلب [این مطلب] را بخوبی توضیح کرده است [ه] (اگر چنین بوده و درجه احترام آن تحدید نشده باشد [ه]، البته حق توقعات پیش از اینها را خواهد داشت) از بدو ورود بشوش [به شوش] همیشه منظور خاطر دوبرگان آن بوده است که موقعی بدست [به دست] آمده از اعراب و عشایریکه [عشایری که] در اطراف شوش آمد و شد میکنند [می‌کنند] چند نفری بقتل برسند و یا عشیرتی را دولت حکم بغارت [به غارت] دهد که وحشت تامه از مسیو دوبرگان حاصل کرده [ه]، از سایه او هم فرار نمایند تا آزادی [به آزادی] و مطاعنت در اطراف شوش مشغول گردش و شکار تواند و همیشه بچاکر میگفت [می‌گفت] که چرا باید من بجنگل [به جنگل] بخوام بشکار [به شکار] بروم [ه]، مجبور باشم که چند نفر تفنگچی همراه بردارم [ه].

(کنار رودخانه کرخه که نیم فرسنگی تل شوش و بطول دو فرسنگ جنگل است همیشه پناهگاه اشرار و قطاع الطریق عشایر عثمانی و عشایر ایران است [ه]، خود اهالی اطراف شوش با کمال احتیاط و مسلح باین [به این] جنگل وارد میشوند [می‌شوند] و گاه شده است که اشرار بر آنها حمله برده [ه]، چند نفر را کشته و لخت کرده‌اند و اکثر هم از عشایر غیر مطیع عثمانی هستند) امنیت همچو محلی را میخواهند [می‌خواهند] که در آنجا آزادی [به آزادی] مشغول شکار و تفریح شوند و حال آنکه در «بودوپولنی» شهر پاریس این امنیت هنوز غیر مقدور است [ه]. در واقعه سگوندها متوقع آن بود که دویست نفر سوار بختیاری آنها را محاصره نموده و بلکه کشتار خوبی هم بشود [ه]، تا از دوبرگان [ه]، سایر عشایر را قوه نزدیکی به تل شوش نشود و این عدم وقوع را دلیل بر ضعف و بیحالی [بی‌حالی] چاکر دانسته [ه]، شروع بشکایت و بدرفتاری نمود.^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۰

تاریخ: ۹ رجب ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱۴ نوامبر ۱۸۹۹ م. / ۲۲ آبان ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: «عین الدوله»

موضوع: خبر دادن بدرفتاری «دومرگان» به سفارت فرانسه

نمره: ۳۵۹۲

سواد رقععه وزارتخارجه بنواب [به نواب] عین الدوله

مورخ ۹ شهر رجب ۱۳۱۷

از تفصیلیکه [تفصیلی که] از سوء سلوک مسیو دومرگان فرانسوی مرقوم فرموده بودند [،] استحضار حاصل نمود [،] در اینباب [این باب] با سفارت فرانسه مذاکرات لازمه شده است [،] و بمشارالیه [به مشارالیه] نوشته‌اند که تغییر مسلک داده از روی قاعده و با ملایمت رفتار نماید [،] دور نیست که بعد از رسیدن این دستورالعمل [،] مسلک خود را تغییر بدهد [،] ولی هرگاه باز هم بخواهد مثل سابق بخلاف [به خلاف] قانون و قاعده رفتاری نماید [،] مقرر خواهند فرمود بوزارت [به وزارت] خارجه اطلاع بدهند تا بآنچه [به آنچه] لازم است اقدام شود [،] ^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۱

تاریخ: [۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۸۹۹ م. / ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: «منشورالسلطنه»

موضوع: درخواست «مرگان» مبنی بر بازنشدن صندوقهای اشیاء عتیقه در گمرک و دستور «نوز»

به گمرک

نمره: ۱۶۶۰

جناب جلالتماب در باب حمل اشیاء عتیقه سهمی دولت فرانسه که مجدت همراه مسیو دومرگان [۱] مأمور علمی فرانسه خواسته بود که صندوقهای آنرا دو مرتبه در گمرک خانه بازنمایند [۲] از سفارت فرانسه شرحی نوشته بودند بداره [به اداره] گمرک [۳] مذاکره لازمه را کردم [۴]. جناب مسیو نوز حکمی بریاست [به ریاست] گمرک [ناخوانا] نوشته فرستاده‌اند و سواد آن لفاً [۵] برای اطلاع آنجناب [آن جناب] ارسال شد [۶] بمأمور [به مأمور] علمی فرانسه اعلام نمائید [۷] و بعدها بطوریکه [به طوری که] از اداره گمرک برئیس [به رئیس] گمرک آذربایجان نوشته‌اند [۸] معمول دارند که حق دولت از میان نرود و سفارت اظهاری نمایند [۹]. رهین رحمت است. نصراً...^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۲

تاریخ: ۲۱ رجب [۱۳۱۷ ه.ق. / ۲۶ نوامبر ۱۸۹۹ م. / ۴ آذر ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: صدراعظم

گیرنده: «مظفرالدین» شاه

موضوع: سواد گزارش درخواست سرباز برای ایجاد امنیت در شوش توسط «مسیو دومرگان»

نمره: ۲۳۹

اینکه مسیو دومرگان جهت امنیت شوش سرباز خواسته است که از اول دسامبر تا آخر آوریل باشد [،] جهت آن است که در این پنجمه [پنج ماه] عشایر لرستانی بخصوص سکوند [،] بعبستان [به عربستان] آمده مرتع مخصوص آنها شوش و اطراف آنست [آن است،] هر وقت حکومت قدرت و نفاذی داشته باشد [،] اطراف دزفول امن و امانست [امان است] والا احدی جرئت نخواهد کرد که هزار قدم از شهر دور شود [.]

خیال مسیو دومرگان این است که در شوش دویست نفر سربازی چادر زده شب مشغول کشیک و روز مشغول فعله کی^۱ بشوند و اجرت بگیرند [،] که هم امنیت محل حاصل و هم سلام فنک صبح مجلل است [.] و اگر این اردو منعقد شود [،] باید سر کرده مخصوص آنها هم نفاذ امر در سرباز داشته باشد و هم مردی محتاط و عاقل باشد [،] زیرا که جهالت سرباز ایران و خودپسندی مسیو دومرگان بیک [به یک] تحریک مختصری [.] سبب قتل جمعی از عشایر و سرباز خواهد شد [،] چنانچه در این دو سال مکرر شروع شد ولی بحمد... وقوع نیافت و اگر این اردو کمتر از آنچه عرض شد منعقد بشود [،] باید همه سرباز رشید کم الاغ و کم گرفتاری باشند که جیره و مواجب صحیح گرفته شب مشغول کشیک و روز مشغول تهیه خوراک و راحت خود بشوند نه فعله کی [فعله گی] والا در هر شب چند الاغ و چند تفنگ از آنها دزدیده شده مایه مضحکه حضرات خواهد شد [.]

حاشیه نامه بخط مظفرالدین شاه

جناب اشرف صدراعظم

بعین الدوله [به عین الدوله] تلگراف نمائید که یک دسته سرباز و صاحب منصب صلح معین نمایند لباس و مصارف هم اضافه شود [.]^۲

۱. فعله گی = کارگری

۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۳

تاریخ: [۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۸۹۹ م. / ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: صدراعظم

موضوع: خلاصه گزارشهای رسیده درباره «مسیو دومرگان» و فحاشی وی به یکی از اولیای عرب
نمره: -

خلاصه راپورتها نیست که تاکنون رسیده

از قراریکه [قراری که] بتواتر [به تواتر] خبر میرسد [می‌رسد] جناب مسیو دومرگان زیاده از اندازه با مردم بدسلوک و بدزبان و فحاش است [،] چنانچه چندی قبل جناب «آقا سید محمد» که در حقیقت یکی از اولیای اعراب است [،] با چند نفر طفل خود بچادر [به چادر] شاهزاده دکتر [،] دیدن می‌رود [می‌رود] در مراجعت پدر و اطفال محض تماشای سنگ تازه که از زیر خاک بیرون آورده‌اند [،] و در پانزده قدمی منزل دومرگان گذاشته شده بود [،] بسنگ [به سنگ] نزدیک شده تماشا میکنند [می‌کنند،] «مسیو دومرگان» از منزل بیرون آمده آنها را بالفاظ [به الفاظ] قبیحه فحاشی نموده میراند [می‌راند] بعد بمنزل [به منزل] سلطان سربازهای مستحفظ رفته چند سیلی بر روی او زده او را فحاشی میکند [می‌کند] و حال آنکه آن سنگ از روبروی منزل مسیو دومرگان کنار بوده و تنها از شنیدن صدای آنها بهیجان [به هیجان] آمده [،] اینقسم [این قسم] فحاشی کرده است [.]

انتشار این خبر در طوایف اعراب [،] سبب هیجان غریبی شده و شاهزاده دکتر از خود بمنزل [به منزل] سادات و رؤسای محترم رفته و معذرت می‌خواهد [می‌خواهد] که نشناخته‌اند [،] و حال آنکه از پیش او را میشناخته [می‌شناخته] و درجه احترام او را میدانسته‌اند [می‌دانسته‌اند].

در شب بیست و یکم ماه مبارک [،] یکی از سربازها یا عمله‌جات مشغول مناجات

میشود [می‌شود] مسیو دومرگان از خواب بیدار شده بالفاظ [به الفاظ] قبیحه حکم بقطع [به قطع] صدا میدهد [می‌دهد] سربازها میگویند [می‌گویند] که ما از سرشب اطلاع داده‌ایم که یک امشب را احیا خواهیم داشت [،] تغییر زیاد شده مجبوراً ساکت میشوند [می‌شوند].

سگ چوپان در کنار اردوی حضرات صدا میدهد [می‌دهد] او را شبانه تعاقب کرده با طپانچه میزنند [می‌زنند] که راحت ما را مختل کرده است [،] فلان سر دسته عمله را شکایت میکنند [می‌کنند] که از عملجات تعارف خواسته است [،] مسیو دومرگان او را زیاد زده چند روز حبس میکند [می‌کند] و حال آنکه بفرض [به فرض] صحت [،] جزای او نفی اوست نه شبیه باین [به این] سختی که خوف هلاکت سبب خلاصی آن شود [،].

میانه سرباز و اعراب نزاعی دست داد [،] سرباز دست به تفنگ بعرب [به عرب] حمله میبرد [می‌برد] مسیو دومرگان حکم و تحریک به شلیک میکند و مخصوصاً سلطان سرباز را تمجید نموده وعده رضایت نامه خوب میدهد که من از جنس عرب بدم میاید [،] خوب شد که در این شلیک [،] گلوله کسیرا [کسی را] نگرفت [،] اگر یکنفر [یک نفر] کشته میشد معلوم میشد [گشته می‌شد، معلوم می‌شد] که چه فتنه‌ها محتمل الوقوع است [،].

تل شوش و اطراف آن همیشه مرتع عشایر محلی بوده و هست [،] از دستجات اعراب هر کدام بشوش [به شوش] نزدیک میشدند حکم به تبعید میکند و میگوید [می‌کند و می‌گوید] این تل شوشرا [شوش را] من از دولت خریده‌ام [،] انتشار این خبر در اعراب [،] هیجانی سخت آورده و اگر باین [به این] ترتیب پیش روند احتمال بلوا می‌رود [می‌رود] بدزبانی و فحاشی مسیو دومرگان [،] بدرجه [به درجه‌ای] انتشار یافته که علمای دزفول هم در عنوان شکایتند [،] و اگر پیشرفت کار خودشانرا [خودشان را] باینقسم [به این قسم] دیده‌اند و این وطیره [وتیره] طولانی شود [،] حیوانیت و عصبیت اعراب و خلق عربستان بالعکس بر اشکالات آنها خواهد افزود [،].

در واقعه دزدی قاطرهای مسیو دومرگان و قتل دجن [،] مسلم شده است که دزد از عشایر

۱. وتیره = کینه، ستم. فرهنگ بزرگ جامع نوین، عربی - فارسی، تألیف احمد سیاح، (انتشارات شرکت درفش، تهران کتابفروشی اسلامی، ج ۳ و ۴، چاپ دوم، ۱۳۶۴)، ص ۱۶۷۵.

غیر مطیع عثمانی و دجن هم از همان طایفه بوده است [۱]. رأی و توقع «مسیو دومرگان» آنست که [آن است که] دولت رؤسای طایفه آل کثیر را تنبیه و تأدیب سخت نماید [۲]، و یا آنکه ایل آنها را از آن سرزمین بکوچاند [به کوچاند] زیرا که برغم مسیو دومرگان ورود اشرار خاک عثمانی بخاک [به خاک] ایران [۳] ناچار باطلاع [به اطلاع] اهالی آل کثیر است و هر وقت شیخعلی غافل و اولاد او بدانیال [به دانیال] (ع) می‌آیند [۴] همه قسم زشتی و بدزبانی بآنها میشود [به آنها می‌شود] و حال آنکه بر همه مکشوف است که بایندرجه‌ها [به این درجه‌ها] ارتباط مابین این عشایر نیست و بلکه خصومت دائمی بر قرار است [۵]. امنیت کنار کرخه را اردوی متمادی دولتین علیین لازم [۶] و با قراولخانها و سربازخانها [قراولخانه‌ها و سربازخانه‌ها] عدیده رفع میکند لاغیر [۷].

امساله فحاشی و بدزبانی جناب مسیو دومرگان بالنسبه بسال [به سال] قبل کمتر و وضع سلوکش بالنسبه بهتر است [۸] ولی توقعات فوق‌العاده برقرار سابق است [۹]، مثلاً قونسول [کنسول] فرانسه مقیم بوشهر که بدیدن حضرات آمده بود [۱۰] از طرف ایالت پذیرایی شده [۱۱]، اسب سواری جهت ایشان بکنار [به کنار] کشتی فرستاده [۱۲]، هر چند راس اسب سواری هم که لازم داشتند از شوشتر بایشان [به ایشان] داده شد که بدزفول [به دزفول] و شوش بروند [۱۳]، در دزفول هم میشود [می‌شود] که نخواسته‌اند معروف باشند آن اسبها را گذاشته [۱۴]، اسبهای دیگر کرایه کرده‌اند که بشوش [به شوش] بروند [۱۵]، جناب مسیو دومرگان بتوسط [به توسط] شاهزاده دکتر [۱۶] تهدیدات بحکومت [به حکومت] علیه نموده است که چرا باستقبال [به استقبال] نیامده پذیرایی نکرده‌اند [۱۷]، در مراجعت از شوش اگر سوار و فراش باستقبال [به استقبال] نیاید [۱۸]، فلان و فلان خواهد شد [۱۹]، اگر انگلیسیها وضع دیگر حرکت میکنند [می‌کنند] ماها فرانسه [فرانسوی] و غیر از آنها هستیم [۲۰] و هزار توقعات و گفتگو دیگر [۲۱]، مثلاً باید یک کشتی جنگی بیاید [۲۲]، یکی از بنادر را ضبط نموده تا دولت ایران بداند که چگونه به تکلیف خود عمل نماید و غیره [۲۳].^۱

شماره سند: ۳۴

تاریخ: [۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۸۹۹ م. / ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: صدراعظم

موضوع: گزارش مشاهدات دکتر «حیدر میرزا» نماینده ایران از حفریات و وقایع شوش

نمره: -

مشاهدت چاکر حیدر میرزای دکتر

بیست و ششم محرم ۱۳۱۶ [= ۱۸۹۸] چاکر در شوشتر بوده [،] چهار لنگه [لنگه] صندوق از شوش وارد شوشتر و تحویل کمپانی لنج شد [.]

ربیع الاول در خانه ژنرال قونسول [کنسول] روس مقیم اصفهان جناب «مسیو دومرگان» بچاکر [به چاکر] گفتند [،] اینکه این چند روزه بملاقات [به ملاقات] حضرت اشرف والا آقای ظل السلطان نرفته ام [،] جهت آنست که [آن است که] منتظر صندوقهای لباسیکه [لباسی که] بتوسط خانه لنج باصفهان [به اصفهان] فرستاده ایم برسد و نمیدانم چه شده است که در عرض این دو ماه هنوز نرسیده [،] چاکر هم بدو [به دو] سه روز فاصله عازم طهران شد و در مراجعت از طهران بجناب [به جناب] مسیو دومرگان حکایت کردم که راپورت داده اند که چند صد صندوق از گمرک گذرانیده اید [،] گفتند که آن چند صندوق پوست طیور و حیوانات پست مانند شب پره و غیره را که فرستاده ایم چند صد شده است [.]

از قرار مذکور ایشان ان [آن] چهار صندوق لباس غیر از چهار صندوق پوست حیوانات است [.] اگر چهار صندوق لباس باصفهان [به اصفهان] رفته است [،] مکاری^۱ و حامل آن البته معلوم و اگر همان چهار صندوق به بندر رفته است [،] آنهم [آن هم] معلوم است [،] در هر صورت اطلاع چاکر هم همانست که [همان است که] در ان [آن] اوقات بیش از چهار صندوق از شوش

۱. مکاری = کرایه دهنده چهارپایان

حمل نشده مگر صندوقها و بارهائیکه [بارهایی که] به‌مراه خود تا اصفهان داشته‌اند [۰]. روزی که چاکر از دزفول بشوش [به شوش] آمد [۰] فردای آنروز «مسیو بریوآ» قنصل [کنسول] بوشهر از شوش مراجعت کرد و خود چاکر هم تا دزفول با ایشان همراه شد [۰] سه لنگه [لنگه] صندوق بزرگ [بزرگ] یک لنگه صندوق کوچکتر با هشت یا نه جعبه کوچک [۰] دوبار کرده همراه برد و از قرار مذکور جناب مسیو دومرگان [۰] آنها از اقسام مشروبات و کنسروها بودند که از فرنگستان رسیده بود و بطور تعارف به قنصل [کنسول] بوشهر داده‌اند [۰].

نوکر و قاطرچی خودشانرا [خودشان را] چه دربارهای سابق و چه در این بارها عقیده و اطلاع برخلاف بود [۰].

روزیرا [روزی را] هم مسیو لامپر بعنوان [به عنوان] بوشهر حرکت کرد چند بار همراه داشت که میگفتند [می‌گفتند] پوست طیور و هوایی است که جمع کرده‌اند [۰].

چاکر نه حضور مجلس داشت و نه بر عده آن صندوقها اطلاعی دارد [۰] در خصوص عکس اشیاء و سنکهای [سنگهای] محصوله هم چاکر بر حسب امر دولت یکنفر [یک نفر] عکاس از اصفهان با خود برده [۰] جناب «مسیو دومرگان» چنین تقریر کردند که اگر عکس آجر و الواح و هر چه نوشته است بخواهید داده نخواهد شد [۰] زیرا که محتمل است دولت بکسی [به کسی] امانت دهد و آنها عکس او را برداشته در روزنامه‌ها منتشر کنند [۰] گفتم این نکته را عرض خواهم نمود که رعایت کنند [۰] گفتند اطمینان نیست [۰] گذشته از آن تا کتاب من از طبع خارج نشود که حق مخصوص من است [۰] زیرا که بدون اجرت بدولت [به دولت] خود خدمت میکنم [می‌کنم] هیچ نمونه و عکسی از اشیاء محصوله را باحدی [به احدی] نمیدهم مگر بمیل [به میل] شخصی خود [۰] آخر الامر راضی شدند که چند عکس بدهند [۰] و در آلبوم تقدیمی همان دو عکس پارچه مسی و نقش زن و مرد که بدون خط هستند [۰] از مکشوفات این دو ساله داده شده [۰].

و اگر چاکر از اشیاء محصوله ثبت و صورتی ندارد [۰] جهت آنست که مسیو دومرگان ایدا دخالت نداده میگوید [می‌گوید] فقط مأمور ایران محض حفظ احترامات ما است [۰].

حاجی حسین گرگ [۱] پارساله پانصد تومان به مسیو دومرگان داده در عوض برآه [برات] جدیدالضرب بحواله [به حواله] بانک بوشهر میگیرد [می‌گیرد].

بانک بوشهر قران کهنه میدهد [می‌دهد] حاجی حسین بمسیو [به مسیو] دومرگان اظهار میدارد [می‌دارد] که حواله شما بشرط [به شرط] قران جدیدالضرب بود [۱] جواب میدهد [می‌دهد] که باید سندی از بانک بوشهر بیاورید که قران کهنه داده است [۰] حاجی حسین تلگراف از بانک می‌آورد [می‌آورد] که قران کهنه داده‌اند [۱] مسیو دومرگان قبول میکند [می‌کند] که بیست و پنجتومان [بیست و پنج تومان] تفاوت آنرا بدهد [۱] یکسال [یک سال] است که حاجی حسین عارض و جناب مسیو دومرگان جواب نمیدهد [نمی‌دهد]، گویا منظورشان آنکه فلان برآه [برات] رویه را از من ارزان خرید و مبلغی تفاوت خرید و فروش دادم [۰] امساله در ثانی برآه دیگری بحاجی [به حاجی] حسین فروخته [۱] حاجی حسین پنجاه تومان ازان [از آن] پولرا [پول] را [نمیدهد] [نمی‌دهد] میرزای «مسیو دومرگان» بچاکر [به چاکر] اظهار داشته [۱] «حاجی حسین» را مجبور کردم که پنجاه تومانرا [تومان را] خود برداشته در شوش خدمت مسیو دومرگان ببرد و در خصوص بیست و پنجتومان [بیست و پنج تومان] هم اظهار نماید کاغذی هم ننوشتم [۱] پولرا [پول] برداشته او را اذن ملاقات ندادند [۱] جواب کاغذ چاکر هم همان عبارتست [عبارت است] که مأمور دولت ایران فقط محض حفظ احترامات ما است [۰].

مهتری داشتم که دخترش عیال سکوندی بوده و از شوهر قهر کرده بخانه [به خانه] پدرش که از عمله کریمخان است میرود [می‌رود]، شوهر دختر پناه به برادر فاضل خان سکوند میبرد [می‌برد] که عیالرا [عیال را] باید گرفته بدستم بدهی [۱] او هم مهتر چاکر را که در پائین تل شوش مشغول چرانیدن مالها^۱ بود [۱] گیر آورده تغیر میکند [می‌کند] سرباز مستحفظ قلعه تصور آن میکند [می‌کند] که میخواهند [می‌خواهند] قاطرها را به برند [۱] شنلیک [شلیک] میکند [می‌کند] برادر فاضل با یک سوار دیگر در آنجا می‌ایستد [می‌ایستد]، سرباز میفهمد که منظورشان دزدی نبوده است [۱] سوار سوّم فرار میکند [می‌کند] مسیو دومرگان با سایر فرنگیها بام قلعه برآمده خبر میپرسند [می‌پرسند] سرباز میگوید [می‌گوید] میخواستند [می‌خواستند] مالهای فلانکسرا

۱. مالها = چهارپایان مانند قاطر و اسب را گویند.

[فلان کس را] بدزدند [،] حضرات فرنگیها بر سوار فراری شنلیک میکنند [،] مادپان سوار کلوله [گلوله] خورده [،] خود سوار فرار میکند [،] آدم حضرات رفته اسب مجروحرا [مجروح را] بدر [به درب] قلعه میاورد [می آورد] اسب چون مردنی بود با کلوله دیگر راحتش میکنند [می کنند] و زین و برک [برگ] سوار را خودشان ضبط میکنند [می کنند].

فردا مطلب توضیح [،] سوار فراری آمده زین و برگ خود را میخواهد [می خواهد] و ملتمس انعامی است که در اینموقع [این موقع] مادپان او بناحق کشته شده [،] مسیو دومرگان میگوید [می گوید] که هر کس در اطراف قلعه من شلوق [شلوغ] کاری کند جزایش قتل [است،] باز بخت او بلند بوده که اینهمه کلوله باو [به او] نگرفته است و اسباب و اسلحه او هر چه بدست [به دست] افتد رو نخواهد شد [،].

چاکره پنجتومان [پنج تومان] از خود بصاحب [به صاحب] مادپان انعام داده و او را روانه کردم که فتنه دیگری دست ندهد [،]. در هر صورت سبک و سلیقه جناب مسیو دومرگان بر این است که در میان این مردمان بیابانی باید خیلی سخت و شدیدالعمل بود و چاکر نسبت باطلاعی که دارد [،] عقیده بر آنست که [آن است که] سختی باین شدتها [،] معایب دیگر تولید میکند [می کند] گذشته از این مطالب در این اداره سوای جناب مسیو دومرگان رئیس دیگری هم است که دخالتشان کلی تر و تحکمتشان سخت تر و ناگوارتر است [،] مثلاً میگویند [می گویند] که شما سه هزار تومان از حکومت عربستان گرفته اید که بر ضد ما عمل کنید [،] و حال آنکه تا امروز که شهر ربیع الاوّل است [،] ده ماه تمام است که حقوق چاکر نرسیده [،] و حکومت عربستان میگوید [می گوید] که حقوق شما اضافه بر دستورالعمل و دیناری در محل ندارم [،] و تابحال هم نداده است تا دولت چه حکم نماید [،].

بعد از سه روز اقامت در خانه صارم السلطنة والی پشت کوه [،] جناب «مسیو دومرگان» پیغام میکند [می کند] که چون من میخوامم [می خواهم] عازم شوم [،] منتظر حرکت شما هستم [،] زیرا که ورود شما باین خاک [،] محض آشنایی من و پذیرایی شما را هم محض احترام من کرده اند [،].

رئیس دیگر میگوید [می‌گوید] اگر میل دارید حرکت نکنید آنرا هم «پروتکل»

خواهیم کرد [.]

از قرار معلوم [،] میل جناب مسیو دومرگان بر این است که ترتیب این معاهده و وضع

مأمور ایرانرا [ایران را] بغیر [به غیر] بدهند [.] در چنین صورت برقراری چاکر باین [به این]

خدمت ضرورت ندارد و چنانچه عرض و استدعای معافی از اینخدمت [این خدمت] را نموده‌ام

[،] باز ملتمس و اگر [اگر] هم نسبت بیچاکر [به چاکر] اعتراض و ایرادی کرده‌اند [،] فرمایش دهد تا

جواب خود را عرض نماید [.]^۱

شماره سند: ۳۵

تاریخ: ۵ شعبان ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۹ دسامبر ۱۸۹۹ م. / ۱۷ آذر ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: صدارت عظمی

گیرنده: عین‌الدوله

موضوع: دستور اعزام سرباز برای محافظت «مرگان» طبق درخواست سفارت فرانسه

نمره: -

بی‌نمره است

عربستان

سواد کاغذ صدارت عظمی به عین‌الدوله

۵ شعبان المعظم ۱۳۱۷

از قرار اظهار سفارت فرانسه [ه]، مسیو دومرگان که این اوقات برای تمام کار حفریات و انکشافات که بشوش [به شوش] وارد شده [ه] چند نفر سرباز لازم است برای مستحفظی و ترتیب و پیشرفت این کار در آنجا بوده باشد [ه]، قدغن نمایند هر چند نفر سربازی که لازم است [ه] و خود مسیو دومرگان هم بنواب [به نواب] والا اظهار خواهند کرد [ه]، معین نموده بدهند [ه] و کار این سرباز هم فقط برای قراولی و مستحفظی است که نگذارند از ایلات و عشایر تعرض نسبت باجزای [به اجزای] انکشافات یا اسبابی که کشف تنها است [ه]، وارد آید یا نسبت با جزاء [به اجزاء] صاحب‌منصب [صاحب منصب] آنها خلاف قاعده بظهور [به ظهور] برسد [ه]، البتّه همینطور که زحمت‌افزا شد [ه]، زودتر معین خواهید کرد [خوانده نشد] تلگراف خواهد کرد [ه].^۱

صدارت عظمی

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۶

تاریخ: ۲۰ شعبان ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۲۴ دسامبر ۱۸۹۹ م. / ۳ دی ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: مشیرالدوله

گیرنده: «مخبرالدوله» وزیر تلگراف

موضوع: درخواست تسهیلات لازم برای «حیدر میرزا»

نمره: ۴۷۰۷

سواد رقعه وزارتخارجه به مخبرالدوله وزیر تلگراف

۲۰ شعبان المعظم ۱۳۱۷

نواب والا حیدر میرزا دکتر که مأمور محترم دولت علیه در شوش هستند [،] این روزها حرکت مینمایند [می نمایند] و چون بعضی مطالب دارند که بایستی مخابره نمایند [،] مقرر فرمائید حکمی برئیس [به رئیس] تلگرافخانه عربستان صادر نمایند که راپورتهای دولتی معزی الیه را مجاناً و سریعاً مخابره نمایند که اسباب تعویق و تعطیل کار ایشان [،] فراهم نشود [.] زیاد ایام بکام باد [.]^۱

(مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۷

تاریخ: ۲۰ شعبان ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۲۵ دسامبر ۱۸۹۹ م. / ۴ دی ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: صدراعظم

گیرنده: عین الدوله

موضوع: حکم صدراعظم به «عین الدوله» در مورد امنیّت مأموران علمی فرانسه در شوش

نمره: -

سواد حکم صدارت عظمی به عین الدوله حکمران عربستان

۲۰ شهر شعبان المعظم ۱۳۱۷

برای حفظ و امنیّت مأمورین علمی فرانسه در شوش [،] یکصد [یک صد] نفر سرباز لازم است که در آنجا هر ساله از اول قوس [آذرماه] تا اواخر حمل [فروردین] در شوش حاضر و مراقبت امنیّت و آسایش آنها باشد [،] تلگرافی هم در اینباب [این باب] بنواب [به نواب] والا شده است و البته بموقع [به موقع] اجرای گذارده‌اند [،] حالا هم مزیداً لتاکید زحمت میدهم [می‌دهم] که قدغن فرمائید [،] یکصد [یک صد] نفر سرباز بالباس صحیح و صاحبمنصب [صاحب منصب] قاعده‌دان و وضع مرتب [،] برای امنیّت آنها معین و مأمور دارند که این پنجمه [پنج ماه] را در آنجا مواظب و مراقب باشند و تأکید بآنها [به آنها] بشود که در کمال قاعده و نظم باشند و در مدّت اقامتشان هم در آنجا از دستورالعملی که نواب والا دکتر «حیدر میرزا» بآنها [به آنها] میدهد [می‌دهد] تخطّی ننمایند و چون نواب معزی‌الیه مأمور است که مراقبت کلیه امورات راجعه بمأمورین [به مأمورین] علمی فرانسه باشند و دستورالعملی مقرر دارند [،] باید صاحبمنصب [صاحب منصب] و سربازی را هم که مأمور آنجا میفرمایند [می‌فرمایند] از صوابدید معزی‌الیه بیرون نروند که مبدا مسئولیتی برای آنها اتّفاق بیفتد [،].^۱

صدراعظم

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۸

تاریخ: ۲۸ شعبان ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱ ژانویه ۱۹۰۰ م. / ۱۱ دی ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: از دزفول - حیدر میرزا

گیرنده: صدراعظم

موضوع: حفاظت «دومرگان»

نمره: ۱۹۲ - جواب ۹ دولتی

جواب بتوسط [به توسط] حضرت مستطاب اشرف امجد والا سرکار شاهزاده سپهسالار دام اجلاله [،] حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف افخم بندکان [بندگان] آقای صدراعظم دامت شوکه [،] تلگراف [تلگراف] مبارک از بابت سربازان قراولی «مسیو دومرگان» در اردوی «قیراب» ده فرسخی دزفول زیارت شد [،] مقرر فرموده بودید که هر چند نفر سربازیکه [سربازی که] لازم است و مشارالیه اظهار می نمایند نزد او فرستاده شود [،] دو ماه قبل با اینکه خود «مسیو دومرگان» هم در شوشتر حاضر نبوده [،] بیجناب [به جناب] جلالتماب «ضیاءالملک» امیر تومان^۱ حاکم عربستان [،] تلگراف و تأکید کرده بودم که موافق معمول سربازان قراولی مشارالیه را روانه نماید که با کمال مواظبت مشغول حفظ و حراست باشند [،] حالا هم مجدداً تلگراف و تأکید نمودم که در صورتیکه [در صورتی که] بواسطه [به واسطه] حاضر نبودن مشارالیه [،] سربازان قراول آن را فرستاده باشند [،] چند نفری که لازم و معمول است [،] زودتر روانه نماید [،].^۲

سلطان عبدالمجید

مهر ناخوانا

۱. امیر تومان. فرمانده قشونی نزدیک به ۱۰/۰۰۰ نفر = فرمانده لشکر = امیر لشکر

۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۹

تاریخ: ۱۳ رمضان ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱۵ ژانویه - ۱۹ م. / ۲۵ دی ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: صدراعظم

گیرنده: عین‌الدوله حکمران عربستان

موضوع: تأکید بر اعزام یک صد نفر محافظ برای مرگان

نمره: -

از مضمون تلگراف نواب اشرف والا در خصوص قراول مأمورین علمی فرانسه [،] همچو معلوم میشود [می‌شود] که بهمان [به همان] قراولان معمولی اکتفا فرموده‌اند و همانها را برای مراقبت گمارده‌اند [،] ولی گویا آنها کافی نیستند [،] لهذا یکصد [یک صد] نفر قراول صحیح یا صاحب‌منصب [صاحب منصب] کافی برای محافظت مأمورین مزبور قدغن فرمائید بشوش [به شوش] ارسال دارند که مستحفظ باشند [،] اینک مجدداً زحمت میدهم که اگر قراول مزبور فرستاده نشده [،] سریعاً بفرستید و مراقب باشند که رعایت مستحفظ مأمورین علمی بعمل [به عمل] آید [،] نتیجه را اطلاع بدهید [.]^۱

(صدراعظم)

شماره سند: ۴۰

تاریخ: ۱۳ رمضان ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱۵ ژانویه ۱۹۰۰ م. / ۲۵ دی ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: مشیرالدوله

گیرنده: سپهسالار

موضوع: اعلام وصول تلگراف شاهزاده عین‌الدوله درباره «مسیو دومرگان»

نمره: ۵۱۱

سواد رقعه وزارتخارجه به سپهسالار

۱۳ رمضان المبارک ۱۳۱۷

تلکراف حضرت اشرف والا شاهزاده عین‌الدوله دامت شوکته [،] در خصوص فراول «مسیو دومرگان» مأمور علمی فرانسه را که ارسال فرموده بودید [،] بعرض [به عرض] حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع افخم [،] آقای صدراعظم [،] مدظله العالی رسانیدم و اطلاعاً تصدیع افزا شدم [.] ایام اقبال بکام [به کام] باد [.]^۱

(نصراً... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۴۱

تاریخ: ۱۹ رمضان ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱۳ دسامبر ۱۸۹۹ م. / ۲۱ آذر ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: رونوشت مراسله وزارتخارجه به سفارت فرانسه در باب انجام اقدامات ضروری برای آسایش مأموران فرانسوی و درخواست اعزام نماینده‌ای از سفارت به شوش

نمره: ۴۶۷۱/۴۰

سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت فرانسه

۱۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۱۷

برای آسایش و پیشرفت مقاصد صحیحه علمیه مأمورین علمی فرانسه در شوش [،] احکام لازمه صادر [،] و اقدامات مفید مجدداً بعمل [به عمل] آمده است که من بعد اسباب زحمتی نباشد [،] و نواب والا حیدر میرزا دکتر هم [،] تا یک هفته دیگر حرکت خواهند نمود [،] و دستورالعمل لازم در موافقت ما با مأمورین علمی [،] و مراقبت به آسایش آنها بمعزی‌الیه [به معزی‌الیه] داده شده [،] و در اینموقع [این موقع] با کمال احترام لازم می‌شمارد [می‌شمارد] که آن جناب جلال‌تماب را متذکر شود که اولاً قدغن نمایند [،] یکی از اجزای آنسفرات [آن سفارت] محترمه که باید موافق مدلول قرارنامه بانجا [به آنجا] مأمور شود [،] سریعاً معین و روانه دارند که در موقع عملیات مشارالیه هم حاضر باشد [،] که دیگر اسباب اشکالی فراهم نیاید [،] و ثانیاً بمأموری [به مأموری] که از جانب سفارت محترمه می‌رود [می‌رود] همچنین بمأمورین [به مأمورین] علمی فرانسه که در شوش هستند [،] تأکید فرمایند که با نواب معزی‌الیه [معزی‌الیه] در شرایط موافقت و یکجهت [یک جهت] ... بوده و بطوریکه [به طوری که] از وزارت امور خارجه بمعزی‌الیه [به معزی‌الیه] دستورالعمل داده شده است [،] بآنها [به آنها] هم از طرف سفارت محترمه تأکید شود [،] که با مأمور محترم دولت علیه [،] مسالمت و موافقت بورزند تا امورات

علمی که از شایبه هر غرض خالی است [ه] بروال [به روال] قاعده پیشرفت حاصل نماید [و] و مشکلات تخاطی نکنند [.] ثانیاً بمأمورین [به مأمورین] علمی توجیه فرمایند که معزی‌الیه را از دخالت در امور کشفیات [ه] حاجت نبود و برای اینکه در گمرکات دولت علیه محمولات صادره مأمورین علمی بدون معطلی بگذرد و آنچه حمل مینمایند [ه] و عاید بکشفیات [به کشفیات] و موضوع امور علمی است با اطلاع بمعزی‌الیه [به معزی‌الیه] بسته [ه] و سر بسته را بمهر [به مهر] معزی‌الیه رسانیده حمل نمایند که دیگر در گمرکات محل تأمل نباشد [ه] یقین دارم که در این اظهارات که فقط محض پیشرفت و آسایش امور مأمورین محترم علمی است [ه] از طرف آن جناب جلالتماب [ه] لازمه مساعدت مبذول شده و در اینموقع [این موقع] احترامات فایقه دوستدار را قبول نمائید [.]^۱

مشیرالدوله

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۴۲

تاریخ: ۲۵ رمضان ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۲۷ ژانویه ۱۹۰۰ م. / ۷ بهمن ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: امان... کارگزار عربستان

گیرنده: وایس کنسول انگلیس مقیم محمّره

موضوع: ابلاغ فرمان شاه در باب باز شدن بارهایی که بنام «مرگان» از خارج می‌رسد و توقیف و رسیدگی بارهای ارسالی وی به خارج از کشور

نمره: ۵۶

محمّره ۲۵ شهر رمضان ۱۳۱۷

بویقونسول [به وایس کنسول] انگلیس محمّره

حکومت ولایتی [،] حسب الامر تلکرافتی از طرف صدارت بکارگذاری [به کارگزاری] اطلاع دادند که اعلیحضرت [اعلی حضرت] پادشاه ایران این حکم را فرموده‌اند «که هر باری که از بنادر خارجه باسم [به اسم] (مسیو دومرگان) یا کسان او میرسد [می‌رسد] باید در کمرکخانه [گمرکخانه] باز شده و راپرتی در آن باب بحکومت [به حکومت] ولایتی داده شود [،] و همچنین هر چیزی (مسیو دومرگان) از داخله محل بخارجه [به خارجه] [صادر می‌کند] باید رسیدگی شود و اشیاء قدیم وانتیک را باید توقیف [توقیف] نموده [،] راپورتی در آن خصوص بدهند [،] لهذا من از شما متمنی هستم که بکمپانی [به کمپانی] «لنج» و «تاطس» و غیره که در تحت حمایت انگلیس میباشند [می‌باشند] و با (مسیو دومرگان) و کسان او معامله دارند [،] این امر همایونی را اعلام دارید که آنها بکارگزارها [به کارگزارها] و کمرکخانه‌ها [گمرکخانه‌ها] اطلاع بدهند [،] تا اشکالی بمیان [به میان] نیاید [.] امضاء^۱

امان...ا

کارگزار [کارگزار] عربستان

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۴۳

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۹۰۰ [م. / ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۷ ه.ق. / ۲۵ اسفند ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: مرگان

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: به سرقت رفتن یکی از صندوقهای حاوی اشیاء عتیقه «مرگان» و شناسایی دزدان بوسیله نامبرده

نمره: -

ترجمه رسیده مسیو «دومرگان» بسفارت [به سفارت] فرانسه

از چندی باینطرف [به این طرف] همچو ملتفت شدم که بعضی پارچهها [پارچهها] از اشیاء عتیقه که انکشاف میشود [می شود] از من سرقت میکنند [می کنند] ولی چون نمیدانستم [نمی دانستم] مرتکب اینکار [این کار] کیست و نمیتوانستم [نمی توانستم] مدلل کنم [،] اظهار نمیکرد [نمی کردم] تا اینکه در شب دوازدهم مارس [،] یک سرقتی اتفاق افتاد [،] باین [به این] ترتیب که میخواستم [می خواستم] چندین صندوق بفرنگستان [به فرنگستان] حمل کنم و صندوقهای سنگینی که در انبار بود [،] خارج نمودم که روز بعد بفرستم [به فرستم] و شب با وجودی که مستحفظ و قراول داشتم [،] دزدها آمده و یک صندوقی که از همه سنگین تر بود و در حقیقت هشت مرد لازم بود که آنرا [آن را] حرکت دهد [،] دزدیدند [،] ناییبی که از طرف دولت علیه در نزد من مأمور بود [،] او را مسئول [مسئول] این سرقت نمودم و ازین جهت [،] اسامی سارقین زود معلوم شد و صندوق را شکسته و خالی [،] در نزدیکی شوش پیدا کردند [،] فقط چیزی که در صندوق مانده بود [،] یکپارچه [یک پارچه] سنگ بسیار سنگینی [،]

رئیس دزدان شخصی بود «شندی» نام که فرار کرده بود بدزفول [به دزفول] فوراً نایب را فرستادم بدزفول [به دزفول] رقعہ بنایب الحکومه [به نایب الحکومه] نوشتم او را گرفته محبوس داشتند [،] این شخص سابقاً در خدمت من عمله و کارگر بود [،] شنیدم در خاک عثمانی چندین

عمل کرده و از آنجا فراری شده و اکنون پلیس نظمیّه عثمانی در جستجوی اوست [او است] باینمناسبت [به این مناسبت] فوراً از خدمت خود خارج نمودم [،] و این شخص بسیار خطرناک و سفاک و بدنفس آدمی بود که نباید او را مطلق العنان گذاشت و اگرچه مسروقات را هم مسترد داد [،] باید او را در حبس نگاهداشت و اگرچه نمیتوانم [نمی‌توانم] بطور یقین مسلم دارم [،] ولی بحدس [به حدس] و قیاس میتوانم [می‌توانم] بگویم که او بوده است [که] در اول ژانویه بطرف [به طرف] مسیو «لامپر» و مسیو «آندره» تیرانداخت [،] بطوری که از غرایب اتفاقات بود که آنها جان بسلامت [به سلامت] بردند [،] و تصور میکنم [می‌کنم] که ممکن باشد از کارکذاران [کارگزاران] دولت علیه خواهش نمائیم او را در حبس دائمی [،] محبوس دارند [،] مرکان

در ۱۳ مارس شنیدم کاروانی از «عمار» بدزفول [به دزفول] می‌رود [می‌رود] و بعضی اشیاء عتیقه با آنها هست [،] فوراً فرستادم پیش طایفه که مسئولین [مسئولین] سرحد میباشد [می‌باشد] و از رئیس آنها خواهش نمودم اسباب آنها را بازدید نماید [،] مسروقات خود را درباره‌های آنها پیدا کردم و دو نفر هم گرفتار شدند که الان در دست نایب گرفتارند و باستنطاق [به استنطاق]^۱ آنها مشغول است و قصد دارم آنها را نزد نایب الحکومه دزفول بفرستیم که بطور رسمی آنها را حبس نماید و از اینواقعه [این واقعه] قدری آسوده خاطر شوم که دزد خود را جستم [،] و با کمال امیدواری بعدالت [به عدالت] مسلممه کارکذاران [کارگزاران] دولت علیه [،] خواهش مینمایم [می‌نمایم] که مقرر فرمایند [،] آنها را بطور سخت سیاست نموده [،] مدّتی در حبس نگاهدارند [نگاه‌دارند] که بعد ازین [،] اینطور [این طور] وقایع اتفاق نیفتد [،]^۲

۱. استنطاق = بازپرسی

۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۳۰.

شماره سند: ۴۴

تاریخ: ۱۵ ذیقعدہ ۱۳۱۷ [ه.ق. / ۱۷ مارس ۱۹۰۰ م / ۲۷ اسفند ۱۲۷۸ ه.ش.]

فرستنده: علی از محمّره

گیرنده: وزارتخارجہ

موضوع: دستور تلگرافی «عین الدوله» به «معز السلطنه» مبنی بر بازرسی نکردن و ترخیص ده صندوق اشیاء عتیقه‌ای که «مرگان» قصد داشت آنها را به فرنگستان بفرستد.

نمره: -

تلگرافاً بحضور [به حضور] مبارک جسارت نمود که مسیو «تمرجان» [دومرگان] موازی ده صندوق اشیاء عتیقه میخواید [می خواهد] حمل فرنگستان نماید [،] از حضرت اشرف امجد والا آقای عین الدوله دامت شوکتہ [،] امر تلگرافی بجناب [به جناب] «معز السلطنه» اصدار نموده است که بدون معاینه و معارضه در محمّره مرخص بکنند [،] از قرار مذکور حسب الحکم مقررّ بوده است که همیشه در اینجا معاینه می نمودند [،] یحتمل حضرت اشرف امجد نواب والا از اینقرار داد [این قرارداد] اطلاعی نداشته‌اند [،] والا بدون اذن و اجازه اولیای دولت علیّه چه گونه [چگونه] اینقرار داد بعمل [به عمل] نمی‌آید [نمی‌آید] محض استحضار خاطر مبارک [،] بعرض [به عرض] مراتب جسارت ورزید که اگر [اگر] امر بر عدم معاینه [،] برخلاف قرارداد و بدون اجازه اولیای دولتعلیّه [دولت علیّه] باشد [،] بآنچه [به آنچه] مقتضی است [،] امر فرمایند [.]^۱

چاکر خانہ زاد

علی

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجہ، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۳۰.

شماره سند: ۴۵

تاریخ: ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۱۱ اوت ۱۹۰۰ م. / ۲۰ مرداد ۱۲۷۹ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: صورت عهدنامه قطعی نسبت به امتیاز عتیقه ایران

نمره: -

صورت عهدنامه قطعی نسبت به امتیاز عتیقه ایران

مقصود از عهدنامه حاضر تداخل نمودن قرارداد گذشته است که در عهدنامه ۱۲ ماه مه ۱۸۹۵ [مطابق] ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۱۲ [ه.ق.] و فرمان همایونی ماه اکتبر ۱۸۹۷ [م.] مطابق [مطابق] ماه جمادیل الاول [جمادی الاول] ۱۳۱۵ [ه.ق.] ذکر شده بود [،] با بعضی تغییراتی که [تغییراتی که] الحال بواسطه [به واسطه] تجربه‌های زیاد فایده آن معلوم شده است.

بواسطه [به واسطه] ارتباط و دوستی قدیم که مابین دولتین علیین ایران و فرانسه بوده است [،] همچنین بملاحظه قرارداد گذشته ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۱۲ (۱۲ مه ۱۸۹۵) که دستخط مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مظفرالدین شاه خلدا... ملکه که در ماه جمادیل الاول [جمادی الاول] ۱۳۱۵ (اکتبر ۱۸۹۷) صادر شد [،] دولت علیه ایران امتیاز عتیقه جویی تمام ممالک خود را به دولت جمهوری فرانسه داده است که حق مخصوص و شخصی و ابدی این دولت باشد و قرارداد جستجو و تحصیل اشیاء عتیقه باید مطابق [مطابق] فصول ذیل باشد.

فصل ۱- مأمورین فرانسه در تمام وسعت مملکت ایران اجازه دارند که تجسس نمایند مگر در امامزاده‌ها و مساجد و مدارس و قبرستانهای مسلمانان و مکانهای مقدسه و باید احترام و خوشسلوکی [خوش سلوکی] با احل [اهل] مملکت نمایند که چیزیکه [چیزی که] برخلاف رفتار و قانون آنها باشد [،] ننمایند [.]

فصل ۲- دولت فرانسه متعهد شده است که هرگاه اسباب طلا و نقره کشف شود به وزن

آن باید پول پول [ه] طلا یا نقره تحویل خزانه دولتی ایران نمایند و تمام باقی اشیاء به تساوی و به دو قسمت مابین این دو مملکت تقسیم شود مگر آنهایی که در حوالی سوس [شوش] پیدا شده است بدون خسارت تعلق بدولت [به دولت] فرانسه دارد [.]

فصل ۳- اسبابهای طلا و نقره که کشف میشوند [می شوند] باید بواسطه یک نفر [یک نفر] از معمر [مأمور] فرانسه و به اطلاع حاکم آن ناحیه و محل کشیده شود و بعد از معلوم کردن وزن [ه] قیمت آنرا [آن را] باید بتوسط [به توسط] سفارت فرانسه به خزانه دولتی ایران به پردازد [.]

فصل ۴- معمر [مأمور] فرانسه اجازه عکس برداشتن و نقشه کشیدن و قالب برداشتن تمام مجسمهها [مجسمهها] خواه صنعتی خواه خطوط که تعلق به بناهای مذهبی مسلمانان نداشته باشد حق دارد بردارد [.]

فصل ۵- دولت علیه ایران متعهد است که اهالی بلد از علمای محترم فرانسه احترام نمایند و حفظ نفوس و اسباب و اموال آنها را داشته باشند و منزل و مسکن و حمل و نقل اسباب و سهولت داشتن کارها و مسافرت آنها را در بلاد آن دولت فراهم آورند [.]

فصل ۶- هرگاه دولت فرانسه بخواهد بنای کشف کردنرا [کردن را] بگذارد [ه] باید اطلاع به دولت ایران بدهد که در آن نقطه معین دولت ایران یک نفر [یک نفر] معمر [مأمور] عالم و هوشیار را [هوشیاری را] تعیین نماید که مستحفظ آن مأمورین محترم باشد و حفظ جان و مال آنها را بنماید و اسباب کار آنها را فراهم آورد و ملتفت باشد که قرارداد دولتی خطا نشود [.]

فصل ۷- علمای محترم فرانسه حق دارند که هر قسم انبار و خانه که لازمه کار آنها باشد [ه] بنا کنند چه برای مسکن خودشان چه برای مستحفظین یا جای اشیاء عتیقه شان باشد [.]

فصل ۸- هر قسم بار که به آنها برسد یا از آنها خارج گردد [ه] در خود مملکت ایران کسی حق گمرک و بازدید آنها را ندارد [ه] فقط در گمرکخانه سر حد مملکت است که حق بازدید را دارند [.]

فصل ۹- دولت فرانسه تمام مخارج مأمورین خود را میکند (تقبل می کند) مگر مخارج لازمه که برای محافظت داشتن مأمورین محترم خود را که آن با دولت علیه ایران است [.]

فصل ۱۰- تمام قراردادهای سابق که در این قرارنامه جدید ذکر نشده است بکلی [به کلی] باطل است و به صلاح دید مملکت طرفین است [.]

فصل ۱۱- دولت علیه ایران متعهد است که به تمام حکام ممالک خود اعلان نماید که آنچه در این قرارنامه جدید گذاشته شده است باید شناسا و مجرا گردد [.]
[ترجمه صفحه آخر سند که در متن فارسی نیامده است عبارت است از:

این سند در دو نسخه به زبان فرانسه در پاریس به تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۰۰، مطابق با ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۱۸ [ه.ق.] منعقد شد.]^۱

محل مهر وزارت خارجه فرانسه محل امضاء دلکاسه

[وزیر امور خارجه فرانسه]

شماره سند: ۴۶

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۳۱۸ [۱۹۰۰ م. / ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۸ ه.ق. / ۲۵ اسفند ۱۲۷۹ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت خارجه

موضوع: درخواست مأمور از دولت ایران توسط «مرگان» جهت همراهی وی در سفر آستارا

نمره:

ترجمه رسيله مسيو «دومرگان» [دومرگان] بسفارت [به سفارت] فرانسه

شوش ۱۵ مارس ۱۳۱۸

به کمال افتخار خاطر شریف را مستحضر میدارم [می‌دارم] که مقارن دهم ماه مه وارد آستارا خواهم شد و درین [در این] تابستان قصد دارم در کوهستان بعضی انکشافات بعمل [به عمل] آورم یعنی مابین آستارا چای و سفیدرود و مخصوصاً در سمت شمال این شهر یعنی نزدیکی آستارا [ه] از جنابعالی [جناب عالی] ممنون خواهم شد که از دولت علیه خواهش نمائید هر چه زودتر مأمور مخصوصی معین نمایند و چون این مأمور باید سهم دولت متبوعه خود را ضبط نماید [ه] بهتر است که بعضی صندوقها در معیت خود داشته باشد که انکشافات بطور صحیح حفظ نماید [ه] زیرا که این انکشافات در کوههای دور از شهر واقع میشود [می‌شود] و حکماً باید در صندوق ضبط شود که از شکستن و خراب شدن و فقدان محفوظ باشد [ه] بعد از آنکه [آن که] سهم هر یک از دولتین متحابتین معلوم شد [ه] من قصد دارم برای دچار نشدن بمخاطرات [به مخاطرات] حمل و نقل [ه] با قاطر در کوهها و راههای شمال [ه] سهم دولت جمهوریّه را از دریا ببادکوبه [به بادکوبه] فرستاده که از آنجا بفرنگستان [به فرنگستان] حمل شود [ه].

و هم خواهش مندم که مقرر فرمایند مأمور دولت علیه در موقع بستن صندوقهای دولت جمهوریّه حاضر باشد و بعد از بستن صندوقها [ه] آنها را بمهر [به مهر] خود ممهور نماید که در موقع دیگر محتاج بگشودن [به گشودن] و بازدید نشود که اسباب تضييع انکشافات و بر هم خوردن ترتیب بستن آنها باشد [ه].^۱

مرگان

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۳۰.

شماره سند: ۴۷

تاریخ: ۸ ذی‌الحجه ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۲۹ مارس ۱۹۰۱ م. / ۹ فروردین ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزیر امور خارجه

موضوع: عزیمت «مرگان» به آذربایجان و معرفی «اوطاوی» به عنوان کنسول فرانسه در مسقط و محمّره

نمره: -

۸ شهر ذی حجه ۱۳۱۸

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق معظم مهربانا

با کمال شرف و احترام خاطر محترم انجناب [آن جناب] مستطاب امجد عالی را مستحضر میدارد [می‌دارد] ازینکه [از اینکه] بمناسبت [به مناسبت] اقتضای فصل و هوا [،] زمان انکشافات در عربستان بانجام [به انجام] رسیده و مسیو «دومرگان» باید از آنجا باذربایجان [به آذربایجان] برود [،] برای حفظ ترتیب ارسال و مرسول صندوقهای متعلقه بهیئت [به هیئت] مأمورین فرانسه [،] مقرر است که وزارت جلیله امور خارجه پاریس مسیو «اوطادی» را بسمت [به سمت] قرنسول [کنسول] فرانسه موقتاً [موقتاً] بمسقط [به مسقط] و محمّره بفرستد که صندوقهای مزبور را بعنوان [به عنوان] وزارت علوم فرانسه بفرستد و این صندوقها فقط محتوی است اشیاء متعلقه بانکشافات [به انکشافات] را که از مال دولت جمهوریّه میباشد [می‌باشد] و کمال امتنان را از جانب مستطابعالی [مستطاب عالی] حاصل خواهم نمود که مقرر فرمایند [،] احکام لازم شرف صدور یابد که حکومت عربستان [،] مسیو «اطادی» را بسمت مزبور شناخته، نگذارند هیچطور عایقی برای اجرای خدمت و مأموریت او حاصل شود و امیدوار است مراتب ارادت خاصّه این اخلاص نثار را قبول نمایند [،].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۳۰.

شماره سند: ۴۸

تاریخ: ۹ ذیحجه ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۳۰ مارس ۱۹۰۱ م. / ۱۰ فروردین ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت خارجه

موضوع: درخواست مأمور جهت عزیمت به آستارا در معیت «مرگان»

نمره: -

۹ شهر ذی حجه ۱۳۱۸

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق معظم محترم مهربانا

از قراریکه [قراری که] باینفسارت [به این سفارت] محترمه اطلاع رسیده [،] جناب شوکت‌ماب [شوکت ماب] «مسیو دومرگان» رئیس هیئت مأمورین علمی فرانسه باید بطرف [به طرف] آستارا و نواحی آنجا رفته بانکشافات [به انکشافات] مشغول شود [،] از توجه و ملاحظت انجناب [آن جناب] مستطاب افخم عالی [،] رجا میکند [می‌کند] که مقرر فرمایند احکام لازمه بمأمورین [به مأمورین] آنجا شرف صدور یابد که مأموریت ایشان بترتیب صحیح مجرا شود و همچنین وقت آن است که مأمور محترمی از طرف دولت علیه معین شود و هر طور که مقتضی و صلاح باشد [،] انتخاب فرمایند که در موقع انکشافات و اخذ سهم دولت جاوید مدت علیه حاضر باشد و مغتنم می‌شمارد [می‌شمارد] مراتب اخلاص باطنی خود را نسبت بانجناب [به آن جناب] اجل افخم عالی تجدید نماید [،].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۴۹

تاریخ: ۱۰ ذیحجه ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۳۱ مارس ۱۹۰۱ م. / ۱۱ فروردین ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: مظفرالدین شاه

گیرنده: اتابک اعظم

موضوع: دستور مظفرالدین شاه به اتابک اعظم جهت مساعدت به مسیو «دومرگان»

نمره: ۳۹۰

یکطرفه [یک طرفی] مراسله سفارت فرانسه از شرف عرض لحاظ انور اعلیحضرت

اقدس همایون شاهنشاهی خواهد گذشت [.]

[حاشیه با دستخط مظفرالدین شاه]

هو

جناب آقای اتابک اعظم

چه عیب دارد بجایهای [به جاهای] لازم حکم بنویسد که بمسیو دومرگان [به مسیو

دومرگان] تقویت کنند [.]^۱

[امضای مظفرالدین شاه]

شماره سند: ۵۰

تاریخ: ۱۸ ذیحجه ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۸ آوریل ۱۹۰۱ م. / ۱۹ فروردین ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: نصرا... مشیرالدوله

گیرنده: صارم السلطنه حاکم طالش

موضوع: مساعدت به «مرگان»

نمره: ۸۱۳۷

سواد کاغذ وزارت خارجه به صارم السلطنه حاکم طالش

از سفارت دولت جمهوری فخریه فرانسه نوشته‌اند که مجدت و فخامت همراه «مسیو دومرگان» رئیس هیئت مأمورین علمی فرانسه برای انکشافات نواحی آستارا بانجا [به آنجا] عزیمت مینماید [می‌نماید]، مخصوصاً زحمت‌افزا می‌شوم که غدغن [قدغن] فرمائید نایب الحکومه آستارا و مأمورین حکومتی که در آنجا هستند [،] نسبت بایشان [به ایشان] و همراهانشان [،] لازمه احترام نموده [،] در مواقع مقتضیه همراهی و تقویت نمایند که با کمال آسوده‌گی [آسودگی] بانجام [به انجام] مقاصد خود نایل گشته [گشته] مراجعت کنند [.]^۱

(نصرا... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۳۰.

شماره سند: ۵۱

تاریخ: ۲۹ ذیحجه ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۱۹ آوریل ۱۹۰۱ م. / ۳۰ فروردین ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تشکر از توصیه ایران برای اعزام مأمور به اردبیل و آستارا و درخواست مأمور امین جهت دریافت سهم ایران از اکتشافات

نمره: -

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق معظم مهربانا

با کمال توقیر و احترام [،] ترجمه رسیده «مسیو دومرگان» مأمور وزارت علوم دولت جمهوری را از لحاظ شریف گذرانیده ضمناً از حکمی که در باب توصیه مشارالیه بحکومت [به حکومت] «اردبیل» و «آستارا» مرحمت شده بود [،] اظهار تشکر مینماید [می‌نماید] در ترجمه مزبوره ملاحظه خواهند فرمود که «مسیو دومرگان» تأکید مینماید [می‌نماید] در لزوم فرستادن و عجله در مأمور کردن امین از طرف دولت علیه [،] که سهم دولت سرکار بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی دام سلطانه را تحویل و ضبط نموده [،] بطور محفوظی روانه طهران [تهران] نماید و چنانچه سابقاً در این باب زحمت افزای خاطر دوستی مظاهر آنجناب مستطاب اکرم افخم کردیده‌ام [گردیده‌ام]، درینوقت [در این وقت] هم یادآوری مینمایم [می‌نمایم] که مقرر فرمایند در تعیین مأمور و فرستادن او اقدامات لازم بعمل [به عمل] آید [،] و اینموقعرا [این موقع را] غنیمت شمرده [،] احترامات لائقه را تجدید مینماید [می‌نماید].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۳۰.

شماره سند: ۵۲

تاریخ: ۲۹ ذی‌الحجّه ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۱۹ آوریل ۱۹۰۱ م. / ۳۰ فروردین ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: سرقت اشیاء «مرگان» و درخواست تنبیه سارقان

نمره: -

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق معظم مهربانا

در لَف این رسيله دوستى وسيله [ه] با کمال افتخار ترجمه مراسله مسيو «دومرگان» رئيس هيئت مأمورين علمى فرانسه را از نظر شريف ميگذرانم [مى گذرانم]، از ملاحظه آن استنباط خواهند فرمود که نهايت لازم است برای اشاعه قدرت کامله و انتشار قوت نافذ دولت عليه و اجراى عدل و انصاف [ه] تنظيمات و ترتيبى در باب سرقتهاى متواتر و دستبردهاى متوالى که بمسيو دومرگان [به مسيو دومرگان] وارد آمده است [ه] مرتب و مقرر فرمايند در اينباب [این باب] نظر بخاطر [به خاطر] مهام شناسى و عدالت مسلمه جنابمستطابعالى [جناب مستطاب عالی]، لازم نمى بينم ذکرى از مفاد عهدنامجات [عهدنامه‌ها] مقدسه نمايم که حمايت کارگزاران [کارگزاران] دولت عليه را نسبت بحقوق [به حقوق] اتباع دول متحابه جلب مينمايد [مى نمايد] و يقين دارم همينقدر [همين قدر] کفايت ميکند [مى کند] که از جناب مستطابعالى [مستطاب عالی] محترماً خواهش نمايم که امر و مقرر فرمايند [ه] سياست شايسته و تنبيه لازمى که موجب عبرت و تنبيه ديگران باشد [ه] در حق سارقين اشياء عتيقه بعمل [به عمل] آورند و يک حبس طولانى درباره آنها حکم فرمايند که ديگر ازين [از اين] طور رفتار ناشايسته از آنها ناشى نشود و توليد اشکال ننمايد و موقعرا [موقع را] غنيمت شمرده احترامات لازم را نسبت بانجناب [به آن جناب] افخم‌العالى تجديد مى نمايد [ه].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۵۳

تاریخ: ۶ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۵ آوریل ۱۹۰۱ م. / ۵ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: مشیرالدوله وزیر امور خارجه

گیرنده: سالارالدوله

موضوع: سرقت اشیاء «مسیو دومرگان» و دستور شاه مبنی بر تنبیه سارقان

نمره: ۲۴۷

نمره ۲۴۷

سواد کاغذ وزارتخارجه به سالارالدوله

۶ محرم ۱۳۱۹

مجدت و فخامت اکتناه^۱ مسیو دومرگان که برای انکشاف اشیاء عتیقه بایران [به ایران] آمده [ه] بتوسط [به توسط] سفارت فرانسه شرحی در باب سرقت اشیائیکه [اشیایی که] کشف نموده است [ه] نوشته که سواد آنرا [آن را] برای استحضار خاطر مبارک [ه] لفاً تقدیم مینماید [می‌نماید] برحسب امر قدر قدرت همایون شاهنشاهی روحنا فداه [ه] جسارت می‌ورزد که امر و مقرر فرمائید سارقین اشیاء مسروقه را تنبیه و سیاست نمایند [ه] بدیهی است پس از اجرای امر ملوکانه [ه] مقرر خواهند فرمود نتیجه آنرا [آن را] بوزارتخارجه [به وزارت خارجه] مرقوم فرمایند که بعرض [به عرض] برسد [ه].^۲

نصراً...

۱. اکتناه = به ماهیت امری پی بردن

۲. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۵۴

تاریخ: ۷ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۶ آوریل ۱۹۰۱ م. / ۶ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: همکاری نکردن کارمندان دولت ایران با «مرگان» و شروع به اکتشافات نامبرده در آستارا و درخواست مأموری جهت دریافت سهم ایران

نمره: -

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق محترم معظم مهربانا

از قراریکه [قراری که] مسیو دومرکان شرحی باینسفات [به این سفارت] محترم نوشته است [،] بعضی اشکالات فیما بین مشارالیه و کارگذاران [کارگزاران] حکومت محلیه بهم رسیده [به هم رسیده] و چنین نیست که اخلاص شعار [،] اینمعنی [این معنی] را بطور شکایت عنوان کند [،] یا برسم [به رسم] کله [گله] اظهار نماید [،] بلکه فقط برای اطلاع و استحضار خاصه دوستی مظاهر انجناب [آن جناب] مستطاب اجل اکرم عالی است که بقدرت [به قدرت] نافذه و فکر دوربین خود [،] سدّ اینطور اشکالات را در آتیه بفرمایند [،] در صورتی که چندان اشکالی هم ندارد و فقط بفرستادن یک سوادى از قرارنامه که در پاریس امضاء شده [،] رفع اختلافات خواهد شد و همینکه از مضمون آن قرارنامه مستحضر شوند [،] دیگر اختلافی باقی نخواهد ماند و چنانچه آن قرارنامه اکنون حاضر نباشد [،] قسمت اصل آن در سفارت محترم موجود است [،] امر و مقرّر شود یکنفر [یک نفر] مأمور معتمدی از صاحبمنصبان [صاحب منصبان] وزارت خارجه بدفتر [به دفتر] سفارت محترم تشریف بیاورد و سوادى از آن مطابق با اصل برداشته بحضور [به حضور] مبارک برند [،] و هم مغتنم می شمارم [می شمارم] از مضمون رسیده ۹ و ۲۹ ذی حجه در خاطر مبارک یادآوری نمایم که مسیو دومرکان دهم ماه مه در آستارا شروع بانکشافات [به انکشافات] خواهد نمود [،] و لازم است مأمور دولت علیه در آنوقت [آن وقت] حاضر باشد که سهم دولت علیه را اخذ نموده بطهران [به تهران] ارسال دارد و متمنی است قدغن شود در فرستادن او ماطله نمایند ورجا اینکه مراتب خلوص باطنی این جانب [اینجناب] را قبول نمایند [،].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۵۵

تاریخ: محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / مه ۱۹۰۱ م. / اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: حاکم اردبیل

موضوع: حکم مأموریت «منشورالسلطنه» در اردبیل و آستارا

نمره: -

سواد فرمان مأموریت منشورالسلطنه

شهر محرم ۱۳۱۹

چون برای اخذ سهم انکشافات آثار قدیمه که بتوسط [به توسط] مأمور علمی وزارت علوم فرانسه در ایران استکشاف میشود [می شود] لازم بود که یک نفر شخص امین درستکاری [،] مأمور اردبیل و آستارا شود که موافق دستورالعمل در اجرای این خدمت و ابقای وظایف این مأموریت در ضبط و حفظ و حمل و نقل اشیاء بدربار [به دربار] همایونی [،] لازمه مراقبت را بعمل [به عمل] آورد [،] لهذا بتصویب [به تصویب] حضرت اشرف اتابک اعظم و مشیرالدوله میرزا مصطفی خان منشورالسلطنه را که بمراتب [به مراتب] درستکاری و کفایت او اطمینان داریم [،] برای انجام اینکار مأمور اردبیل فرمودیم که خاطر مبارک را در انجام اینخدمت [این خدمت] کاملاً از خود خشنود [خوشنود] نموده در عهده بشناسد [،].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۵۶

تاریخ: ۱۹ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۸ مه ۱۹۰۱ م. / ۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: نصر... مشیرالدوله

گیرنده: «مخبرالدوله» حاکم رشت

موضوع: مأموریت «منشورالسلطنه» برای اخذ سهم ایران از عتیقه‌های مکشوفه توسط «مرگان»

نمره: ۴۶۳

نمره ۴۶۳

سواد کاغذ وزارت خارجه بمخبرالدوله [به مخبرالدوله]

۱۹ محرم ۱۳۱۹

جناب منشورالسلطنه برای ضبط سهم دولت علیه از اشیاء عتیقه که مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه در اطراف استارای ایران کشف مینماید [می‌نماید] مأموریت دارد و از راه رشت بانجا [به آنجا] عزیمت خواهد نمود [،] چون مأموریت مشارالیه بموجب [به موجب] فرمان جهانمطاع [جهان مطاع] و از طرف دولت است [،] چه در ایام توقف آنجا و چه در عرض راه [،] مطالب خود را آنچه فوری است باید بتوسط [به توسط] تلگرافخانهها [تلگرافخانه‌ها] مخابره نماید [،] لهذا زحمت‌افزا میشود [می‌شود] که بمأمورین [به مأمورین] تلگرافخانههای [تلگرافخانه‌ها] این راه الی آستارا مرقوم فرمائید که در همه جا تلگرافات مشارالیه را مجاناً قبول و مخابره نمایند [،] نصر... مشیرالدوله^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۵۹

تاریخ: ۱۹ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۸ مه ۱۹۰۱ م. / ۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ق.]

فرستنده: مشیرالدوله

گیرنده: «سردار کل» پیشکار آذربایجان

موضوع: مأموریت «منشورالسلطنه»

نمره: ۴۶۴

سواد کاغذ وزارت خارجه بسردار [به سردار] کل پیشکار آذربایجان

۱۹ محرم ۱۳۱۹

جناب منشورالسلطنه که از اجزای محترم وزارت خارجه و محل وثوق است [،] بموجب [به موجب] فرمان جهانمطاع [جهان مطاع] مبارک مأموریت دارد که باستارا [به استارای] ایران رفته [،] از اشیاء عتیقه که مجدت و فخامت همراه مسیو دومرگان [،] مأمور علمی فرانسه بموجب [به موجب] قرارنامه در اطراف آنجا کشف می نماید [،] بطوریکه [به طوری که] دستورالعمل داده شده [،] سهم دولت علیه را ضبط و بوزارتخارجه [به وزارتخارجه] ارسال نماید [،] لهذا زحمت افزا می شوم [می شوم] که بکارگزاران [به کارگزاران] امور دیوانی آذربایجان و نایب الحکومه استارا [،] احکام و سفارشات لازمه مرقوم فرمائید که در فراهم آوردن موجبات مقتضیه تسهیل این مأموریت و انجام اظهارات و تهیه ملزومات حمل اشیاء مزبوره کمال مساعدت و لازمه همراهی را [همراهی را] بعمل [به عمل] آورند که بحسن [به حسن] توجه و ملاحظت جناب مستطاب عالی [،] بطور مطلوب از عهده اینخدمت [این خدمت] بر آمده باسایش [به آسایش] و احترام عزیزمت و مراجعت نماید [،] نصر... مشیرالدوله

شماره سند: ۵۸

تاریخ: محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۹ مه ۱۹۰۱ م. / ۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: «نصرا... مشیرالدوله»

گیرنده: مؤمن الدوله

موضوع: مأموریت «منشورالسلطنه»

نمره: ۴۷۶

سواد کاغذ وزارت خارجه بمؤمن الدوله [به مؤمن الدوله]

۲۰ محرم ۱۳۱۹

جناب منشورالسلطنه که از اجزای محترم وزارت خارجه و محل وثوق است [،] بموجب [به موجب] فرمان جهانمطاع [جهان مطاع] مبارک مأموریت دارد که باستارا [به استارای] ایران رفته [،] از اشیاء عتیقه که مجدت و فخامت همراه مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه بموجب [به موجب] قرارنامه در اطراف آنجا کشف می نماید [،] بطوریکه [بطوری که] در دستورالعمل صادر شده [،] سهم دولتعلیه [دولت علیه] را ضبط و بدارالخلافه [به دارالخلافه] ارسال نماید [،] محض استحضار جنابعالی [جناب عالی] زحمت میدهم [می دهم] احکام لازمه برای تسهیلات انجام این مأموریت بکارکراران [به کارگزاران] آذربایجان صادر شود [،] چنانچه از قونسولگری [کنسولگری] فرانسه تبریز در اینباب [این باب] مطلبی اظهار شود [،] مشارالیه را از مذاکرات خودتان مستحضر فرموده و در اظهارات مشارالیه نیز [،] موافقت و مساعدت نمائید که بتواند بطور مطلوب از عهده این خدمت برآید [،] نصرا... مشیرالدوله

شماره سند: ۵۹

تاریخ: ۲۰ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۹ مه ۱۹۰۱ م. / ۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: «نصرا... مشیرالدوله»

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: انتخاب «مشورالسلطنه» به عنوان مأمور دولت ایران در آستارا

نمره: ۴۷۷

سواد مراسله وزارت امور خارجه بسفارت [به سفارت] فرانسه

۲۰ محرم ۱۳۹

جناب منشورالسلطنه مأمور است که باستارای [به آستارای] ایران رفته از اشیاء عتیقه که
مجدت و فخامت همراه مسیو دومرگان در اطراف آستارا کشف می نماید [،] آنچه سهمی دولت
علیه میشود [می شود] ضبط و بدارالخلافه [به دارالخلافه] ارسال نماید و عنقریب [عن قریب]
بمحل [به محل] مزبور روانه خواهد شد [،] محض استحضار خاطر شریف انجناب [آن جناب]
مجدت همراه زحمت افزا گردید [،] بدیهی است مراتب را بمسیو [به مسیو] دومرگان اطلاع
خواهید داد [.]^۱

نصرا... مشیرالدوله

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۶۰

تاریخ: ۲۰ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۹ مه ۱۹۰۱ م. / ۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: «نصرا... مشیرالدوله»

گیرنده: کارپردازی بادکوبه

موضوع: انتخاب «منشورالسلطنه» به عنوان مأمور دولت برای حمل اشیاء عتیقه‌ای که سهم

ایران است

نمره: ۴۷۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به کارپردازی بادکوبه

۲۰ محرم ۱۳۱۹

جناب منشورالسلطنه که از اجزای محترم وزارت خارجه است بموجب [به موجب] فرمان جهانمطاع [جهان مطاع] مبارک مأمور است که باستارای [به آستارای] ایران رفته از اشیاء عتیقه که مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه [،] موافق قرارنامه در اطراف انجا [آنجا] کشف می نماید [،] بطوریکه [بطوری که] دستورالعمل داده شده [،] سهم دولت علیه را ضبط و بوزارتخارجه [به وزارتخارجه] بفرستد [،] چون برای حمل اشیاء مزبوره [،] بعضی اسباب لازم است [،] احتمال دارد تهیه ملزومات حمل را از بادکوبه بخواهد فراهم بیاورد [،] لهذا اطلاع آنمعمدالسلطان [آن معتمد السلطان] از مأموریت مشارالیه لازم است که در موقع ورود مشارالیه بانجا [به آنجا] استحضار حاصل نموده [،] همراهی و موافقت در فراهم آوردن ملزومات مقتضیه بعمل [به عمل] بیاورید تا مأموریت مشارالیه بطور مطلوب انجام گرفته [،] اشیاء ضبط شده را بسهولت [به سهولت] روانه و ارسال دارد [،] نصرا... مشیرالدوله

شماره سند: ۶۱

تاریخ: ۲۳ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۲ مه ۱۹۰۱ م. / ۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: «نصرا... مشیرالدوله»

گیرنده: منشورالسلطنه

موضوع: حکم مأموریت به آستارا

نمره: ۵۴۸

سواد کاغذ وزارت خارجه بجناب [به جناب] منشورالسلطنه

۲۳ محرم ۱۳۱۹

برحسب اراده علیه همایون شاهنشاهی روحنا فداه [ه] انجناب [آن جناب] مأموریت دارید که باستارای [به آستارای] ایران رفته [ه] از اشیاء عتیقه که مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه بموجب قرارداد [ه] در اطراف آنجا کشف مینماید [ه] موافق دستورالعملی که بشما [به شما] داده میشود [می شود] آنچه [آنچه] سهمی دولت علیه می شود ضبط و بوزارت خارجه [به وزارت خارجه] ارسال دارید که بخاکپای [به خاکپای] مبارک تقدیم شود [ه] برای فراهم آوردن موجبات تسهیل این مأموریت [ه] هم چنانچه احکام جداگانه بکارگذاران [جداگانه به کارگذاران] آذربایجان صادر شده [ه] در حین لزوم خودتان بحکام [به حکام] انجا اظهار دارید [ه].^۱

(نصرا... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۶۲

تاریخ: ۲۶ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۵ مه ۱۹۰۱ م. / ۲۵ اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: حاکم بروجرد

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: دستور دستگیری سارقین اموال «مسیو دومرگان»

نمره: ۲

حالا که وقت حرکت چاپار از بروجرد است [۴] چاپار طهران [تهران] وارد شد و نوشتجات مورخه ۶ محرم انجناب [آن جناب] را رسانید و از خصوص تشکی «مسیو دومرگان» از شرحی که نوشته بودید مطلع شدم [۴] میرزا «غلامعلیخان» [غلامعلی خان] نایب الحکومه عربستان [۴] یکی دو روز است رفته و مخصوصاً موکداً نوشتم که سارقین مزبور را دستگیر نموده [۴] تنبیهات لازمه از آنها بنماید و اقدامات خود را راپورتی بفرستند که بوزارت [به وزارت] جلیله خارجه ارسال شود [۴] ۱ ۲۶ محرم ۱۳۱۹

شماره سند: ۶۳

تاریخ: اواخر محرم الحرام ۱۳۱۹ [ه.ق. / اواخر مه ۱۹۰۱ م. / اواخر اردیبهشت ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: «نصرا... مشیرالدوله»

گیرنده: «صارم السلطنه» حاکم طوالش

موضوع: تهیه منزل برای «منشور السلطنه»

نمره: ۱۶۹

سواد تلگراف وزارت خارجه بصارم السلطنه [به صارم السلطنه] حاکم طوالش

سلخ [= آخر] شهر محرم الحرام ۱۳۱۹

جناب منشور السلطنه مأمور استارا هستند [،] همین روزها وارد آنجا خواهند شد [،] قدغن نمائید منزلی با موجبات مقتضیه آن در استارا برای مشارالیه حاضر کنند که اسباب تعطیل کار نشود و در حین ورود مشارالیه هم از لازمه مهربانی و حرمت [،] البته فروگذاری [فروگزاری] ننمائید [.]^۱

نصرا... مشیرالدوله

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۶۴

تاریخ: ۱۴ صفر ۱۳۱۹ [ه.ق. ۲ ژوئن ۱۹۰۱ م. / ۱۲ خرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: «نصرا... مشیرالدوله»

گیرنده: «مسیو نوز» مدیر کل وقت گمرکات ایران

موضوع: درخواست از «نوز» مبنی بر صدور حکمی به گمرک آستارا از جانب وی که متعرض

صندوقهای مسیو «مرگان» نشوند

نمره: ۹۸۰

سواد کاغذ وزارت خارجه بمسیو [به مسیو] نوز^۱ مدیر کل گمرکات

۱۴ شهر صفر ۱۳۱۹

بطوریکه [بطوری که] مسیوق هستید مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه برای انکشاف اشیاء عتیقه باستارا [به آستارا] آمده و جناب منشورالسلطنه هم از طرف دولت علیّه مأمور انجا [آنجا] شده [،] آنچه [آنچه] سهم دولت علیّه است تحویل گرفته حمل طهران [تهران] کند [،] و حالا از قراریکه [قراری که] از سفارت فرانسه اظهار کرده اند [،] برای اینکه سهم دولت فرانسه یک مرتبه دو بسته میشود دیگر باز نشود [،] خوب است همان منشورالسلطنه [،] سر صندوقها را مهر کرده علامت بگذارد و مهر منشورالسلطنه را که در کمرک [گمرک] دیدند [،] دیگر متعرض نباشند [،] لهذا زحمت میدهد [می دهد] اگر اینطور کافی است [،] حکمی که لازم است بداره کمرک آستارا [به اداره گمرک آستارا] مرقوم و ارسال دارید که فرستاده شود والا بمباشر کمرک انجا [به مباشر گمرک آنجا] بنویسید هر وقت خواستند سر صندوقها را به بندند [،] حاضر شده باتفاق [به اتفاق] منشورالسلطنه لاک و مهر کرده [،] بهمان علامت از کمرک [گمرک] عبور داده در کمرکخانه [گمرکخانه] مجدداً باز نکنند [،] نصرا... مشیرالدوله

۱. ژوزف نوز در سال ۱۸۹۸ م. / ۱۳۱۴ ه.ق. باتفاق دو نفر بلژیکی دیگر توسط میرزا جواد خان سعیدالدوله تبریزی وزیر مختار ایران در بروکسل بنا بدستور امینالدوله برای اصلاح گمرکات ایران استخدام شد و در ۱۵ مارس ۱۸۹۸ وارد تهران و در ۲۱ همان ماه به سمت مدیر کل، مسئول اصلاح و تجدید تشکیلات اداره گمرکات ایران شد. نامبرده از سال ۱۹۰۱ وزارت دارائی را در اختیار گرفت و تا ۱۹۰۷ که توسط مشروطه خواهان معزول شد در این سمت بوده است.

۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۶۵

تاریخ: ۶ ژوئن ۱۹۰۱ [م. ۱۸ / صفر ۱۳۱۹ ه.ق. / ۱۶ خرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: «نوز» مدیرکل گمرکات ایران

گیرنده: رئیس کل گمرکات آذربایجان

موضوع: رونوشت نامه «مسیو نوز» به رئیس کل گمرکات آذربایجان و تذکر فصل هشتم قرارداد ۱۹۰۰ بین ایران و فرانسه مبنی بر معافیت گمرکی اشیاء هیئت فرانسوی در گمرکات

داخلی

نمره: ۸۷۶

طهران ۶ ژوئن ۱۹۰۱

سرکار رئیس کل گمرکات آذربایجان

محض رفع اشکالات در خصوص اخراجات و ادخالات بارهای هیئت علمیه فرانسه که بریاست [به ریاست] مسیو دومرکان در حوالی آستارا حفریات بعمل خواهد آورد [به عمل خواهد آورد]، با کمال افتخار ذیلاً فصل هشتم مقاله نامه مورخه ۱۴ از سند ۱۹۰۰ راجع بهیئت [به هیئت] مزبوره را برای استحضار خاطر شریف مینگارد [می نگارد].

فصل هشتم- بارهائیکه [بارهایی که] باسم [به اسم] هیئت علمیه داخل ایران میشود [می شود] و یا از جانب هیئت مزبوره بخارج [به خارج] فرستاده میشود [می شود] و کلیه اسبابهائیکه [اسباهایی که] اجزاء آن هیئت همراه خود حمل و نقل مینمایند [می نمایند] در خروج و دخول [،] از گمرک معاف و اداره گمرک حق معاینه آن بارها و اسبابها را ندارد مگر [مگر] در کمرکخانه‌های [گمرکخانه‌های] سرحدیه [،] لهذا اولاً کلیه اسبابهائیکه [اسباهایی که] برای حفریات هیئت مزبوره لازم است و یا مایلزم شخصی اجزای آن هیئت در ورود بایران [به ایران] از حقوق گمرکی معاف خواهند بود [،] ثانیاً کلیه اسبابهائیکه [اسباهایی که] از حفریات خارج شده و باسم [به اسم] وزارت علوم فرانسه فرستاده میشود [می شود] بعلاوه بارهای شخصی

اجزای هیئت علمیه و آلات حفریه که مجدداً بفرانسه [به فرانسه] فرستاده میشود [می‌شود] در خروج از ایران از حقوق کمرکی [گمرکی] معاف خواهند بود [،] ولی چنانچه در فصل هشتم صریحاً ذکر شده است [،] اداره کمرک [گمرک] در سرحدات در موقع خروج و دخول بارهای هیئت مزبوره حق معاینه را دارد [،] لهدا لازم است که اجزای اداره کمرکات [گمرکات] در مواقع لازمه [،] معاینه بارها را بعمل [به عمل] بیاورند و مخصوصاً مواظبت نمایند که اجزای هیئت علمیه این امتیاز خود را متمسک قرار داده برخلاف قانون مورخه پنجم رمضان رفتار ننمایند یعنی اسبابهای ممنوعه که در قانون مذکوره ذکر شده است [،] داخل ایران ننمایند [،] ولی در خصوص بارهایی که از جانب هیئت مزبوره بعنوان [به عنوان] وزارت علوم فرانسه فرستاده میشود [می‌شود] در صورتیکه [در صورتی که] از محتویات آن بارها مشکوک نباشند [،] خوب است از معاینه معاف بدارند [،] از سرکار خواهشمندم که موافق دستورالعمل فوق رفتار نموده و ادارات کمرکی [گمرکی] جزو مملکت آذربایجان را نیز از اینمسئله [این مسئله] مستحضر نمایند [.]^۱

مدیر کل گمرکات

نوز

شماره سند: ۶۶

تاریخ: ۷ ژوئن ۱۹۰۱ م. [۱۹ صفر ۱۳۱۹ ه.ق. / ۱۷ خرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

تاریخ ترجمه ۱۰ ربیع الاول

فرستنده: «نوز» مدیرکل وقت گمرکات

گیرنده: مشیرالدوله

موضوع: ارسال دستورالعمل به گمرک آذربایجان

نمره: ۹۱۷

حفریات

فرانسه

۱۰ شهر ربیع الاول

طهران هفتم ژوئن ۱۹۰۱

نمره - ۹۱۷

جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه

جناب وزیر محض استحضار خاطر مبارک لفاً صورت دستورالعمل مورخه ششم ژوئن را که برئیس [به رئیس] کل گمرکات آذربایجان در خصوص بارهای هیئت علمیه فرانسه که بریاست [به ریاست] مسیو دومرگان است نوشته بودم [،] ارسال میدارم [می دارم] مستدعی هستم احترامات فایقه بنده را قبول فرمایند [.]^۱

(نوز) مدیرکل گمرکات [گمرکات]

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۶۷

تاریخ: ۲۳ صفر ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۱ ژوئن ۱۹۰۱ م. / ۲۱ خرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: «نصرا... مشیرالدوله»

گیرنده: «میرزا علی اکبرخان» کارگزار عربستان

موضوع: حمل ۱۸۹ صندوق اشیاء عتیقه و جنگ شیخ کویت با «بن راشد»

نمره: ۱۲۰۰

سواد کاغذ وزارت خارجه بمیرزا [به میرزا] علی اکبرخان کارگذار [کارگزار] عربستان

۲۳ شهر صفرالمظفر ۱۳۱۹

دو فقره راپرت انجناب [آن جناب] یکی مورّخه ۱۶ شهر ذی حجّه در خصوص حمل یکصد [یک صد] و هشتاد و نه صندوق اشیاء عتیقه و دیگری مورّخه ۲۲ شهر مذکور در باب جنگ شیخ کویت با بن راشد و شکست شیخ مشارالیه از او واصل یافت و اطلاع حاصل کردید [گردید،] البته با هر پست از این قبیل مطالب راپرت خواهید داد [.]^۱

(نصرا... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۶۸

تاریخ: پنجشنبه ۳ ربیع‌الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۰ ژوئن ۱۹۰۱ م. / ۳۰ خرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: (منشورالسلطنه)

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: شکایت «منشورالسلطنه» از رفتار «دومرگان» و ارسال مخفیانه اشیاء عتیقه به گمرک

اردبیل

نمره: ۴۱۰۰۱

قربان حضور مبارکت شوم از تکبر و منیت مسیو دومرگان حیران است که چگونه حرکات او را عرض نماید [،] غلام خانزاد [خانه‌زاد] محض ورود از مشارالیه دیدن کرده و فوراً برای حفظ احترامات و امنیت و آسوده‌گی [آسودگی] ایشان [،] لازمه ترتیبات را از تعیین محافظ و قراول و آنچه اظهار نمود آورد [،] کاری که در اداء^۱ [زاء] همراهی فدوی غلام کرد [،] بازدید از چاکر نمود [،] گفته بود که شأن من نیست از فلانی بازدید نمایم و طوری خودش را با عظمت و منیت تر از خود خیال میکند [می‌کند] خس خویش اعتنا ندارد [،] اظهارات خود را با امضای خود رسماً بفدوی [به فدوی] بنویسد به میرزای خود که لامپر باشد [،] باو [به او] امر میکند [می‌کند] که بمأمور [به مأمور] ایران اینطور بنویس [،] انهم [آنهم] بر طبق دستورالعمل رئیس خود [،] کاغذهای بی‌احترامانه مینویسد [می‌نویسد] که یک ورقه از نوشتجات لامپر عیناً تقدیم نموده که از لحاظ انور بگذرد [بگذرد] حرفش اینست [این است] که دولت ایران مأمور را برای مواظبت خدمت و اصغای^۲ اوامر و حفظ احترامات من فرستاده است که هر چه امر کنم اطاعت نماید [،] شأن من اجل از اینها هست که مأمور ایران را نقطه مقابل خود قرار بدهم [،] مشارالیه حق هم دارد که اینگونه متهور و متکبر باشد [،] زیرا مدت‌یست [مدتی است] که در ایران سیر میکند [می‌کند] و از طرف وزارت امور خارجه هر سفارشی که سفارت فرانسه بعهدة حکام خواسته گرفته [گرفته] فرستاده است [،] احکامات متعدّد که در اینمدت [این مدت] از وزارت

۲. اصغا = گوش دادن، شنیدن

۱. در ازاء = بجای، عوض

خارجه بدست آورده [،] بحکام [به حکام] و عمال نشان میدهد [می دهد] با نهایت قدرت هر طوریکه [طوری که] دلش میخواهد [می خواهد] در انجام مقاصد باطله خود از طرف حکومت مساعدت میشود [می شود] بدون اینکه باظهار [به اظهار] چاکر محتاج شود [،] طوریکه [طوری که] از مال کاغذ لامپ که لفاً از لحاظ انور میگذرد [می گذرد] معلوم خواهند فرمود در حقیقت آدم باین [به این] متقلبی کم پیدا میشود [می شود] مثلاً بدون اطلاع فدوی از حکومت و یا از کسانی که [با اقتدار شد] [،] برای حمل اشیاء و اسباب [،] مال میخواهد [می خواهد] و آنها هم بدون مضایقه میدهند [می دهند] که بفلان [به فلان] کوه یا نقطه خواهیم رفت [،] یکدفعه [یک دفعه] معلوم میشود [می شود] که از بارهای محموله چند بار مفقود شده [،] در میان بونه [بنه]^۱ که حمل شده بود نیست [،] نمیتوان [نمی توان] معلوم کرد که کجا فرستاده است [،] در اینمدت [این مدت] چند سال از تمام نقاط ایران کاملاً مطلع است [،] چطور که وقتی از آستارا بونه [بنه] را حمل کرده بود که به نمین بیاید [،] هفت بار شبانه باردبیل [به اردبیل] نزد رئیس کمرک [گمرک] آنجا که با او خصوصیت تام دارد فرستاده بود [،] بعد از تفحص زیاد [،] تا معلوم نمود که این بارها را بکجا فرستاده است [،] بعد از اطلاع پرسیدم که شما هفت بار که باردبیل [به اردبیل] نزد رئیس کمرک [گمرک] فرستاده اید [،] یک اشیاء عتیقه نیست [؟] منکر شد که آن هفت بار اشیاء مخصوصه است [،] ابداً توی آنها از اشیاء عتیقه نیست و هر چه هم پیدا کرده است [،] هنوز به بنده ارائه نمی نماید [،] میگوید هنوز چیزی پیدا نشده است ولی از اطراف تحقیق کرده که خیلی چیزها پیدا کرده است [،] از اینکه این هفت بار را نزد کمرکچی [گمرکچی] اردبیل فرستاده [،] بعقل [به عقل] قاصر چاکر اینطور [این طور] می آید [،] چون در قرارنامه مقید است که هر چه در شوش پیدا شده است [،] دخل بفرانسه ها [به فرانسویها] دارد [،] گویا این میخواهد [می خواهد] بعضی اسبابهای مشعلها که پیدا کرده است [،] در ضمن اشیاء مخصوصه بشوش [به شوش] حمل نماید [،] در هر صورت خانزاد [خانه زاد] از فکر این شیطان هنوز آگاه نشده است [،] سد راه کریز [گریز] این [،] اینطور بنظر خانزاد [خانه زاد] میرسد [می رسد] که بحکام [به حکام] امر صادر شود که مستقیماً بدون اطلاع خانزاد [خانه زاد] باظهارات [به اظهارات] مسیو دومرگان

۱. بنه = بار و اسباب

کوش [گوش] ندهند [،] هر مطلبی دارد به بنده بنویسد [،] اگر لازم دانست فدوی بحکومت [به حکومت] اظهار و انجام انرا [آن را] بخواهد و بجناب [به جناب] مسیو نوز هم مقرر فرمایند [،] بارهای [بارهایی] که مسیو دومرگان نزد رئیس کمرک [گمرک] اردبیل فرستاده [،] بدون اطلاع خانزاد [خانه‌زاد] حمل نکند و بسفارت [به سفارت] نیز مرقوم فرمایند که باین [به این] شخص متهور و متکبر بنویسند [،] نصیحت کنند که درست رفتار نماید و هر چه برای سهولت کار خود لازم میدانند [می‌دانند] مستقیماً بچاکر [به چاکر] اظهار نماید [،] حق نداشته باشد که ابداً اظهارات خود را بکسی بکند [،] الان که عرض عریضه مینماید [می‌نماید] در اردبیل است [،] دیروز سه بغروب [به غروب] مانده مسیو دومرگان را در نمین گذاشته [گذاشته] که سه فرسخی اردبیل باشد [،] یکساعت [یک ساعت] از شب گذشته [گذشته] بود وارد اردبیل شد [،] بیوک آقاخان سرتیپ را در نزد مسیو دومرگان گذاشت [گذاشت] که هم از عملیات مسیو دومرگان تا عودت فدوی غفلت نکند و هم هر چه دومرگان اظهار نماید [،] بعمل [به عمل] بیاورد [،] انشاء... بعد از اینکه از عرایض پستی فارغ شد [،] خدمت نواب اشرف والا شاهزاده امامقلی میرزا حکمران اردبیل و طالبش خواهد رسید و باو [به او] اظهار خواهد کرد که محرمانه برئیس [به رئیس] کمرک [گمرک] بگویند که بارهای دومرگان را حمل نکنند تا جواب از وزارتخارجیه برسد و فردا که صبح جمعه چهارم ربیع‌الاول باشد [،] بکوه [به کوه] منور نزد مسیو دومرگان معاودت خواهد کرد [،] چون خانزاد [خانه‌زاد] هنوز خدمتی نکرده است [،] خجالت می‌کشد که زحمات و صدمات و مخارج کزاف [گزاف] که در این کوهها وارد آمده است عرض نماید [،] انشاء... بعد از اینکه خاطر مبارک را از خدمات خود خشنود کرد [،] انوقت [آنوقت] عرضه میدارد [می‌دارد] بعضی راپورتها که لازم العرض بود [،] جداگانه از لحاظ انور مبارک حضرت مستطاب اجل اعظم خداوندگاری روحی فدا میکذرد [می‌گذرد].^۱

یوم پنجشنبه سیم شهر ربیع‌الاول ۲۱۹ از اردبیل عرض شد

چاکر آستان مبارک مصطفی است

محل مهر

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجیه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۶۹

تاریخ: ۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۴ ژوئن ۱۹۰۱ م. / اول تیرماه ۱۲۸۰ ه.ش.]
 فرستنده: «منشورالسلطنه» مأمور دولت ایران بر نظارت به تقسیم اشیاء بدست آمده در منطقه

اردبیل

گیرنده: «نصرا... مشیرالدوله»

موضوع: ارسال دو صندوق از اشیاء عتیقه سهم ایران

نمره:

از اردبیل به طهران [تهران]

بتوسط [به توسط] جناب جلالتماب اجل عمیدالسلطنه حاکم طوالش دام اقباله [،]
 حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم امجد افخم اعظم [،] آقای مشیرالدوله وزیر امور
 خارجه مدظله [،] دو صندوق از اشیاء عتیقه که حصه [حصه] دولت علیه بود [،] بتوسط [به
 توسط] عمده الامراء العظام میرزا علی نقی خان امین تذکره روانه آستارا نمود که در آنجا تحویل
 گماشته [گماشته^۱] مسیو تومانیانس داده [،] حمل دارالخلافه نماید و سه روز قبل تلگرافاً بعرض
 [به عرض] رسانیده بود که اتفاق از ان [آن] خاک طوالش که محل حکومت پسرهای جناب
 عمیدالسلطنه باشد [،] حرکت خواهد شد [،] امروز بمحل [به محل] حکومت امیرالامراء العظام
 مجیر نظام سرتیب اول وارد و در حقیقت این نقطه سرحدی از اقدامات ملت پرستانه مشارالیه [،]
 نهایت آباد و از هر جهت منظم است [،] اهالی و رعایای این نقطه استدعا کردند که حسن سلوک
 و مردم‌داری مجیر نظام را بعرض [به عرض] رسانید [،] در حقیقت مشارالیه سزاوار همه قسم
 تمجید و تحسین اولیای دولت ابد مدت قاهره میباشند [،].^۲

منشورالسلطنه

۱. گماشته = کسی که از طرف دیگری بکاری نصب شده، نوکر، خادم

۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۷۰

تاریخ: ۱۴ ربیع الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۱۰ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: منشورالسلطنه

موضوع: اعلام وصول تلگراف «منشورالسلطنه» و تأکید بر مراقبت و ارسال گزارش مأموریت

نمره: $\frac{۳۰۹۹}{\text{استارا}}$

سواد تلگراف وزارتخارجه به منشورالسلطنه

۱۴ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

$\frac{۳۰۹۹}{\text{استارا}}$

تلگراف شما ملاحظه شد [ه] از ملاقات با مسیو دومرگان اطلاع حاصل کردید، [گردید،]
چنانکه نوسه‌اید [نوشته‌اید] با کمال مراقبت مواظبت نمائید و راپورت مأموریت خودتان را با
یک چاپار بفرسد [بفرستید].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۷۱

تاریخ: ۱۷ ربیع الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۴ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۱۳ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: مشیرالدوله

گیرنده: منشورالسلطنه

موضوع: اعلام وصول تلگرافهای «منشورالسلطنه» و احضار وی به تهران

نمره: ۵۸۳

نمره اردبیل ۵۸۳

سواد تلگراف وزارت خارجه بمنشورالسلطنه

۱۷ ربیع الاول ۱۳۱۹

تلگرافهای شما رسید [۱] اطلاع حاصل شد [۲] چنانچه بشما [به شما] تلگراف شده است

زوتر خواهید آمد اطلاعات خودتانرا شفهاً اظهار خواهید نمود [۳]

(نصراً... مشیرالدوله)

شماره سند: ۷۲

تاریخ: ۲۷ ربیع الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۲۳ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: «معین الملک» وزیر پست وقت

موضوع: بی نظمی در پستخانه آستارا

نمره: ۱۸۰۲

سواد کاغذ وزارت خارجه بمعین الملک [به معین الملک] وزیر پست

۲۷ ربیع الاول ۱۳۱۹

جناب منشورالسلطنه مأمور ضبط اشیاء عتیقه اطراف آستارا [ه] شرحی در خصوص بی نظمی و عدم ترتیب مبادله پستخانه آستارا نوشته است که سواد آنرا [آن را] برای ملاحظه و اطلاع جنابعالی ارسال داشتم [ه] بدیهی است اقدامات لازمه در تنظیم و رفع مشکلات آن خواهید فرمود [ه].^۱

نصرا...

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۷۳

تاریخ: اول ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۲۷ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: دومرگان

گیرنده: وزیر مختار فرانسه

موضوع: درخواست احضار «منشورالسلطنه»

نمره: ۱

از اردبیل بطهران [به تهران]

نمره ۱

سواد تلگراف مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه بوزیر [به وزیر] مختار فرانسه

حضور جناب جلالتماب آقای وزیر مختار فرانسه اقباله العالی [،] دو دفعه عریضه عرضی بجواب [به جواب] نایل نشده [،] مقصود این است که منشورالسلطنه را بطهران [به تهران] بخواهند [،] زیرا عوض ادای تکلیف خود [،] اخلال در کار مینماید [می نماید] و نمیکذارد [نمی گذارد] فعله برای کار گرفته شود [،] استدعا دارد او را تلگرافاً احضار و بنده را خلاص فرمایند [،] کارهای بنده خیلی اسان [آسان] است [،] مأموریت او را بنایب الحکومه [به نایب الحکومه] اردبیل بسپارند [.]^۱

(مرغان) [مرگان]

شماره سند: ۷۴

تاریخ: اول ربیع‌الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۲۷ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: نصر... مشیرالدوله

گیرنده: «منشورالسلطنه»

موضوع: در مورد شکایت «منشورالسلطنه» از «مرگان» و شکایت «مرگان» از نامبرده مبنی بر درخواست پول بنا به اطلاع وزیر مختار فرانسه

نمره: ۱۸۹۵

سواد کاغذ وزار تخارجه ب منشورالسلطنه [به منشورالسلطنه] مأمور استارا

غره^۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹

نوشتجات مورّخه ۳ ربیع‌الاول شما رسید و از اظهارات شما در خصوص مسیو دومرگان مطلع شدم [،] شرح اظهارات شما بسفارت [به سفارت] فرانسه نوشته شد [،] آنها هم در مقابل اظهارات شکایت‌آمیز از شما بمسیو [به مسیو] دومرگان کردند [،] در سابق هم شکایتهای زیاد کرده بودند [،] چنانچه خلاصه آنرا بشما [آن را به شما] با تلگراف رمز گفته‌ام [،] در هر حال فعلاً شکایات او را معلق برسیدگی [به رسیدگی] کردم که اگر [اگر] اظهار خلافی کرده باشد [،] پس از این بکلی [به کلی] اظهارات او رد شود [،] ولی بشما [به شما] می‌نویسم که ممکن است با کمال نرمی و تدبیرات عاقلانه [،] سدّ حيله طرف را کرد [،] نه اینکه در اول امر هنوز نرسیده [،] طوری بشود که طرفین متشکی شوند [،] حالا هم تأکید میکنم [می‌کنم] حق من تقویت مأمور است [،] اما در صورتیکه [در صورتی که] کار او صحیح و خالی از شائبه بوده باشد [،] شما با کمال دوستی مشغول خدمت باشید و کار خودتان را صحیح و بی‌عیب نمائید که من هم مطلقاً از شما و اظهارات شما تقویت نمایم [،] فعلاً احکامی که لازم بود در پیشرفت کار شما صادر شد و بسفارت [به سفارت] فرانسه هم آنچه باید بنویسم [،] نوشتم که رفع شکایات شما بشود [،]

۱. غزه = اول ماه

جناب وزیر مختار فرانسه برحسب مکاتبات [،] اینطور اظهار کرد که شما آنجا اظهار کرده‌اید که از دولت بشما [به شما] چندان خرجی داده نشده [،] امر شما باید بهمراهی آنها بگذرد [بگذرد]، خیلی از اینقول [این قول] و شکایات دیگر که کرده‌اند [،] تعجب حاصل شد و حالا لازم نیست که بر سر مسیو دومرگان بدوید که چرا از من شکایت گفته [گفته‌ای]، مقصود اطلاع خودتان است که بدایند چه‌ها مینویسند [می‌نویسند] و ملاحظه نمائید نتیجه این مأموریت که در اینمدت [این مدت] چند سال حاصل کرده‌ایم چه شد و چه یک طرف را بشکایت واداشتید [،] این مأموریت هم اگر [اگر] منجر بشکایت [به شکایت] بشود [،] میبیند [می‌بینید] چه قدرها برای شما بد خواهد بود [،] تا بتوانید بحسن [به حسن] سلوک و مهربانی رفتار نمائید [،] ابروی [آبروی] مأموریت خود را هم حفظ کنید [،] زیاده چه نکارد [نگارد]^۱

نصرا... مشیرالدوله

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۷۵

تاریخ: اول ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۲۷ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: وزارت خارجه

گیرنده: حکومت اردبیل

موضوع: حمایت از «منشورالسلطنه» و ارجاع امور مراحل امتیاز کشف آثار عتیقه توسط

«مرگان» به نامبرده

نمره: ۱۸۹۴

سواد کاغذ وزارت خارجه بحکومت [به حکومت] اردبیل

غره ربیع الثانی ۱۳۱۹

البته خاطر شریف از امتیاز مسیو دومرگان از بابت انکشاف آثار عتیقه مستحضر است که باید با حضور مأموری از طرف دولتعلیه [دولت علیه]، امتیاز خود را انجام بدهد [،] در اینموقع [این موقع] که برای تفحص آن طرفها عزیمت نمود [،] برای معیت و همراهی و مراقبت [،] جناب منشورالسلطنه از طرف وزارتخارجه معین و روانه شد [،] در اینصورت [در این صورت] خاطر شریف را مسبوق مینماید [می نماید] که اظهارات مسیو دومرگان را در امور راجعه باین [به این] امتیاز بتوسط [به توسط] جناب منشورالسلطنه باید انجام بدهند و همچنین اظهارات حکومتی را بتوسط [به توسط] مشارالیه باو ابلاغ فرمایند که اگر توسط جناب منشورالسلطنه مقصودی در میان است که باید ملاحظه شود والا [الاً] مقصود اصلی دولت از میان می رود [می رود]. مسلم است کمال توجه را در اجرای این مسئله خواهند فرمود و کمال تقویت از منشورالسلطنه بفرمائید [،].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۷۶

تاریخ: ۳ ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۲۷ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: نصرا... مشیرالدوله

گیرنده: منشورالسلطنه

موضوع: اعلام وصول تلگرافهای «منشورالسلطنه» و اظهار خوشوقتی از ارسال دو صندوق از آثار عتیقه به تهران

نمره: ۴۸۶

طالش رشت

سواد تلگراف وزارتخارجہ بمنشورالسلطنه [به منشورالسلطنه]

۳ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۹

تلگرافهای [تلگرافهای] شما رسید ملاحظه شد [،] از حسن مراقبات شما خوشوقت شده بطوریکه [به طوری که] از فرستادن دو عدل صندوق از انکشافات آثار عتیقه بطهران [به تهران] که در خاک طالش اردبیل کشف شده و حرکت از آنجا بطالش [به طالش] کیلان [گیلان] اطلاع حاصل گردید [گردید]. تلگرافی [تلگرافی] که بحکومت کیلان [به حکومت گیلان] خواسته بودید [،] [مخابره شد] [،] ان شاء... تعالی با محاسن اقدامات مراقبت خواهید کرد که این خدمت را بطور خوش انجام داده باشید [.]^۱

(نصرا... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجہ، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۷۷

تاریخ: ۳ ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۲۷ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: «نصرالسلطنه» امیر اکرم حکمران رشت

موضوع: حرکت «منشورالسلطنه» و «دومرگان» به طالش رشت

نمره: ۴۸۸

رشت

سواد تلگراف وزارت خارجه به نصرالسلطنه امیر اکرم حکمران

۳ شهر ربیع الاخر ۱۳۱۹

بطوریکه [به طوری که] جناب جلالتماب منشورالسلطنه خدمت جنابمستطابعالی [جناب مستطاب عالی] تلگراف [تلگراف] کرده اند [،] برای انجام خدمت مقرر از طالش اردبیل بطالش [به طالش] رشت باتفاق مجددت و فخامت همراه مسیو دومرگان حرکت کرده [،] یقین است بطوریکه [به طوری که] مقتضی است احکامات لازمه بحکومت [به حکومت] انجاها [آنجاها] ارسال خواهند فرمود که در اظهارات جناب منشورالسلطنه مأمور وزارت خارجه به پیشرفت اقدامات راجعه [،] باین [به این] مأموریت مساعدات لازمه بعمل [به عمل] آورند و فروگذاری [فروگذاری] ننمایند.^۱

(نصرا... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۷۸

تاریخ: ۶ ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۳۱ تیر ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: صدراعظم

گیرنده: نصر... مشیرالدوله

موضوع: درخواست سفارت فرانسه مبنی بر تغییر «منشورالسلطنه» و موافقت شاه با آن و دستور
احضار نامبرده و ارجاع کارها به اعتمادالدوله

نمره: -

هو

فدایت شوم جناب وزیر مختار فرانسه تلگرافی از مسیو دومرگان دریافت و
خواهشی در باب تغییر مأمور نموده بودند [،] مراتب را بعرض [به عرض] خاکپای اعلیٰ حضرت
اقدس همایونی روحنا فدا رسانیدم [،] قبول فرمودند و مقرر فرمودند که جنابعالی [جناب عالی]
منشورالسلطنه را احضار فرمائید و این مأموریت را بعهدہ [به عهده] اعتمادالدوله میرزا عبدا...
خان^۱ مرجوع دهید که او همیشه در آنجا است [،] باینکار [به این کار] هم رسیدگی نمایند و بمفاد
[به مفاد] قرارنامه عمل نمایند [،] زیاد زحمت است [،].^۲

۶ ربیع الثانی ۱۳۱۹

۱. میرزا عبدا... خان اعتمادالدوله در آن ایام مأمور وزارت خارجه در اردبیل و آستارا بوده است.

۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۷۹

تاریخ تلگراف: ۷ ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۱ مرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: نصرالسلطنه - رشت

گیرنده: مشیرالدوله

موضوع: انجام اقدامات برای مراقبت و مساعدت به «منشورالسلطنه»

نمره:

خدمت ذی‌شرافت [ذی شرافت] جناب مستطاب اجل اکرم ارفع افخم آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه دامت شوکتہ [ه] بطوری که جناب منشورالسلطنه خواسته بودند [ه] تلگرافاً و کتباً بحکومت [به حکومت] طالش توصیه و تأکید شد [ه] در اظهارات جناب معزی الیه [ه] کمال مراقبت و مساعدت را منظور دارند که با معاونت آنها [ه] اسباب پیشرفت کار ایشان فراهم گردد، [گردد] همه قسم سفارشات لازمه بعمل [به عمل] آمده است [ه].^۱ نصرالسلطنه

محل مهر

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۸۰

تاریخ: ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۷ ژوئیه ۱۹۰۱ م. / ۴ مرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: مشیرالدوله

گیرنده: منشورالسلطنه

موضوع: احضار «منشورالسلطنه» به تهران به دستور شاه

نمره: ۵۲۵

سواد تلگراف وزارت خارجه به منشورالسلطنه

۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۹

حسب الامر الاقدس مقرر است که شما بطهران [به تهران] مراجعت نمائید [،] زودتر

عزیمت نمائید [،]

(نصرا... مشیرالدوله)

شماره سند: ۸۱

تاریخ: ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۳ اوت ۱۹۰۱ م. / ۱۱ مرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: نصر... مشیرالدوله

گیرنده: «اعتمادالدوله» کارگزار وزارت خارجه در «اردبیل»

موضوع: حکم انتصاب «اعتمادالدوله» به عنوان مأمور ایران در هیئت علمی فرانسه با حفظ سمت

نمره: ۲۱۸۷

سواد حکم وزارت خارجه با اعتمادالدوله [به اعتمادالدوله] کارگزار اردبیل آثار

۱۷ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۹

چون موافق قرارهایی که فیما بین اولیای دولت علیه ایران و کمپانی کشفیات آثار عتیقه منقعد کشته [گشته] مقرر است که مأمور امین و درستکاری از جانب ایندولت [این دولت] ابدآیت [،] بجهت [به جهت] انجام امور اکتشافی آنها و ضبط سهم متعلقه بدیوان [به دیوان] همایون [،] در هیئت کمپانی مزبور باشد [،] لهذا نظر بظهور [به ظهور] درستکاری و صدق خدمتگزاری آنجناب [آن جناب] حسب الامر الاقدس الاعلی [،] اینخدمت [این خدمت] نیز ضمیمه مأموریت آنجناب [آن جناب] آمد که موافق مدلول قرارنامه که سواد آن بشما [به شما] ارسال میشود [می شود] اولاً مراقبت در اجرای مدلول آنها بعمل [به عمل] بیاورید و ثانیاً هرگاه [هرگاه] برای مأمورین کمپانی مزبور اتفاق بیفتد [،] برحسب اقتضا مدلول قرارنامه قرین انجام نمائید و ثالثاً آنچه را که از کشفیات آنها سهم دولت علیه است [،] دریافت نموده بطهران [به تهران] بفرستید و کمال مراقبت را در انجام این مأموریت بعمل [به عمل] بیاورید [.]^۱

(نصر... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۸۲

تاریخ: ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۵ اوت ۱۹۰۱ م. / ۱۳ مرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: منشورالسلطنه

گیرنده: نصر... مشیرالدوله

موضوع: اعلام وصول احضاریه «منشورالسلطنه» به تهران و عدم توانایی حرکت وی به تهران به علت بیماری و درخواست هزینه سفر

نمره: -

قربان حضور مبارکت شوم امروز عصری که خیال عزیمت تبریز جهت معالجه دارد [ه] الساعة تلگراف احضار چاکر بطهران [به تهران] رسید [ه] زیادت و موجب شکرگذاری [شکرگذاری] از خلاصی اینخدمت [این خدمت] منهوس [منحوس] کردید [گردید] [ه] حدّاقل سایه مبارک را از سر چاکران استان [آستان] مبارک کم نفرماید [ه] چون از اینخدمت [این خدمت] معاف شد [ه] احتمال بهبودی از این ناخوشی هم دارد [ه] عجالئاً که نمیتواند [نمی تواند] بطهران [به تهران] بیاید [ه] عصری مال^۱ چاروادار^۲ کرده‌اند با پالاکی^۳ عازم تبریز است [ه] بعد از اینکه رفع ناخوشی شد [ه] امتثالاً لامر مبارک بطهران [به تهران] عزیمت خواهم کرد [ه] چون خیلی بی‌پول و مقروض است [ه] مقرر خواهند فرمود که مقرری چاکر را از اول اسد^۴ که مانده است [ه] رئیس گمرک آذربایجان پردازد [به پردازد] هر چند برای این مقرری سالیانه نوشته شده است [ه] چون ایام انکشافات در کوه و جنگل‌ها زیاده از سه ماه نیست و این سه ماه را هم خانزاد [خانه‌زاد] مواظبت این خدمت در کوه‌ها [کوهها] بوده و تا ماهی سیصد تومان مخارج کرده است [ه] حالا هم خدمت انکشافات تمام شده و طوریکه [طوری که] با تلگراف سابقاً عرض شده است که شش روز از عمل حفریات باقی بوده که از آغ ایولر باردبیل [به اردبیل] مراجعت نمود [ه] باید

۱. مال = [در اینجا] اسب - استر

۲. چاروادار = چهاروادار = دارنده چهارپا - کسی که حیوانات بارکش را می‌راند و یا با آنها باربری کند.

۳. پالاک = پالک = کجاوه بی‌سقف

۴. اسد = ماه رومی برابر با مرداد ماه

تمام این ششصد تومان مقرری خانزاد [خانه‌زاد] عاید شود و مسیو دومرگان هم چهار روز دیگر وارد اردبیل میشود [می‌شود] و از اردبیل بارس کنار [به ارس کنار] میرود [می‌رود] که از آنجا [آنجا] عزیمت پاریس نماید [،] عمل حفریات ماند دو سال دیگر در استرآباد [،] باز سه ماه مباشرت خواهند کرد [،] حالا برای اینکار [این کار] مأمور لازم نیست [،] برای سال دیگر مأمور لازم است [،] این مقرری سالیانه تماماً حق چاکر است [،] هر چند عوض این مقرری که ششصد تومان باشد [،] چاکر در این سه ماه نهصد تومان زیاده خرج کرده است و بعدها هم برای رفع این مرض که بجهت [به جهت] این خدمت در جنگلها عارض شده است چه قدرها [چقدر] متضرر میشود [می‌شود] مقصود عرض چاکر اینست [این است] مقرر فرمایند که این مقرری را از اول اسد [،] رئیس کمرک [گمرک] تبریز بچاکر [به چاکر] بدهد که نصف آنرا مخارج کند و نصف دیگر [دیگر] را بحاجی [به حاجی] محمدرضا بدهد که قرض کرده است [،] غیر از اینوجه [این وجه] دیگر پولی و طلبی از دیوان ندارد [،] طوریکه [طوری که] سابقاً عرض کرده است [،] مواجب ... خود را بالای این مسافرت گذاشته [گذاشته] دیگر [دیگر] امیدی جز فضل خدا و مرحام حضرت اجل اعظم روحنا فداه ندارم [،] امر امر مبارک است [.]^۱

چاکر مصطفی

شماره سند: ۸۳

تاریخ: ۲۰ ربیع الثانی [۱۳۱۹ ه.ق. / ۶ اوت ۱۹۰۱ م. / ۱۴ مرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: نصر... مشیرالدوله

گیرنده: حکومت اردبیل

موضوع: اطلاع دادن مأموریت جدید اعتمادالدوله و دستور تسهیل مأموریت نامبرده

نمره: ۲۲۲۳

سواد کاغذ وزارت خارجه به حکومت اردبیل

۲۰ ربیع الثانی

چون جناب منشورالسلطنه مأمور حفظ حقوق کشفیات عتیقه ایران [ه] احضار شد و برای اینکار [این کار] مأمور کردانی لازم بود [ه] این مأموریت بجناب [به جناب] عمده الامراء العظام اعتمادالدوله کارگذار [کارگزار] مهام خارجه اردبیل و آستارا واگذار کردید [گردید] و تعلیمات لازمه از وزارت خارجه بمشارالیه [به مشارالیه] داده شده است که با مأمور علمی فرانسه مجدت و فخامت همراه مسیو دومرگان که برای عتیقه جویی باطراف [به اطراف] آستارا [آستارای] ایران آمده [ه] موافقت و همراهی نموده [ه] اسباب کار او را بتقویت [به تقویت] احکام دولت علیه خواهم [فراهم] آورد [ه] لهذا زحمت افزا می شوم [می شوم] که در فراهم نمودن موجبات تسهیل این مأموریت لازمه مساعدت و همراهی را فرموده [ه] مسئولات مشارالیه برای پیشرفت این کار و حفظ حقوق دولت علیه از آثار عتیقه قرین انجام فرمایند که بتواند بخوبی از عهده این مأموریت برآید و نیز این نکته را برای استحضار خاطر شریف زحمت میدهم [می دهم] که اگر خود نواب مستطاب اشرف والا یا یکی از اجزای حکومت آنجا [ه] سؤال و جواب و گفتگویی با مأمور علمی فرانسه داشته باشید [ه] بتوسط [به توسط] جناب اعتمادالدوله اظهار فرمایند که مشارالیه از روی دستورالعمل وزارت خارجه معمول و رفتار خواهند نمود [ه].^۱

نصر... مشیرالدوله

از همین قرار

بعماد السلطنه [به عماد السلطنه] بصارم السلطنه [به صارم السلطنه] به امیر نظام

نمره ۲۲۲۶

حاکم طالش

نمره ۲۲۲۵

حاکم طالش

نمره ۲۲۲۴

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۸۴

تاریخ: ۶ جمادی الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۲۲ اوت ۱۹۰۱ م. / ۳۰ مرداد ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: اتابک اعظم

گیرنده: امیر نظام حاکم تبریز

موضوع: وزن کردن اشیاء طلا و نقره در حضور یک نفر فرانسوی و حاکم محل

نمره: -

تبریز

سواد تلگراف اتابک اعظم بامیر نظام [به امیر نظام]

۶ جمادی الاول ۱۳۱۹

تلگراف جنابعالی بوزارت خارجه [به وزارت خارجه] در باب اشیاء عتیقه و اظهار فرانسویها رسید [۱]. در خصوص تعهدنامه حفریات اظهار آنها صحیح است [۲]، باید اشیاء طلا و نقره در حضور یک نفر مأمور فرانسوی و حاکم محل کشیده شده تحویل شود [۳]. جنابعالی [جناب عالی] هم همین طور معمول خواهید داشت [۴].^۱

اتابک اعظم

شماره سند: ۸۵

تاریخ: ۶ جمادی الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۱ م. / ۲۸ شهریور ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: مشیرالدوله

گیرنده: «اعتمادالدوله» کارگزار اردبیل

موضوع: حکم لغو مأموریت «اعتمادالدوله» در هیئت دومرگان

نمره: ۳۲۷۲

سواد حکم وزارت خارجه با اعتمادالدوله کارگذار [به اعتمادالدوله کارگزار] اردبیل

۶ شهر جمادی الثانی ۱۳۱۹

چنانچه خود شما اطلاع دارید مأموریت مسیو دومرگان در انکشافات اطراف آستارا بانتهای [به انتها] رسید و کارش در آنجاها تمام شد [،] لهذا لزوماً می نویسم که شما هم از این کار و مأموریتی که مرافقت [به مرافقت] او داشتید فارغ هستید [،] مواجب و مقرری که برای اشتغال شما باین [به این] مأموریت داده میشد [،] از تاریخ اتمام اینکار [این کار] ببعد [به بعد] داده نمیشود [نمی شود] محض اطلاع شما زحمت دادم [.]^۱

نصراً...

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۸۶

تاریخ: ۱۲ رجب ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۶ اکتبر ۱۹۰۱ م. / ۳ آبان ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: اتابک اعظم

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: اعلام وصول ششصد و پنجاه تومان سهم ایران و تقاضای یک عدد سکه قدیمی در صورت کشف آنها

نمره: ۸۷

سواد مراسله اتابک اعظم بسفارت [به سفارت] فرانسه

۱۲ رجب ۱۳۹

از مفاد رسیده شریفه مورخه غره شهر رجب المرجب ۱۳۱۹ آنجناب [آن جناب] جلالتمآب مبنی بر ارسال ترجمه کاغذ مجدت همراه مسیو دومرگان [،] و ارسال مبلغ ششصد و پنجاه تومان قیمت اشیاء عتیقه [،] سهم دولت علیه ایران استحضار حاصل کردید [گردید،] جواباً با کمال احترام زحمت افزا میشود [می شود] که وجه مزبور تماماً بنخاکپای [به خاکپای] مبارک تقدیم و مفاد مراسله شریفه نیز بعرض [به عرض] رسید [،] مقرر فرمودند اگر [اگر] در ضمن اشیاء عتیقه مکتشفه سکه یافت شده است [،] یکعدد [یک عدد] از آن سکه را بفرستید تقدیم حضور مبارک شود [،] در باب بی ترتیبی عتیقه جوئی عربستان هم سفارش لازم بحکومت [به حکومت] آنجا خواهد شد [.]^۱

(اتابک اعظم)

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۸۷

تاریخ: ۲۰ رجب ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۳ نوامبر ۱۹۰۱ م. / ۱۱ آبان ۱۲۸۰ ه.ش.]

فرستنده: اتابک اعظم

گیرنده: «سالار الدوله» حکمران و فرمانفرمای عربستان

موضوع: بی‌نظمی در عربستان و سرقت اشیاء عتیقه

نمره: -

سواد کاغذ اتابک اعظم بسالارالدوله [به سالارالدوله] حکمران و فرمانفرمای عربستان

۲۰ شهر رجب المرجب ۱۳۱۹

مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه که چندی قبل برای انکشاف اثار عتیقه بعربستان [به عربستان] و اطراف شوش رفته بود [،] بتوسط [به توسط] سفارت فرانسه شرحی از بی‌ترتیبی وضع عربستان نوشته که بسیاری از اشیاء عتیقه را سرقت مینمایند [می‌نمایند] البته کارکذاران [کارگزاران] حضرت مستطاب اشرف اسعد والا بهتر میدانند [می‌دانند] که آثار عتیقه در هر نقطه از ممالک محروسه باشد [،] متعلق بدولت [به دولت] است و کسی حق ندارد بدون اجازه دولت چیزی بیرون آورده بمعرض [به معرض] بیع درآورد و مسلماً اگر [اگر] مراقبتی در سدّ طریق سرقت بشود [،] فایده آن عاید دولت میشود [می‌شود] بدیهی است امر و مقرر خواهند فرمود [،] نظم صحیحی در اینکار [این کار] داده نکذارند [نگذارند] کسی از کشفیات اثار عتیقه سرقت کند و اگر [اگر] کسی مرتکب شود [،] تنبیه و سیاست فرمایند [،].^۱

(اتابک اعظم)

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۸۸

تاریخ: ۲۴ ذیحجه ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۴ آوریل ۱۹۰۲ م. / ۱۴ فروردین ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: سرقت اشیاء «مرگان» در صاین قلعه و درخواست غرامت

نمره: -

جناب مستطاب اجل اکرم امجد اسعد عالی دوستان استظهار مشفق معظم مهربانا

چنانچه سابقاً بانوزارت [به آن وزارت] جلیله امور خارجه اظهار داشته است [،] هنگامی [هنگامی] که مسیو دومرگان از صاین قلعه عبور میکرد [می‌کرد] در نزدیکی باغی منزل کرده و از حکومت آنجا خواهش نمود چند نفری بقراولی [به قراولی] و حفظ اسباب و سرپرده‌های مشارالیه مأمور دارند [،] چون نایب الحکومه حاضر نبوده است [،] فراشباشی حکومت چند نفری مأمور و روانه داشته است [،] لیکن با وجود مستحفظ و پاسبان [،] شبانه سرقتی از مسیو دومرگان نموده‌اند که معادل پانصد تومان غرامت آن را مطالبه مینماید [می‌نماید] و از قراریکه [قراری که] نوشته است یکصندوق [یک صندوق] بسته که قدری پول نقد و مقداری ملبوس مسیو ژوکیه مأمور علمی فرانسه در آن بوده و دو قبضه تفنگ [تفنگ] و بعضی اشیاء دیگر [دیگر] متعلق بشخص مسیو دومرگان و مادام لامپیر که در مفرشی بسته بود و تمام ملبوس رسمی مستخدمین و اسباب طویله مشارالیه را بسرقت [به سرقت] برده‌اند [،] علی‌الصباح مسیو دومرگان بحکومت [به حکومت] صاین قلعه اطلاع داد و از فرار تحقیقاتیکه [تحقیقاتی که] در آنجا [آنجا] شده است [،] سارقین از سکنه قریه دوبان واقعه [واقع] در قرب صاین قلعه بود که ملک حسنعلی خان چار دولی میباشد [می‌باشد] مسیو دومرگان حکومت محلی را مسئول [مسئول] این سرقت دانسته از کارگذاران [کارگزاران] دولت علیه رجا مینماید [می‌نماید] که مقرر شود عین مال یا غرامت آن را از محل آن وصول و ایصال فرمایند [،] اخلاص شعاع هم از کارگذاران وزارت خارجه متمنی است از بذل اقدامات جلیله خود در اینباب [این باب] مضایقه نفرماید و معتنم می‌شمارد [می‌شمارد] مراتب ارادت خود را تجدید نماید [،].^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۵.

شماره سند: ۸۹

تاریخ: اول محرم ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۱۱ آوریل ۱۹۰۲ م. / ۲۱ فروردین ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: پیگیری موضوع سرقت اموال «مرگان» در صاین قلعه

نمره: ۶/۱

نمره ۶
۱

سواد مراسله وزارت خارجه بسفارت [به سفارت] فرانسه

غزه^۱ شهر محرم الحرام ۱۳۲۰

در جواب مراسله شریفه مورخه ۲۲ شهر ذی حجه ۱۳۱۹ [ه.] انجناب [آن جناب] جلالتماب راجع باظهاراتیکه [به اظهاراتی که] مسیو دومرگان از سرقت اموال خود در صاین قلعه نموده است [ه.] زحمت افزا میشود [می شود] که بحکومت [به حکومت] ساوج بلاغ و صاین قلعه شرحی اکیداً نوشته شد که در مقام تحقیق و رسیدگی [رسیدگی] برآمده [ه.] چگونگی [چگونگی] را معلوم و اقدامات لازمه را بعمل [به عمل] آورده و نتیجه را اطلاع بدهد [ه.] البته هر وقت جوابی رسید [ه.] خاطر شریف انجناب [آنجناب] جلالتماب را مستحضر خواهد داشت [ه.] در اینموقع [این موقع] احترامات فایقه را تجدید مینماید [ه.]^۲

(نصراً... مشیرالدوله)

۱. غزه = روز اول ماه قمر.

۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۰

تاریخ: اول محرم ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۱۱ آوریل ۱۹۰۲ م. / ۲۱ فروردین ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: «سعدالسلطنه» حکمران ساوجبلاغ

موضوع: دستور رسیدگی به سرقت اموال «مرگان»

نمره: ۲

سواد کاغذ وزارت خارجه بسعدالسلطنه [به سعدالسلطنه] حکمران ساوجبلاغ

غره شهر محرم الحرام ۱۳۲۰

انشاء... تعالی مزاج شرافت امتزاج عالی قرین صحت و عین عافیت است [،] ضمناً زحمت افزا میشود [می شود] از قراریکه [قراری که] از سفارت دولت فخمیه فرانسه اظهار داشته مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه [،] زمانیکه [زمانی که] از صاین قلعه عبور میکرد [می کرد] در نزدیکی باغی منزل کرده و از حکومت انجا [آنجا] چند نفر قراول خواسته است که مواظبت اسباب او را نماید و کویا [گویا] با وجود بودن مستحفظین [،] سرقتی از مسیو دومرگان شده است که تقریباً معادل پانصد تومان غرامت آن را مطالبه میکند [می کند] و از قراریکه [قراری که] خود او صورت داده است [،] یکصندوق [یک صندوق] بسته که قدری پول نقد و مقداری ملبوس در آن بوده و دو قبضه تفنگ [تفنگ] و بعضی اشیاء دیگر که در مفرش بسته بوده و تمام ملبوس مستخدمین و اسباب طویله مشارالیه بسرقت [به سرقت] رفته است و بحکومت [به حکومت] انجا [آنجا] اطلاع داده و تحقیقاتیکه [تحقیقاتی که] در انجا [آنجا] شده است [،] کویا [گویا] سارقین از سکنه قریه دوناب واقع در قرب صاین قلعه که ملکی [ملک] حسنعلی خان چار دولی میباشد [،] بوده و حال با اینگونه [اینگونه] مطالبه مشارالیه [،] لازم است که جنابعالی [جناب عالی] تحقیقات لازمه خودتان را بعمل [به عمل] آورده و عین این مال مسروقه را دریافت داشته [،] بوزارت [به وزارت] خارجه ارسال دارید که اسباب اشکال نه بوده [نه بوده]

باشد والا اگر [والاً اگر] اهمالی در این امر بشود [،] بر جنابعالی [جناب عالی] لازم است که از غرامت این اسباب و مال مسروقه برآئید [،] در هر حال مسئولیت این امر با جنابعالی [جناب عالی] خواهد بود [،] محض استحضار خاطر شریف زحمت داده شد [.]^۱

(نصراً... مشیرالدوله)

شماره سند: ۹۱

تاریخ: احتمالاً اواسط محرم ۱۳۲۰ ه.ق. / آوریل ۱۹۰۳ م. / فروردین ۱۲۸۱ ه.ش.

فرستنده: «سعدالسلطنه» حکمران ساوجبلاغ

گیرنده: مشیرالدوله

موضوع: مربوط نبودن موضوع «مرگان» به حکومت ساوجبلاغ

نمره: -

در رقیمة مورّخه غرّه شهر محرم ۱۳۲۰ نمره ۲ شماره ۱۴۷ راجع بمسئله [به مسئله] مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه مرقوم فرموده بودند که زمانیکه [زمانی که] از صاینقلعه [صاین قلعه] عبور میکرد [می‌کرد] در نزدیکی باغی منزل کرده [،] شب معادل پانصد تومان سرقتی از مشارالیه شده و غرامت آنرا مطالبه میکند [می‌کند] بلی اینمسئله [این مسئله] در شب جمعه ۲۵ رجب گذشته [گذشته] اتفاق افتاده [،] ردّ سارقین را کسان نایب الحکومه صاینقلعه [صاین قلعه] بدیم‌آباد [به دیم‌آباد] میبرند [می‌برند] خود مسیو دومرگان و مهدی علی مترجم ایشانهم [ایشان هم] تصدیق نوشته و داده‌اند که ردّ سارقین بدیم‌آباد [به دیم‌آباد] منتقل میشود [می‌شود] چون دیم‌آباد ملک جناب حسینقلی خان صمصام لشکر که حالا بهادر الملک لقب دارند [،] میباشد [می‌باشد] و از خاک افشار موضوع و جزو خاک مراغه است [،] جنابمستطاب [جناب مستطاب] عالی باید اینمسئله [این مسئله] را از حکومت مراغه که جناب نصرالملک است بخواید [،] باداره حکومت مخلص دخلی ندارد [،] اطلاعاً عرض شد.^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۲

تاریخ: ۱۱ صفر ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۲۰ مه ۱۹۰۲ م. / ۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: «امیر نظام» پیشکار کل مملکت آذربایجان

موضوع: دستور بررسی و استرداد اموال مسروقه «مرگان»

نمره: ۱۱۹

سواد کاغذ وزارتخارجه بامیر [به امیر] نظام پیشکار کل مملکت آذربایجان

۱۱ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۰

مسیو دومرگان مأمور علمی فرانسه بتوسط [به توسط] سفارت دولت متبوعه خود شکایت نموده بود که در زمان عبور از صاین قلعه [،] اموال او را بسرقت [به سرقت] برده و همانوقت [همان وقت] بنایب الحکومه انجا [آنجا] اطلاع داده بوده است و در این باب از وزارت امور خارجه بیجناب [به جناب] اجل سعد السلطنه حکمران ساوجبلاغ نوشته شد [،] جواب داده‌اند که در همان زمان رد سارقین را کسان نایب الحکومه صاینقلعه [صاین قلعه] بدیم آباد [به دیم آباد] برده‌اند و خود مسیو دومرگان و مترجم او هم تصدیق داده‌اند که رد سارقین بدیم آباد [به دیم آباد] منتهی میشود [می‌شود] و دیم آباد ملک جناب حسینقلی خان صمصام لشکر که حالا بهادرالملک لقب دارند [،] میباشند [می‌باشد] و از خاک افشار موضوع و جزء خاک مراغه است و از حکومت انجا [آنجا] باید مطالبه شود [،] لهذا زحمت‌افزا میشود [می‌شود] امر و قدغن فرمائید که یا از حکومت ساوجبلاغ و یا از حکومت مراغه هر چه زودتر اموال مسروقه را استرداد نموده و بوزارت [به وزارت] خارجه ارسال دارند و بیش از این بعهده [به عهده] تعویق نیفتد [،].^۱

(نصرا... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امورخارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۳

تاریخ: ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۱۴ ژوئن ۱۹۰۲ م. / ۲۴ خرداد ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: کارگزاری اول دولت علیه ایران در ایالت عربستان و مضافات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اظهار تأسف از اختصاص آثار عتیقه مکشوفه شوش به دولت فرانسه و بی‌خبر بودن

دولت و ملت ایران از آثار عتیقه بدست آمده از آن محل

نمره عمومی: ۳۲ نمره خصوصی ۶

در خصوص حفريات آثار عتیقه ایران که در عربستان میشود [می‌شود]، چون اوقاتیکه [اوقاتی که] طهران [= تهران] بود عرض کرد و بر طبق آن امر و مقرر فرمودند حالا صورت مقاوله نامه اخیریکه [اخیری که] دایر به آثار عتیقه بین دولتین ایران و فرانسه منعقد شده و در کارگذاری [کارگذاری] اینجا بود [،] سوادش را تقدیم و ضمناً جسارت عرض مینماید [می‌نماید] بطوریکه [بطوری که] از عرض لحاظ انور میگذرد [می‌گذرد] موافق فصل اول آن امتیاز تجسس آثار عتیقه در کلیه ایران [،] به فرانسه [به فرانسه] داده شده و موافق فصل ثانی آنچه یافت بشود باید بین دولت‌های ایران و فرانسه بالسویه تقسیم گردد [گردد] مگر [مگر] اشیائیکه [اشیایی که] در شوش کشف میشود [می‌شود] که اختصاص بفرانسه [به فرانسه] دارد و در این صورت آیا مأمورین فرانسه ذی حق [ذیحق] خواهند بود که تجسس خودشان را به شوش منحصر کرده آنچه یافت بشود به برند و دولت ایران بکلی بی‌بهره بگذارند [به گذارند] یا در جای دیگریهم [دیگری هم] باید اقدام باین [به این] امر نموده [،] قسمت ایران را بدهند [،] خاطر مبارک بخوبی [به خوبی] مسبوق است که پاره از این آثار از طلا و نقره قیمت‌دارتر است [،] خاصه اینکه طلا و نقره خیالی و موهوم و سایر چیزها مسلم و معلوم است [،] دیگر [دیگر] مدلول فصل ششم و هشتم بر این است که دولت علیه حق نظارت خود را ترک کرده و حالا که مأمور مخصوصی نیست [،] کارگذاری [کارگذاری] باید اعمال آنها [آنها] را از تحت نظر دقت دور ندارد و نیز در سر حد میتواند

[می‌تواند] معاینه نماید [،] در طهران [= تهران] جسارت عرض کرد [،] جای تأسف است [،] آثار عتیقه ایران در پاریس و مرکز اروپا عرضه تمام خلق عالم بشود و دولت و ملت ایران خود بی‌خبر از آن [آن] بوده و لامحاله بهره‌مندی هم نداشته باشد [،] الامر الاشراف مطاع^۱

حسین

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۴

تاریخ: ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۰ [ه.ق. ۱۷/ ژوئن ۱۹۰۲ م. / ۲۷ خرداد ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: نصر... مشیرالدوله

گیرنده: «امیر نظام» پیشکار [آذربایجان]

موضوع: پیگیری موضوع اموال مسروقه «مرگان»

نمره: ۱۸۸

۱۰ شهر ربیع الاول ۱۳۲۰

تبریز

سواد تلکراف [تلگراف] وزارت خارجه بامیر [به امیر] نظام پیشکار

مورخه دهم شهر ربیع الاول ۱۳۲۰

در باب سرقت اموال مسیو دومرگان در نزدیکی صاین قلعه [،] چندی قبل کتباً و تلکرافاً [تلگرافاً] زحمت افزا شدم [،] هنوز نتیجه بظهور نرسیده [.] از سفارت فرانسه در انجام اینکار [این کار] اصرار دارند [،] بدیهی است مقرر خواهند فرمود بزودی اینکار [این کار] را انجام داده [،] اموال مسروقه را مسترد و نتیجه را بوزارت [به وزارت] خارجه اطلاع بدهند [.]^۱

نصر... مشیرالدوله

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۵

تاریخ: ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۲۰ ژوئن ۱۹۰۲ م. / ۳۰ خرداد ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: از تبریز، «امیر نظام» پیشکار آذربایجان

گیرنده: نصر... مشیرالدوله

موضوع: پیگیری موضوع اموال مسروقه «مرگان»

نمره: جواب ۲۲ دولتی

از تبریز به طهران [تهران]

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه دام اقباله [،] در باب اموال مسروقه مسیو دومرگان [،] بحکومت [به حکومت] ساوجبلاغ و صاینقلعه [صاین قلعه] اکیداً نوشته‌ام که اقدامات وافیه را بعمل [به عمل] آورده نتیجه اقدامات خود را اطلاع بدهند [،] البته مجدداً تأکید کرده نتیجه را عرض میکنم [می‌کنم].^۱

امیر نظام

محل مهر تلگرافخانه طهران [= تهران]

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۶

تاریخ: اول ربیع الثانی ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۷ ژوئیه ۱۹۰۲ م. / ۱۵ تیر ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: «فرنان کوژه» شارژ دافر سفارت فرانسه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: یادداشت سفارت فرانسه در مورد پیگیری دریافت غرامت اموال مسروقه «مرگان»

نمره: -

در تاریخ ۲۲ شهر ذی حجه گذشته [گذشته] خاطر نشان کارکنان [کارگزاران] وزارت جلیله امور خارجه داشت که در نزدیکی صاین قلعه و ساوجبلاغ [،] سرقتی از مأمورین علمی فرانسه شده است [،] خواهشمند شده بود امر و مقرر شود [،] غرامت مسروقات که معادل پانصد تومان می شد [،] از هر کس که باید گرفته [گرفته] بفرستد [،] چون تاکنون از نتیجه اقدامات حکومت آذربایجان اطلاعی نرسیده [،] لهذا از کارکنان [کارگزاران] وزارت جلیله امور خارجه رجا میشود [می شود] [،] تلگرافاً استخباری فرمائید که هرگاه غرامت مزبوره را واصل داشته اند [،] ایصال دارند [،] زیاده زحمت است^۱

محل مهر شارژ دافر

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۷

تاریخ: ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۲ م. / ۲۵ تیر ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: نصر... مشیرالدوله

گیرنده: امیر نظام

موضوع: دستور استرداد غرامت اموال مسروقه «مرگان»

نمره: ۲۳۵

تبریز

سواد تلکراف و زار تخارجه بامیر [به امیر] نظام

۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۰

از سفارت فرانسه پانصد تومان غرامت اموال مسروقه مسیو دومرگان را مطالبه و در استرداد آن همه روز اصرار دارند [،] معهنذا مصدع میشوم [می شوم] که مقرر فرمائید یا از حکومت ساوجبلاغ یا صایقلعه [صاین قلعه] اموال مسروقه را عیناً یا غرامتاً تا هفته دیگر [دیگر] استرداد و نتیجه را سریعاً اطلاع بدهند [.]^۱

(نصر... مشیرالدوله)

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۸

تاریخ: ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۲ م. / ۲۵ تیر ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: حاکم مراغه

گیرنده: مشیرالدوله

موضوع: پانصد تومان غرامت اموال مسروقه «مرگان»

نمره: -

در خصوص اموال مسروقه مسیو دومرگان فرانسوی که در سنه ماضیه [،] شب در کنار ابادی [آبادی] صاین قلعه بسرقت [به سرقت] برده‌اند و ردّ سارق را کسان مشارالیه بقریه [به قریه] دیم‌آباد [دیم‌آباد] مراغه [،] ملک جناب جلالتماب بهادر الملاک [،] سر کرده سوار چهار دولی برده‌اند و از مخلص انجام این عمل را خواسته بودید [،] چون بهادر الملک با سوارش مأمور ساوجبلاغ است [،] مطالبه اموال مسروقه را از او نمود [،] محض اینکه رفع تصدیع از حضرت مستطاب عالی بکردد [به گردد]، مشارالیه را متقبل نموده جهت اسکان مسیو دومرگان [،] غرامت اموال را از رعایای دیم‌آباد گرفته [گرفته]، کارسازی دارد [،] ولی خود مسیو دومرگان همان شیبکه [شبی که] اموالش بسرقت برده شده است [،] تعیین [تعیین] قیمت مال را نمی‌نماید [،] بعد در وزارت خارجه اظهار میدارد [می‌دارد] پانصد تومان [،] بمحض [به محض] قول که نمی‌شود [،] قدغن فرمائید در محاکمات وزارت خارجه آنچه ثابت نمود [،] مرقوم فرمائید تا اینجا از کسان بهادرالملک گرفته [گرفته] تقدیم حضور مبارک دارد [،] زیاده عرض ندارد^۱

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ ه.ق، صندوق ۲۱، پرونده ۳.

شماره سند: ۹۹

تاریخ: ۴ رجب ۱۳۲۰ [ه.ق. / ۱۷ اکتبر ۱۹۰۲ م. / ۱۴ مهر ۱۲۸۱ ه.ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت فرانسه

موضوع: ارسال پانصد تومان غرامت اموال مسروقه «مرگان» به سفارت فرانسه

نمره: ۳۹۲/۱۳

نمره
 $\frac{۳۹۲}{۱۳}$

سواد یادداشت وزارت خارجه بسفارت [به سفارت] فرانسه

۴ شهر رجب ۱۳۲۰

در جواب یادداشت مورخه غره شهر ربیع الثانیه ۱۳۲۰ آنسفارت [آن سفارت] محترمه دایر بخسارت [به خسارت] وارده بمأمورین [به مأمورین] علمی فرانسه در صاین قلعه [،] زحمت افزا میگردد [می گردد] که مبلغ پانصد تومان وجه خسارت از حکومت آنجا دریافت بیست و پنج تومانش را از بابت صد و پنج موضوع حواله [،] چهارصد و هفتاد و پنج تومان تتمه را بآنسفارت [به آن سفارت] ارسال داشت [،].^۱

(نصرا... مشیرالدوله)